

حقیقت

شماره ۱۲۴

۳ خرداد ۱۳۴۶

بیرون راندن مزدوران یعنی از خاک
میپنمان اساسی ترین راه حل مشکل
آوارگان جنگ است

تجاوزناستگارانه رژیم انقلاب کما قسدر مردم
رژیم بعث عراق به میبیین ایران صورت گرفته است
عزیزمان که به دستور امیریا -
لیستها ، برای چاپ بودی

بفیه در صفحه ۱۲

سرمقاله

مصالح جنگ و انقلاب ایجاب میکند:

هم مقاومت سازشی ناپذیرد برابر تجاوزکاران و آمریکاراه هم نبرد بی امان با جریان خیانتکار و مستبد حاکم راه

شروع حملات هوایی وزمیته
خودد را ایران انتظار داشته
فعالیت میکنند؛ و از داخل
همدار روده شده با ملاح مکتبی و
فا سوده دولت خیانت پیشه اش
دا ثما علیه انقلاب و مردم توطئه
میکند و تریط تسلیم کشور را
(بفیه در صفحه ۲۰)

سازی برای یک تحول ارتجاعی
و قدمتی، نظیر کودتای کسه
یعنی های عراقی همزمان بسا

و بر تجميع دست نشان داده
منطقه برای محاصره و زیر فشار
تیا نی مردم ایران وزمینند

انقلاب ایران از دوسو،
هم از خارج و هم از داخل مورد
حمله و تها و ترسار گرفته و
بیرحمانه کوشش میشود تا کشور
ما با رد بگریه گورستانی
خاموش و بیگانه ای برای
ارتجاع و امیریا لیم تبدیل
شود. از خارج امیریا لیت ها

حداقل دستمزد،

تورم و گرانی

صفحه ۳۳

درباره بودجه

۱۳۶

صفحه ۳۳

نامه یک

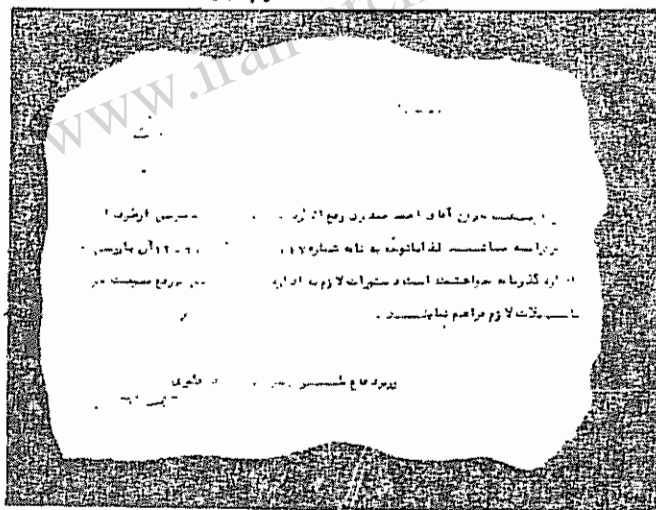
پاسدار

صفحه ۲۷

حقیقت



ماجرای گلاهِ ۵۶ میلیون دلاری!



دست چه کسانی در این ماجرا گیر

صفحه ۳

درباره پیروزی
فرانسوا میتران

صفحه ۳۲

اخبار کردستان

صفحه ۲۹



مسئله ارضی و حکومت جمهوری اسلامی

صفحه ۵

بند از صفحه اول

سر مقاله ...

امپریالیستها و وارد شدن در جمع ارتجاع منطقه را فراهم میگردانند. در خارج درباری های فراری و وابستی و بختیار و هم قماشای آنها مشغول توطئه و تحریک و خیانت و در فکر و خیال غصب دو بباره قدرت در ایران هستند؛ و در داخل هم حزبی های خائن؛ بهشتی و اعوان و انصار او و باند منقط و رذل شبوی و شرکا، مشغول توطئه و تحریک و خیانت اند و در فکر و خیال بسط و تشبیت قدرت غصبی خود بر مردم ایران میباشند.

چه خیال میکنند این دا رودسته، که هم اکنون نقشی بدتر و موثرتر از نقش ستون پنجم را برای امپریالیستها و یادی تجا و زکا را آنها در مناطق جنگزده و بلکه در سراسر کشور ایفاء میکنند. دقیقاً در همین ماههای فروردین و اردیبهشت امسال، که بهاران خمپاره و توپ و موثک جنایت کاران بخشی بروی مردم باز مانده در شهرهای اهواز و آبادان و دزفول افزایش بیما بقه یافته، تعدی و تجاوز ابادی حزب جمهوری اسلامی و دولت رذالت پیشه رجائی - نیروی سردم این شهرها نیز بطور بیما بقه ای گسترش پیدا میکند، و روزی نیست که تعدادی از جوانان و هواداران گروه های انقلابی را به پستانه ای ویایی هیچ بهانه ای کلرله نزنند و دستگیر و زندانی نگردانند. چرا که سران خائن حزب حاکم و یادی نابکاران

که برخی از ایشان همکاران و ریزه خواران دربار روسا و اک پهلوی هستند، بیش از آنکه از آمریکا و تجاوز بعضی ها بیم داشته باشند از مردم کشور خود و از انقلابیون و سپه پرستان واقعی این مرز و بوم بیم دارند. چرا که بهشتی خائن، این صراف ربا خوار کردن کلفت شهرهای آلمان و این جیره خوار هویدای معدوم، بگفته خودش حاضر است حتی خوزستان از دست پرودولی خدشهای هم بر قدرت غصبی او وارد نماید. روزنامه جمهوری اسلامی زبان گویای این غاصبان جدید قرار دادهای افسد ملی و

کا ملا عادلانه و برحق، که از پشتیبانی قاطبه مردم ایران برخوردار بوده و هست. این مقاومت همچون سبلی محکمی است به بنا گوش امپریالیست های رنگارنگ خصوصاً گسنگرگ زخم خورده آمریکا و تمام سی ارتجاع منطقه، که در اشتلاف سنگینی علیه کانون جوشان انقلاب (یا بقول صدام حسین مزدور: "فتنه گری") درخاورد میانه یعنی ایران و بخاطر دفاع از حاکمیت سلاطین و شیوخ و جیره خواران استعمار در منطقه به تنگنا افتاده اند. مردم با بدبختی تمام قدرت برقراری این زباله های تاریخ بگویند و تا آخر ایستادگی نشان دهند

آمریکا خصوصاً در این اواخر خوب آدم های خود را شناخته است... برای همین است که فریستادگان کنفرانس آمریکا نشی طائف اینبار که به تهران آمدند دیگر است به سراغ آقای رجائی یعنی حزب و دولت وابسته به آن رفتند و با ایشان وارد مذاکره و بحث را جمع به پیشنهاد های گذاشتی خود شدند؛ و اینکار حتی بدون اطلاع و مشورت با اعضای دیگر شورای عالی دفاع و فرماندهی ظاهراً قانونی جنگ صورت گرفت.....

و هرگز زیر بار هیچ سازشی بر سر سر خاک کشور و مواضع ضدا مبر - یا لیستی خود نروند. پیروزی در این جنگ، پیروزی راستینی که به قدرت مردم ایران یعنی بشرط عدم تگانه به رقابت های ابرقدرتها و نیافتادن به دامهای آنها بدست آید، نه تنها قوای دموکراسی و استقلال را در کشور تقویت کرده، از این طریق مرگ دا رودسته مستبد و آزادی کش حزبی را هر چه بیشتر خواهد انداخت، بلکه باعث تسریع سرنگونی رژیمهای ارتجائی و دست نشانده، منطقه و گسترش جنبش های ضدا امپریالیستی

نواستعماری در همان آغاز جنگ نوشته بود که این جنگ بزبان ایشان و بشفح با مصالح لیبرالها و مخالفان ایشان است. طبعاً بهمین خاطر است که اکنون میخواهند این بدبختی را با انتقام کشی از مردم و نیروهای که برخلاف مواهل بزدل و بی غیرت حزب حاکم و چماق دارها بدر شهرهای جبهه مانده اند و از مصالح انقلاب و کشورشان دفاع کردند تلافی کنند.

مقاومت رزمندگان ما در جبهه ها در برابر تجا و زکاران مزدور عراقی و بخاطر دفاع از انقلاب و سپه پرستان است

و آزاد بخوانند در میان مسلح همسا به نسرخواهد گشت. از اسنور با سدر این جنگ پیروز شد و بنا بر این با بدهده امکانات کشور را در خدمت چنین پیروزی راستینی قرار داد.

اما پیروزی واقعی در این جنگ و نیل به اهداف عادلانه آن بدون نبرد با تمامی مظاهرتجائی و خیانتکاران داخلی خصوصاً در قوای حاکمه کشور عبرت نمی باشد. نمی شود با فشارهای که از سوی امپریالیستها و مرتجعین منطقه برای خفه کردن انقلاب و به تسلیم کشا نشین کشور صورت میگیرد مبارزه کرد و در عین حال در برابر تلاش های خائنانانه از اراذل قدرت گرفتاری که از پشت تلوئی انقلاب را فشار میدهند و به تعجیل وارد زمینند با ابرقدرتها و تسلیم کشور میشوند سکوت اختیار کرده دست روی دست گذارد. واقعیات هنر روز و هر ساعت بیشتر بر این نکته تا کید دارد که بزرگترین خائسان به جنگ مقاومت کنونی و اهداف انقلاب همانا حزب حاکم و عمال ریز و درشت آن هستند. بزرگترین اخلالها، تفرقه افکنی ها و ممانعت ها را در بسیج مردم برای دفاع از انقلاب و کشورشان در جبهه ها و پشت جبهه ها تا حال همینها مرتکب شده اند و همینها

نقش فتنه گرانه ستون پنجم دشمن را در کشور ایفاء میکنند. کارخانه صنایع فولاد اهواز را، که هم اکنون هزاران کارگر در آن مشغول تهیه بخشی از احتیاجات روزمره و مهم کشور هستند، همینها دارند تعطیل میکنند. همینها هستند که هر روز عده ای را علیه مردم شهرهای مختلف خصوصاً در مناطق جنگزده و علیه جنگزدگان تحریک میکنند. همینها هستند که با دزدی از خزانه مملکت مخفیانه از خا رجاء سلحه وارد میکنند، که حتی یک دانش فنی آنها به صرف جنگ نرسیده بلکه تماماً برای تسلیح مزدوران نشان در (بشبه در صفحه ۲۱)

هما بنظر که ملت ایران اطلاع دارد اخیراً ۶۵ میلیون دلار از بیت المال این مردم ستندیده و محروم به طریقی (!!) که مقامات مسئول از فاش شدن آن کویا تری دارند با لکتیده شده است. بیش و کم همگی مقامات جمهوری اسلامی ایران در پرده پوشی ما چرا کوشش فوق العاده ای میکنند. سخنگوی دولت - بهزاد نبوی - که یکبار میلیاردها دلار از ثروت ایران را یکجا بسته امپریا لیم آمریکا بخشید، مسئله را بسیار ساده جلوه میدهد؛ جناب بیشتی - رهبر حزب جمهوری اسلامی و رئیس شورای عالی قضائی - این امر را زیاده مہم نمیدانند. سرهنگ جواد فکوری - وزیر دفاع - به سراغ امام خمینی میرود و خواستار درز گرفتن قضیه میشود تا با اصطلاح "روحیسه" سربازان در جنگ کنونی پایشن نیاید!! و مجلس شورای اسلام می هم دور از چشم مردم - در پشت درهای بسته و در یک جلسه، سری - به مسئله رسیدگی میکنند. گویا همه کس در آن بالا میداند چه افتخاری صورت گرفته است جز ملت ایران که در این میان میلیونها دلار را از کسف داده است. ملت فقط اطلاعات ناقص محدود و جسته و گریخته ای در یافت کرده است. اساسی بعضی از اشخاصی چون سرتیپ فرسور، حیدری نامی که معلوم نیست چکاره بوده است شنیده ولی به کنگه ماجرای نبرده است. ما اطلاعاتی در ایستور بدست آورده ایم که بنا بر وظیفه انقلابی خودمان آنها را بسا ملت در میان نخواهیم گذاشت چون تنیাকسی که ما باید مسائل را تمام و کمال بدانند سردم

هستند و پس!

* * *

۱ - مقدار مبلغ پرداخت شده برای معامله خرید اسلحه بر طبق قرارداد اولیه موجوده ۵۶ میلیون دلار، بلکه ۷۳ میلیون دلار بوده است. اگر چه میس، دولت ایران تعداد برخی از اقلام را کاهش داده است که ممکن است مقدار واقعی را به ۶۵ میلیون دلار تقلیل داده باشد. در هر صورت در متن قرارداد اصلی مقدار ذکر شده معادل ۲۳۵۵۰۰۰۰ دلار آمریکا است. ۲ - طرفین قرارداد عبارتند از: الف - دولت

میباشد.

۳ - رابط شرکت اینترپارتس در پاریس - که وسیله وی خریدها صورت میگرفتند است - شخصی بوده است بنام احمد حیدری. احمد حیدری کیست و از چه ساکنه ای برخوردار است؟ احمد حیدری از گذشته دور در کار دلالتی اسلحه و قاچاقچی گری بوده است. وی بعد از انقلاب شرکتی تاسیس میکند (شرکت اینترپارتس) که گاهی مواد غذایی وارد میگردد است، ولی کنار اصلی وی قاچاق اسلحه بوده است. میناچی در این شرکت کار میکند. این شخص ممنوع -

ماجرای کلاه ۵۶ میلیون دلاری

که بر سر ملت ایران رفت!!؟

پای چه کسانی

گیر است؟

چرا آقای فکوری فرد مشکوک و قاچاقچی متروقی بنام

حیدری که ممنوع الخروج بوده، را اجازه خروج میدهند؟

اترین ارتش لبنان که حدود سال پیش اعلام اسفلال کرده است و جنوب لبنان را در اختیار صهیونیست های اسرائیل گذاشته است (و اسرائیل در تماس است و برای آنها نیز دلالتی اسلحه مینماید. وی فعلاً از طرف پلیس فرانسه با اتهام آدم زدی و شروع قتل تحت تعقیب میباشد!! دولت ایران با چنین فرد قاچاقچی و کثیفی قرارداد امضاء کرده است و وی تنها با یک امضاء حق داشته است تا از حسابی در "بانک مدیترانه فرانسه" پول برداشت کند. بانک مرکزی ایران پول را به این حساب (شماره ۰۵ - ۲۲۷۰۲۹) واریز نمیکرده است که فقط به اختیار احمد حیدری قابل برداشت شده است. احمد حیدری، یک کلاه واقعی بوده است، مقادیر زیادی به روی قیمت اسلحه های درخواستی ایران میکشیده است. بعنوان مثال یک نوع گلوله، توپ را هر دانه یک دلار گرانت میفروخته است. این امر ۱/۵ سیلیون عدد سفارش می دهد یعنی یک قلم ۱/۵ میلیون دلار سود خالص حساب احمد حیدری. (ما انواع سلاح های درخواستی ایران را با خاطر مسائل امنیتی فاش نمیکنیم) با لایحه جناب احمد حیدری تصمیم میگردد که تمامی پول را یک جا بایا لیکشند و این کار را میکنند و فعلاً فراری هستند. وی همچنین برای تحویل گرفتن برخی از اسلحه هائی که از طرف دول فرانسه و ایالتا لیا توقیف شده، به آنها بیشتر در شوه از طرف دولت ایران کرده بود.

۴ - در اخبار شنیده میشود که سرتیپ علی اکبر فرسور در کودتای نوزده دست داشته است و جناب بیشتی هم فرموده اند صحیح نبود وی مسئول خرید ارتش باشد!! چه

ایران - نماینده دولت ایران معاون وزارت دفاع - شخصی بنام سرتیپ علی اکبر فرسور بوده است که برای قرارداد امضاء گذارده است. ب - شرکت اینترپارتس (INTER PARTS) که در ایران تشکیل شده است. دفتر مرکزی شرکت در خیابان وهرام شماره ۲۵ واقع است. نماینده این شرکت شخصی بنام میناچی (برادر در کنگر میناچی - وزیر سابق ارتش ملی) بوده است که نمای این شخص نزد برای قرارداد اولیه

کلاه ...

نسخه از صفحه ۲
حرف که این امر را تمهید داده اند و ملی ما حراستین جا خاسته می یابد. وی ۲ ماه و نیم پس دستگور و بردانی شده است و سرگشته شد که وی در قضا ۵۶ ملیون دلاری دست داشته است. ولی بای سرهنگ حواد نکوری شیز در میان است. چندی پستی وی (یعنی سرهنگ نکوزی) سردریش حمید سور میروند (بعد از رو شدن ماجرا) و قسم آبه که سر تیپ فریبور در کودتای نوژه دست داشته است. سر تیپ فریبور هم عین همین اتهام را به سرهنگ نکوری وارد میکنند. ما تا اینجا ی ماجرا را اطلاع داریم.

* * *

این اطلاعاتی بوده است که ما توانسته ایم در این مورد بدست آوریم. مسئله ای که مطرح میباشد عینا رتست از این

که آما مردم ما بدیده اتفاقاتی که در جا مع ما فند و مستقیم و غیر مستقیم با منافع آنها مربوط است بی ببرند و با باز هم مانند زمان رژیم شاه اسن مردم هستند که از هیچ چیز حردار نمی شوند. باز هم افتخارات لایوفا نمی میشوند، در پشت درهای بسته، مجلسی به قرارداد آزادی جاسوسان آمریکائی و همین قضیه ۵۶ ملیون دلاری رسیدگی میشود و ملت از آن بی خبر میمانند. ملت با بد همه چیز را بداند. مقامات جمهوری اسلامی که فعلا لانه کوشش در اختفای اطلاعات دارند با بد از طرف مردم زیر سؤال کشیده شوند تا همه دستپائی کشد در این افتخار بزرگ و افتخار حات بزرگتر در خیل بوده اند باز شوند! اما تا این کار خواهد شد؟ ما فکر نمیکنیم. تا زمانی که یک دولت واقعا انقلابی که خواسته های مردم را بر آورده سازد (و بنا بر این چیزی برای پنهان کردن از مردم نخواهد داشت) بر سر کار نیاید، مردم چیزی نخواهند دانست و روی خوشی نخواهند دید!

ارمنوعیت خروج آقایان احمد صدری رفیع اثر شده است. با تأسیس از طرف اداره کلپور رانسه میانه. لذا با توجه به نامه شماره ۱۰۶۱۲-۱۰۶۱۲/۲۷/۵۰۰۰ آن با وزیر اداره گذرنامه خواهند است دستورات لازم به اداره ... پس بر روی منوعیت خروج ناشیلات لازم فراهم نمایند.

وزیر دفاع ملی: سردار
مکتوبی

تکلیفاتی
پس فرموده می شود در باره این قضیه همه چه که در هر دو طرف
قرار میگیرد هر دو طرف را در هر دو طرف تکلیف می شود

مستند
مستند
مستند
مستند
مستند

مبنی تا بابت بنده سند

(ناخوانا) از منوعیت خروج آقای احمد حیدری رفع اثر گردیده است و عارم ما موربتی از طرف این (ناخوانا) کشور فرانسه میباشد. لذا با توجه به نامه شماره ۱۰۶۱۲-۱۰۶۱۲/۲/۱۵ آن با زری (ناخوانا) اداره گذرنامه خواهشمند است دستورات لازم به اداره گذرنامه مبنی بر رفع ممنوعیت خروج وی تسهیلات لازم فراهم نمایند.

وزیر دفاع ملی: سرهنگ جواد نکوری

جای امضاء

مبنی تا بابت بنده صفحه اول قرارداد اصلی

در تاریخ ۵۹/۱۰/۳ قرارداد حاضر فیما بین وزارت دفاع ملی که بعد از این خریدار نامیده میشود و شرکت ایرانی اینترپرایز رس به آدرس تهران خیابان وراهام شماره ۲۵ که بعد از این فروشنده نامیده میشود طبق شرایط زیر منعقد گردید:

ماده ۱: کیفیت، کمیت و ارزش قرارداد

فروشنده ا قلام خریداری شده را که کمیت و ارزش کل آن مبلغ ۵۰۰/۰۰۰ ۵۵۰ (هفتاد و دو میلیون و پانصد و پنجاه هزار دلار) ضمیمه این قرارداد ذکر گردیده است تحویل خریدار خواهد نمود. ضمیمه مذکور جزو لاینفک قرارداد محسوب میشود.

ا قلام مورد معامله با بد از تولیدات جدید کارخانه و طبق شرایط و استانداردهای بین المللی بوده و ساخت آنها بهیح وجه قفل از سال ۱۹۷۵ نباشد

ماده ۲: شرایط تحویل و مواعید آن

تحویل و مواعید ا قلام مورد معامله در جدولی که ضمیمه این قرارداد داشته و جزو لاینفک قرارداد محسوب میشود منعکس و مندرج گردیده است و تحویل کالا بر اساس F.O.B اسپانیا خواهد بود.

ماده ۳: شرایط پرداخت

پرداخت از طریق افتتاح اعتبار اسنادی غیر قابل برگشت، قابل انتقال و قابل تقسیم بمدت ۸۰ روز در وجه فروشنده نزد بانک کارگزار مورد قبول بانک مرکزی ایران، با ارائه اسناد و مدارک زیر بعمل خواهد آمد:

الف - صورت ریز بسته بندی و فاکتور

ب - تا شهیدیه شما بنده خریدار مبنی بر دریافت کالا بدون عیب و نقی در ذیل اسناد بند الف

ماده ۴: جریمه تاخیر در تحویل

در صورتیکه فروشنده در تحویل ا قلام مورد معامله مطابق زمان بندی مندرج در جدول پیوست قرارداد تاخیر نماید در ازای هر روز تاخیر پنج هزار دلار در روز

مستن تا بابت بنده صفحه سوم قرارداد اصلی

ماده ۱۰

این قرارداد بدو زبان فارسی و انگلیسی تهیه شده که هر دو در حکم واحدند در صورت بروز هر نوع اختلاف متن فارسی معتبر خواهد بود.

فروشنده

خریدار

شرکت اینترپرایز رس

از طرف وزیر دفاع ملی جمهوری

جای امضاء صنایع

اسلامی ایران

جای امضاء سر تیپ فریبور

مسئله ارضی و حکومت جمهوری اسلامی

چگونه میتوان اصلاحات ارضی نکرد؟!؟

به آن، بتدریج خود را به طرح جدید جمهوری اسلامی، یعنی طرح رضا امضا نی معطوف نمود. طرح رضا امضا نی کدیطور مشروط و بخشا منافع جنبش دهقانی را منعکس مینمود، نتوانست در درکشا کثی مبارزه در قدرت سیاسی درون هیئت حاکمه دوام آورد و بتدریج جای خود را به لایحه جدید ارضی داد. لایحه جدید که در اردیبهشت ماه ۱۳۵۹ تصویب شد بر مبنای لایحه ایزدی تنظیم گشته و در عین حال برخی از جوانب طرح امضا نی را در خود جای داد. ما در همان زمان به ما هیئت ضدهقانی و ارتجاعی لایحه ارضی جدید اشاره نموده (ضمیمه حقیقت شماره ۱۳۰۲۴ خرداد ۵۹) و برخلاف پشتیبانی همه جا نبیه رویزیونیست های توده ای - اکثریتی از آن، مخالفت خود را با لایحه فوق که قاعدتاً در بهیاسخ - گویی به مسئله ارضی انقلاب دوم ما نمی باشد، اعلام نمودیم. در عین حال برخلاف سایر نیروهای مبتلا به اپورتونیسم چپ - نی تروتسکیستی، خاطرنشان ساختیم که مخالفت ما با لایحه مذکور محدود به جنبش دهقانی و کمونیستهای واقعی نبوده و بلکه از جانب محافل نشودالی نیز برخواهد داشت. نوشتیم که: "در عین حال از جانب دیگری نیز امکان مخالفت با این قانون میباید شد، در این مورد نیز باید هوشیار بود. و آن مخالفت ما لکین و فشو - دال هاشی است که خواهنا خواه (مانند دوران "اصلاحات" ارضی شاه) می بایستی قریبانی طبقه خود، بمنظور نجات آن، شایده و مقداری از زمین های خود را در کثاکش مبارزه حاد سیاسی کنونی بر سر قدرت سیاسی، زکف بدهند." (هما نجا)

نشودال ها و روحانیت و مراجع تقلید و وابسته به آنها، با توجه به تجربه سال های "اصلاحات ارضی" شاه، با توجه به سه سال زماندهی و تشکل نسبی شان بویژه در شورا های کشاورزی استانهای مختلف بویژه استان تهران، حاصربه قدا نمودن بخشی از امتیازات خویش نشده و از همان آغاز تصویب لایحه ارضی جدید سعی در تبدیل تماموعیار آن بد لایحه ارضی ایزدی نمودند، در مقابل دهقانان که به لایحه ارضی جدید، با توجه به جنبه تبلیغاتی نیروهای مشروعه گرد بر باره آن، بعنوان لایحه رضا امضا نی، که وعده اصلاحات ارضی به نفع دهقانان را میداد، نگریسته و خواهان ادامه مبارزه برای معادله اراضی نشودالها و تقسیم آن شدند.

تجاوز آمریکا نی عراق به انقلاب و میهن! تقسیم زمین های نشودالی توسط برخی از هیئت های ۷ نفره که خارج از اولویت های لایحه ارضی صورت پذیرفته بود، و همچنین ادامه و توسعه سیاسی مبارزه دهقانی بر علیه نشودالها و اردوستان بر سر زمین و محصول آن متحر به توقف در اجرای لایحه ارضی ارتجاعی حکومت جمهوری اسلامی شد. ایی توقف که بعنوان توقف موقت در اجرای بند "ج" (یعنی اراضی بایر نشودالی) مشروف گشت، نتیجه منطقی بن بست های اساسی در لایحه ارضی کنونی در حل انقلابی مسئله ارضی است. سعبارت دیگر بن بست کنونی در اصلاحات ارضی، ارتکظ برینست در ما هیئت لایحه ارضی کنونی و از طرف دیگر رسته در ما هیئت مستبدین نوین مشروعه گرد دارد.

سر نوشت انقلاب دوم ایران را هم اکنون با سر نوشت سه مبارزه اساسی کره خورده است. مبارزه بر علیه تجاوز آمریکا - نی عراق، مبارزه توده ای مردم بر علیه استبداد دلالان مشروعه گری و بالاخره مبارزه توده ای دهقانان ایران بر علیه نشودالیم و بخوا طرز زمین در جامعه روستایی ما، بدون نریدید سه مبارزه اخیر بویژه از نیمه دوم سال اخیر تا کنون، مسائل اساسی جامعه را تحت الشعاع خویش قرار داده اند. مبارزاتی که بیان کننده مضمون اساسی انقلاب دوم ایران، یعنی کسب دمکراسی و استقلال بوده و چگونگی رشد و تکوین آنها تا ثیر بر رشد و تکامل انقلاب دمکراتیک ملی کنونی ما خواهد گذاشت. مبارزات فوق از یک طرف بدون ارتباط با یکدیگر و بطور جدا از هم در جریان بوده و از طرف دیگر هیچکدام از یک رهبری انقلابی برخوردار نیستند. بویژه جنبش دهقانی بر علیه مناسبات نشودالی و ما قبل سرمایه داری و مالکیت ناشی از آن، در مجموع بطور خود بخودی در جریان بوده و برخلاف دوم مبارزه دیگر از یک رهبری حاد قلی برخوردار نمی باشد. طبقه کارگر ایران که از اسفند ماه سال قبل بر علیه خود کا مکی مستبدین دلال مفسد مشروعه گرد، که بگرد حزب جمهوری اسلامی حلقه زده اند، خویش نویی را آغاز کرده است، هنوز وارد محنه سیاسی نشده و بدون ارتباط با سه مبارزه اساسی جامعه ایران مبارزاتی جریان می یابد. انقلاب دوم ایران، برای به سرانجام رسیدن، نیازمند رهبری طبقه کارگر است. طبقه کارگر برای اعمال رهبری خویش نیازمند زودن نظریات رویزیونیستی و اپورتونیستی "چپ" و متحد کردن صفوف خویش و بالاخره تشکیل حزب سراسری خود می باشد. حزبی که بمنظور به سرانجام رسیدن انقلاب دوم، می بایستی مبارزه برای دمکراسی، استقلال و زمین را، که هم اکنون بطور وسیعی در جامعه ما جریان داشته و سایر مسائل را تحت الشعاع خویش قرار داده است، رهبری نموده و تکامل را دهد. حزبی که میبایست برای به سرانجام رسیدن قطعی انقلاب دوم ما، اتحاد طبقه کارگر را با دهقانان ایران بر مبنای انقلاب دمکراتیک ملی کنونی، برای گذار به سوسیالیسم عملی سازد.

جنبش دهقانی میهن ما بطور کلی در نیمه دوم سال گذشته و بطور اخص آذر ماه ۱۳۵۹، یعنی از زمان توقف اجرای بند "ج" و اردخیزی سوین شده که هم اکنون نیز جریان دارد. مبارزه دهقانی بر علیه نشودالیم و مالکیت ناشی از آن، در دو میهن انقلاب ما بدینال تا ثیر انقلابی مبارزه در شهرها، بویژه از تابستان سال ۱۳۵۷ رویه توسعه و رشد پیدا کرد. این مبارزه در سال ۵۸ بیز توسعه بیشتری یافته و بویژه در مخالفت با لایحه ارضی ایزدی در دولت موقت ادا م یافت. مبارزه دهقانی بر علیه نشودالیم با رشد مبارزه فد مبریا لیستی در نیمه دوم سال ۵۸، که منجر به سقوط دولت موقت شد، گسترش بیشتری یافته و سد کما رکذایته شدن لایحه ارضی ایزدی انجام میدهد. جنبش دهقانی که تشنه و نیازمند حل انقلابی مسئله ارضی بود، در ارتباط فقدان رهبری طبقه کارگر و توجه جدی کمونیست ها

چگونه میتوان ...

نجا و زقرا کریمه و از کشت در آسما جلوکبری منمودند. هیئت ... های ۷ نفره بجای حل قطعی مالکیت این زمین ها سوددهتسا - نان کم زمین ویی زمین ، سسین سرنوست آنها را موکول سه آینه نموده و با نثوه کد خدا منشی ! ما بین دهقانان و فئوس - دالها ، روستا نجا ن زحمنکش بطور موقت سه کشت در آن مشغول شده اند .

دریک کلام اساسی واگذاری زمین از جانب هیئت ۷ نفره بر مبنای لایحه ارضی جدید ، مسکوت گذاشتن حل مسئله زمین و موکول نمودن آن به آینده بوده است !

۲ - تا آنجا شیکه زمین بطور دائم از جانب هیئت ۷ نفره تقسیم شده ، اساسا در زمینها راضی موات بوده است . این نوع راضی نه در گذشته و نه در شرایط کنونی درست مالکان فئودال نموده و مبارزه ، دهقانانی بگردگسا این نوع زمین جریسان نداشته است . بطوریکه جدول ۱ نشان میدهد حدود ۱۴٪ از زمین های واگذار شده در سال گذشته ، به دهقانان کم زمین ویی زمین از زمین های موات بوده است ، این نوع زمین ها بعلت فقدان سابقه کشاورزی ، نیازمند نیروی انسانی قابل ملاحظه ای

نجا می کوتا سه کارنامه ، اصلاحات ارضی حکومت جمهوری اسلامی کداسا در دوران سنیست قدرت مستبدین بورژوا - فئودال نشونی صورت پذیرفته ، ابعا دین بست کنونی را در حل مسئله ارضی سان میدهد . کارنامه مستبدین بورژوا - فئودال نسوی ، کدها عبه انجام اصلاحات ارضی را دارند ، بخوبی سان کمنده اسعا دروغین ادعا می سان . جدول شماره ۱ بخوسی نشان میدهد که مستبدین "نوسن" حاصه ، اساسا بر مابیت بورژوا - دلالی وانگلی اشان ، که ریشه در ماسات نیمه فئودالی و ماقبل سرما به داری در جاصه ، مسا دارد ، فادرسا بیک اصلاحات ارضی واقعی نیستند .

جدول ۱ - بررسی کارنامه اصلاحات ارضی جمهوری اسلامی تا آذر ۵۹

انواع زمینهای تقسیم شده	شبهه تقسیم	مساحت زمین تقسیم شده (هکتار)	قشرهای دریافت کننده زمین	% بدکل زمینهای تقسیم شده	ملاحظات
اراضی مالکین فئودال (بند "ج" و "د")	موقت یکساله	۸۵۰۰۰۰	دهقانان بی زمین و کم زمین	۷۸	برای کشت سال ۵۹ تا شعبین تکلیف نهائی
اراضی موات (بند "الف")	دائمی	۱۵۰۰۰۰	"	۱۴	برای مدت چند سال بدون حق انتقال و خرید و فروش
اراضی موات (بند "الف")	دائمی	۵۹۰۸۶۳	سازمان کسوت و خدمات تولیدی برای واگذاری بدیلعه ها و بسیایبیه ها	۵	"
اراضی مالکین فئودال و موات دره شده در انقلاب (بند های ب ، ج ، د)	دائمی	۲۵۰۰۱۵	دهقانان بی زمین و کم زمین	۲	اکثریت فاطح این اراضی ، اراضی موات دره شده در انقلاب است (یعنی بند "ب")
کمال	دائمی و موقت	۱۰۷۸۹۴۰	-	۱۰۰	

(منبع جدول : کارنامه ۸ ماهه ستاد مرکزی هیئت های ۷ نفره واگذاری زمین - صفحه ۶)

وبویزه سرما به کافی بوده که از جانب دهقانان کم زمین بی زمین ، که استخوان بندی اصلی دهقانان فقیر ایران می باشد ، قابل تا مین نمی باشد . علاوه بر این با سد توجه داشت که واگذاری زمین بطور دائم از جانب هیئت ۷ نفره برای مدت معینی (یعنی برای مدت چند سال بنا بر شرایط خاص محلی) بوده و فقط در صورت کنا و رزی مطلوب واگذاری آن تمدید میشود . یعنی حتی زمین های موات نیز بر مبنای لایحه ارضی بسسه مالکیت دهقانان در نیا مده و فقط برای مدت معینی بسه آنها واگذار میشود ، با توجه بد کیفیت اراضی موات و بسسه افتخادی دهقانان فقیر ، سرنوست آتی دهقانان فقیر بخوسی روشن است ، از کف دادن این زمین ها و سار دیگر بیوستن به خیال دهقانان بی زمین !

(بقیه در صفحه ۷)

عملکرد اصلاحات ارضی جمهوری اسلامی که تحت رهبری مستبدین دلال صفت مشروعه گران تا آذر ماه ۵۹ پیاده گردیده ، در برگیرنده چندین نکته آموزنده است :

۱ - اساسی فعالیت هیئت ۷ نفره در زمینه واگذاری زمین بطور موقت برای کشت سال گذشته بوده است . بحسارت دیگر ۷۸٪ زمین های واگذار شده توسط هیئت ۷ نفره بطور موقت و آنهم مدت یکسال بوده است ! این نوع فعالیت هیئت ۷ نفره در خدمت مسکوت گذاردن حل مسئله زمین و موکول نمودن آن به آینده است . زمین ها شیکه بطور موقت به دهقانان واگذار شده ، اساسا زمین های مالکین فئودال (بند های "ج" و "د" در لایحه ارضی) که بیشترین مبارزه دهقانانی در سال گذشته در آن جریان داشته است ، می باشد . این زمین ها که از جمله توسط دهقانان موات دره شده بودند ، از جانب مالکین مورد تسعیدی و

چگونه میتوان...

جنبه دیگری ارتفیسیم زمینی بطور "دائیم" در میان دهقانان
 تا آن بی زمین و کم زمین اراضی غیرموات، یعنی اراضی
 صادره شده در جریان انقلاب (اراضی بند "ب") و اراضی
 مالکین فئودال کنونی (اراضی بند "ج" و بند "د")، به میزان
 بسیار حیزبوده است. یعنی حدود ۳۰٪ از کل تقسیم زمین از
 جانب هیئت ۷ نفره در زمینده اراضی فوق الذکر، که لایحه اصلی
 زمین های مررومی ایران بوده، می باشد. از این میان، قسمت
 اعظم این تقسیم اراضی بند "ب" بوده است، در حالی که در شرا
 یط کنونی عمده بسیار زده دهفانی بر غنیه مالکین ارضی فئودال
 و بخاطر کسب اراضی صادره شده، آنان یعنی اراضی بند "ج"
 (بایر) و بویژه اراضی بند "د" (دایر) می باشد. در نتیجه
 ابعاد تقسیم این نوع اراضی یعنی بند "ج" و "د" در کارنامه
 هیئت های ۷ نفره بسیار کمتر از رقم ۳٪ بوده و کاملاً ناچیز
 می باشد. بویژه اگر ساخت اراضی تقسیم شده های "ب" و "ج"
 و "د" را، که تقریباً ۳۵ هزار هکتار شامل میشود، با مساحت
 کل زمین های مورد بهره برداری جامعه روستایی ایران، که
 بمراستبیش از ۱۵۰ میلیون هکتار می باشد مورد مقایسه قرار
 دهیم، اساعاد بسیار ناچیز تقسیم اراضی بطور "دائیم" از جانب
 هیئت ۷ نفره کاملاً روشن میشود!

حیی اساعاد بسیار ناچیز تقسیم اراضی "دائیم"، که تحت
 رهبری و حاکمیت مستبدین دلال صفت و ضد ملی مشروع و کرب
 سبنا لایحه ارضی کنونی صورت پذیرفته، بخوبی بیان کننده
 عدم تمایل انسان در حل بنیادی مسئله ارضی است. لازم به
 تذکر است که همین تقسیم بسیار محدود اراضی زمین های مالکین
 فئودال، در درجه اول مدیون "زیاده روی" برخی از هیئتهای
 ۷ نفره در برخی مناطق می باشد. این هیئت ها خارج از ولویت
 های مطروحه در قانون عمل نموده و اقدام به واگذاری فوری
 اراضی مالکین فئودال یعنی اراضی بند "ج" و بند "د" (که قرار
 بوده بعد از تقسیم اراضی سند "الف" و در صورت لزوم "صورت پذیرت)
 نموده اند! و این خود اوعامل اساسی توقف در اجرای لایحه
 ارضی، بمنظور جلوگیری از "تندرویهای" برخی از هیئت های
 ۷ نفره، بوده است.

کارنامه هیئت های ۷ نفره را خلاصه کنیم. در یک کلام
 بایده گفت اساس کار این هیئت ها مسکوت گذاشتن حل مسئله
 زمین و موقوف نمودن حل آن به آینده بوده است. بعبارت دیگر
 که جدا نشی، بی دهقان و مالک ارضی فئودال، جسد اصلی
 کارکرد این هیئت ها بوده است. بهر آه آن، به میزان بسیار
 محدود و ناچیزی (که حتی بطور نسبی از عملکرد "اطلاعات ارضی"
 ساعده نیز عقب مانده تر است) از اراضی مالکین فئودال تقسیم
 شده که این تقسیم خود اوعامل مهم در توقف اجرای لایحه ارضی
 بوده است!

حل بنیادی مسئله ارضی در ایران، که اوضاع
 بوده و بر بنیاد انقلاب دمکراسک ملی با ارتشکل منده

بنا بر سند دوین یک بر نامه، ارضی انقلابی بدزباله دانی
 سپردن لایحه ارضی کنونی است. تدوین این بر نامه ای
 منوط به سرنگونی قدرت سیاسی مستبدین دلال صفت و ضد ملی
 کنونی و تشکیل یک حکومت انقلابی دمکراسک و ملی می باشد.
 سرنوتت مبارزه کنونی دهقانان در روستا در درجه اول بستگی
 به سرنوتت مبارزه سیاسی جاری در شهرهای ایران
 دارد. در عین حال حامیان استبداد "کهن" و همچنین حامیان
 استبداد "نوین" یا مضمون کهن "چشم بدروستا دوخته و هرکدام سعی
 در خاموش نمودن نعلبه های جنبش دهقانی (که حدود سه سال است
 از روستاهای ایران زبانه می کشد) نموده و میخواهند این جنبش
 را تعدیل به دنباله جبهه خود برای حل و فصل و غلای نزرگ کنونی
 سر قدرت نما بند. سوار شدن مشروع گرا کنونی جامعه، ما بر
 جنبش کنونی دهقانی، که امروزه بگردا جرای بند "ج" گسره
 خورده است، مهم ترین خطری است که امروزه جنبش دهقانی را
 تهدید مینماید. یعنی منحرف نمودن جنبش دهقانی از حلال
 انقلابی مسئله زمین، یعنی تقسیم انقلابی اراضی مزروعی
 ایران که لایحه مطلب در حل مسئله زمین بوده و معروف به بندهای
 "ب" و "د" میباشد، به حل مسئله زمین از طریق اجرای بند
 "ج". آنچه که مبارزه دهقانی در ۳ سال گذشته بر مبنای شکل
 گرفته است، مبارزه بخاطر کسب اراضی مزروعی در جامعه
 روستایی، که لایحه مطلب در حل مسئله زمین می باشد، به نفع
 خویش بوده است. بخشی از اراضی مزروعی ایران که در جریان
 انقلاب صادر شده (و معروف به بند "ب" می باشد) هنوز به نفع
 دهقانان تقسیم نشده و روابط نیه فئودالی، البته به شکل تعدیل
 یا فته بست به دوران طاغوت، در آن از جانب بنیادهای
 مشروع و غیر بطور نسبی ادا نموده ارد. بخشی دیگر از اراضی مزروعی
 ایران که هنوز در بد مالکین فئودال می باشد (معروف به بندهای
 "د")، صادره شده و مبارزه دهقانی برای کسب آن جریان
 دارد. در نتیجه لایحه مطالب اصلاحات ارضی انقلابی به نفع دهقانان
 نان، تقسیم اراضی مزروعی ایران، یعنی تقسیم اراضی بند
 "ب" و بند "د" می باشد. تقسیم اراضی بند "ج" (که اراضی بایر
 مالکین فئودال است) از خواست های مهم دهقانان مبنی ما
 بوده و می بایستی به نفع آنان تقسیم گردد. بویژه آنکه قسمت
 قابل ملاحظه ای از اراضی بند "ج" قبلاً جز اراضی دایر (یعنی
 بند "د") بوده اند که در سال های گذشته از جانب مالکین مورد
 کشت و بهره برداری قرار گرفته اند.

و لطیفه کمونیست ها و انقلابیون در شرایط کنونی
 بستنای از خواست دهقانان مبنی بر اجرای بند "ج" و در عین
 حال مبارزه با محدود نمودن جنبش دهقانی به اجرای بند "ج"
 می باشد. کمونیست ها می بایستی مبارزه دهقانی بگردد
 اجرای بند "ج" را سمنبار زده بگردا جرای بند "د" و همچنین بند
 "ب" ارتقا دهند. لایحه ارضی کنونی، همانطور که ما در
 خاطرتان نموده ام، ما در بدیاسخ کوشی به خواست های
 فوق الذکر کنونی نموده و مبارزه کمونیست ها نمی تواند در
 چارچوب لایحه ارضی کنونی صورت گیرد. وظیفه
 کمونیست ها شرکت در مبارزات دهقانی جاری جامعه و رهبری آن
 ارتقاء آن و بالاخره حل مسئله ارضی توجیه بطور های دهقانی
 کردک بر نامه اصلاحات ارضی انقلابی می باشد



دوران ساد معروف: تمیزه رایگان!

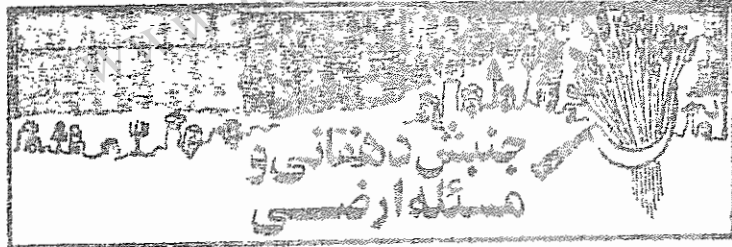
دوران نه شنی و سرکاء: ۳۰ تومان کمک هزینه ماهیانه به دهقانان!

هیئت ۷ نفره واگذاری زمین دورا غیره

به چه کسانی زمین میدهد؟

مسئله وقت فشرده
 واگذاری زمین کد پیپر و حقوق
 لایحه: "اصلاح ارضی دورا غیره"
 انقلاب موجود آمد دورا غیره،
 بجای قسم عادلانه زمین و
 واگذاری آن به دهقانان سیه
 زمین و کم زمین، پس درهای
 بسته منظومه رستاری، اداری و
 ردیوهای بیجا بی بردا حبه
 است. همین ما مرده، بحمای
 ما کمد بردادن زمین مسند
 روستا را ده، محروم، قطعاتی را
 بیعوان صحت، کنا سفانسه
 اسلامی احصای دادا نند و
 همچنین زمینهای وسیعی را
 در اختیار مسئولین جزئی
 احسن های اسلامی روستاها و
 عبادت سازدگر قرار داده است.
 اینان حتی سرودهای آسای
 دانی روستاها را نیز حرج
 دکا کس سیاسی خوبی بیستی

در چراغ آمد، اساکد در
 روحه: منتهی دی آتسای
 رعاشی به مجلس، سک تسلیم
 و سلبا رد شوانی برای کمک
 دورا ساران بالای ۶۰ سال
 منظر رنده است، گونی آفانان
 رعاشی سرکای جزئی شبسز
 ما سنده و معدوم جواب نسا
 می نبود و کپکا ها طرح های
 نازهای چون طرحهای طاغوثی
 نهمنه، رایگان و ضمیرجانی و
 بیرنقال و... ما قبل انقلاب،
 سا دخلق الله ما فنسد،
 این اقدام کاسینسه
 رعاشی یک اقدام مغربسانه
 است، چه در ظاهر ما مرده دهقانان
 نان سنده ده، ایرانی سالی
 نهک سال ماهیانه ۳۰۰ تومان
 کمک میکرد، لیکن ما مطلق
 بشدا این تکلیف زمینی و
 مالکیت آن که مهمترین دلیل
 عقب ماندگی کنا ورزی و یکی



روساهای ایران، منکلی را
 حل نمکند که هیچ، مسکلات
 نوسنی را سرسار می آورد.
 از جمله اسندها عدم
 ناسلیت دهقانان در استفاده
 ارایس پول برای اسسور
 تولیدی، سنا و اسندها مرمنده
 اسفاده: این پول در عرصه
 خرید لوازم مصرفی است، ظاهرا
 سدهقانان بالای ۶۰ سال
 کمک می شود تا ما محتساج
 زندگی فشرده، خسود را
 راحت تر سپه نما بند، لیکن
 بدون هیچگونه کنترلی سرخ
 ارزانی عمومی از یک سو باعث
 بالارتن قیمت ها در بازار
 کالاهای مصرفی میگردد و
 آنگاه هسه دهقانان باید پول
 بیشتر برای رفع احتیاجات
 روزمره خود بپردازند که سنا
 تنگدستی کنونی قان زندگی
 در عرصه روستاهای کشورمان
 سخت تر خواهد شد. از سوی دیگر
 یک سارا رکاذ فروش محصولات
 سنجل مصرفی در روستاها ساز
 خواهد شد، یعنی با تفویض
 کاذب قوه خرید تمسدادی از
 روستائیان، آنهم از سول
 سنت المال، یک سارار
 ۵ سلبا رد شوانی برای تحار
 و واسطه ها - یعنی سابه های
 احتما می حزب جمهوری اسلامی
 - اتحاد خواهد گشت، تازه
 سولیدات داخلی که عمدتاً
 مصرفی سنا شدند نیز با جهت
 سقرط و کساد می گذارد، سنا
 سلیت یا سخوشی سنا زهای
 سارار شهری و روستایی را در
 وضع کنونی نداشته و نمیتواند
 بدون یک تعبیر و تحول اساسی
 در مناسبات اجتماعی -
 اقتصادی جامعه، نداشته باشد،
 لذا با زیکیه، سسند روی
 واردات سنجل های خارجی
 برای رفع نیازهای بازار -
 (سقیه در صفحه ۹)

نمونه ای از حرکت برای ادامه فتودالیم

توسط انجمن اسلامی

مدت چندیت کسه در
 روستای حنت مکان (سبروب
 به خلکون) در منطقه نوسر بار
 دیگر سارر برای زمین داس
 گرفته است. این سارر در
 ادامه، سباررات سنا سنام
 گذنده دهقانان این روستا
 میا شد. در گزارش فیلسی در
 مورد سباررات دهقانان این
 روستا - که در "حقیقت" استشار
 یافت - نوشتیم که کمیته
 روستا که از اهالی و جوانان
 محل تتکرر سدا سب در مقام
 بل فسودا لیا شی هما سسند
 فلسردان جان اسدی و اسیر
 حسی فار اسدی اسسای سسی
 کرده و سسهای آسها را سنا
 کرد در دادا سنا سنا
 نان سروی آسها سسور و رن
 بردا خنده، اما اکنون اسسیر
 ساررا سسها رسند، و در
 چه مرحله است
 حدی سس که قبل کسه
 (سقیه در صفحه ۹)



سا و سوتنوا اجتماع میکنند
 سا و جبهه سوسیالیست را
 آرا میدهند. کما و زنان زندانی
 حی در میانی که آنها را بد
 دادگاه مسردند مرتضا
 سگندندک: "زمنی ها حقیق
 مسلم ما منند که سنا به روز رحمت
 کسیدم و چشم سطر سوسم تا
 به دست اسنادمان جان را بیرون
 کردم. حالانکه سکا ریم ساخت
 هر مای و مای که دار سگند
 رمی ما را بگیرند! آنها حتی
 در دادگاه ما قاطعاً بدخلواسن
 حاکم مستعدا سا ستاندند.

حالت این است که عت
 صری از انحص اسلامی جنت -
 مکان و... عملاً ادای مالک و
 ارباب بهره را در میآورد و خود
 را مالک است مای رمی های
 معادله شده میدانند. اما نتوانع
 زمین را آن دهقانان حشت -
 بکنان است که سالها بر حور و
 در انقضا آنها با دست های
 سینه سینه مان زحمت کشیدند و
 زراعت کردند. در نتیجه دهقان
 مان سنا بطور که فتودالها را
 با ما بردند. خود خود به کنسار
 رده شد. بی مایست این گونند
 تنگنهای مدههانی وارباب -
 نشن. اسیریکناری سز شد.

او مکتات سرخسند. دیکر
 دهقانان این روستا بر خورد
 معالقات نسبت به حاکم
 بخارر کاران یعنی است.
 دهقانان را سی روستا در طی
 این حکم تیا سگندی که
 از خانه ها شان آوار شده اند
 کهک های باارشی کرده اند و
 از عیله خانه و امکا مایستی از
 اسیر قیما در اختیار حاکم -
 زندان. حاکم جنت مگسان
 گذاشته اند. همچنین تا حال
 بارها مالان وزحمتگسان
 استقلال این روستا به عیب -
 غای اخوان سوسنگرد و دزفول
 ریتانند. تا از استقلال میس
 خود در برابر آنها و زکسیران
 عراقی و هند. جها نسیزاران
 با عبادی سنا سند.

((هواداران اتحادیه کسو -
 سستیای ایران - شوشنر))
 ۱۳۶۰/۱/۲۵

روستایج ظا بده رسندکی
 میکنند. نرا بر این سوادکدر
 هر طایفه یک سنا سنده استجا ب
 شود. پس از اینجا مایست
 سنا سنده یکی از طایفه ها را
 رد کردند و این خود رمی سنده را
 برای درگیری نرا قسم آورد
 (این شورا که نرا بر بود سسوان
 شنت واکذاری زمین سسسه
 روستا شان محل (کسا و ورا این
 محل) باشد. به سندها تکمسی از
 آنها زمی داد و سنا نفودی که
 سنا صری از کمسند. مخلوا حسی
 اسلامی محل دانند. مینداری
 از سسینا سز بسوسط خود آنها
 کف کردند. در نتیجه دهقانان
 که ومع را بدین صورت دیدند.
 در حله ای گردآ مدند و سسوان
 امتراض به این نحوه تقسیم
 زمین جهت کشت قسم خوردند که
 یکی از سنا صرا انحص اسلامی
 و... را با لیم نکذارند. طوسی
 درگیری در حقی انتخاب سسات
 یا سدا را عزامی از فتوت سوست
 سدا بر اندازی هواشی رد. در
 عکس العمل سدا این وسسبع
 ظا لمانه یکی از اهالی می -
 گوید: "خان را بیرون کردیم
 حالا سنا (منظور انحص اسلامی
 و کسسته و...) میخواستند سسای
 آنها را بگیرند". و در سال
 آن یا سدا را مذکور را کنگ می -
 زدند. سلافا طه حوم سده منسح
 منسود و اهالی روستا همگی در
 حورل و هوس منسح جمع سکره سدا
 و منسدا حل شدن به محسند را
 سگندند که توسط سسده ای از
 اهالی ما بچگری منسود و
 اوماع نوقتا آرام سکرند.

در سگری این خراسان
 توسط یا سدا را مذکور. ۱۵ - ۱۵
 سفا را اهالی جنت مکان سسند
 رسدان مؤس سادا سدا ران
 شوشنر سده منسوت. ویسی از
 حدر روز کد اهالی روستا در حلیس

بقیه از صفحه ۸
دوران شاه....

های کاذبی که جریسسان
 سوزوا - دلالی حزبی در جامعه
 بوجود میآورد. الرام آور سسوت
 و برای استکار سیر سست سدا در
 می شود... این دور همیسی
 کوسه دا مدها رد.

دهقان ایرانی ذیل ار
 هر چیز میخواستند تکلیف وضعیت
 سده و او را خود را روشن سنا بد و
 ۳۰۰ تومان پول ما هیا سسسه
 دردی از دردهای یک اسیر
 مناسبات عقب مانده و انجی
 کند. سناست اقتصادی کاسسده
 رحائی - و حزب حاکم سسسه
 سناست سسیرا و ماع سسسه
 سوده. مردم است ونه ملی
 بلکه سناست سسبیت سنا سسات
 کیش و ایجاد زمیسه های سوسد
 آوری سریع - یعنی سسای اراه
 دلالی - برای سسوتروا سسسته
 کردن ارگان اقتصادی جامعه
 مایه نظا م سرامی مدها ری می -
 الطلی است.

دهقانان ایرانی باید
 خودشان تکلیف امور را در دست
 گیرند و برای حل مسئله زمین
 و رفع مشکلات ناسی ارضندگی
 و سارت سسده فتودالی حسود
 بسا حیزند.

بقیه از صفحه ۸
نمونه ای از....

نرا رسنده بود. سار دیکر سبارزه
 و درگیری بر سر مسئله زمین
 سدا و سید. برای حل و فصل
 اسیر درگیری تقسیم کردند سدا کند
 با دخال سها به سسدا ران
 شوشنر و کسسته. محل. شورا شی
 ایجاد کردند. از آنها که در ایسی

بقیه از صفحه ۸
هیئت ۷ نفره....

سا زندگی فرار داده سدا در آن
 بسع حویس سدا راعت سسدا -
 زد. شطعاتی از ایسی سسدا در
 در روستا های ذیل سسده است:
 - زمین کشاورزی جهسدا در
 روستای سنی ۸۰ هکتار - در
 روستای سلطان آباد ۷۰ هکتار.
 در روستای حضرت سسادی
 ۵۵ هکتار - در روستای سمراد
 سسکی ۵۰ هکتار - در روستای
 سوحنه ۳۰ هکتار - در روستای
 کسسه ۷۰ هکتار.

همچنین سطر حسی
 افتاد می را میتوان در روستا -
 های کبله. قلعه سو. قلعه حومد.
 با صدی... سنا هده سمود. حسی
 این مطلب توسط سسیرت سسید
 سارندگی آقای سسسه سسای در
 سنا رجمه ۵۹/۱۰/۲۶ در مسحد
 جامع رامیرمز. سسای -
 تسلیمات. به مردم را سسند و
 لستی از زمی سسای که توسط
 جها دگشت میشود عنوان کردند.
 با بدگفت حقا که تقسیم زمین به
 روش اسلامی را نیز دریا سسیم!
 هر چند بعضی از هیئت سسای
 هفت نفره در برخی منالقی سنا
 کنون اقتاد مای سیر علی سسده
 فتودا لبا انما مدها سسند که
 مورد حمایت دهقانان میساده.
 ولی سطور کلی سنا سدا مبدی به
 اینچنین هیئت های ۷ نفره -
 ای در حقیق سنا سودی فتودا لسم
 سس. بخصوسی که کردا سسندگان
 آنها از و اسسگان حزب کذابی
 سنا سند. چرا که آنها ن جبری که
 در فکرشان سسب سسده سبارزه سا
 فتودا لسم است. آن سسفر سسای
 دا رود سسده. دلال صنت سوزوا -
 فتودال خود میساده که سسار سسای
 اسای سنا فتودا لسم سدا رد.

اندک‌حدیث افاضات بدیع و اندر حکایت و باغ طریف

اندک‌حدیث قابل
مکتبی و مکتوب
لیبرال... والحق!

مسلمان روزی تا همه
صبح آزادگان معترف حضور همه
خواستندگان محترم هست. این
روزی نامه که بدون اغرای
یکی از برینرا از برین... و
بر حواسده برین جراب عصر
"مکتب" و "مکتب" (!!) میباید
(با ترازی در حدود ۳۰۰۰!)
مدنی بود که منتشر نمیشد و
بیمین جهت نمایی اقتضای
ظلمات مکتبی و مدح ساری
(البته حظ سازش با انقلاب)
ارگردانندگان انقلابی" جابر
و حدت گرفته تا باج بکیران
میدان خراسان و دلان صد
لیبرال با زار، در تکرایی
وافری بر سر میدهند، البته
بعدا ز مدتی، با درج شدن یکی
دو خبر در بعضی از روزنامه‌ها،
معلوم شد که علت وقوعه در
انتشار این جریده، وزیرین (!)
هنا ناضیق وقت دست اندر -
کاران تهیه آن است، چرا که
بعما در حاس ترین معامات
کشوری و لشکری مشغول "خدمت"
بوده و آنقدر از برای مکتب و
ملت "دل میسوزانند" و وقت
صرف میکنند که حتی فرمت سر
خاراندن هم ندارند در دست
انتشار فرمت آن روزی نامه
معروفه! اگر ساز و نوازند،
داستان آقای کمال کنجشای
اشیات گذشته مدعی ما است.
ایشان که رسواییستگان طیار
اول جریده، سرمدت...
آزادگان میباید طی یکی دو
ماه گذشته سخت گرفتار رسیده -
اند، اول از همه، ستا جسر

سردان در دست، که بر صیای
مذارک دست آمده فردی که فر
ولسراول و مضاف هم رسیده،
مقداری گرفتاری برای
آما کمال در دست کرده و نسبت
عدی، بر سر صلیب کراسد خانه
(که از مسائل مهم سلکسی
است) جدا کردن با سدر
ایشان سردا حنه و چون آنسا
کمال اعلا مادی رسیده و
الحمد لله اهل چرتکسه

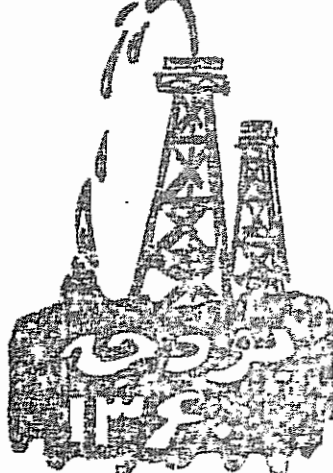


انداحتی هم نسبت و بر سر
معالج ملکت و اصول مکتب
هم حاضر به سازش نمی باشد،
سخت از اعمال ما مضاف این
مسنا حر لیبرال بخدمت آمده و
پس از تسل کردن یک عدد مرضی
والجود ۱۰ برای سکسی
اعصاب، مسا حر را با سک
کلوله، سری ما نابل را همی
آن دسا کرده است! اما اگر
نکر کرده اند که لیبرال میسا
دست بردارند در مکتب ارشد آنسا
کمال سدکارهای مضموعانی
و فرهنگتی و ارسا دملت و اعصاب
مافقی سپرد از دست سخت در
اشتا همد، جسر! رمتندون
آن لسراول را فرمت ناندست
تا سرود و سکا سگد و سگد هم
ما "بریده سازی" باعث شدت
که آما کمال بدام میباید متصدت.
بیمین دلیل، ازان مدعی
است که اسار در سپهرایی

رست معمول آب خنک خوردن
است!
پس می بیند کسه
گرفتاریهای این نویسند -
کان "دل سوخته" مکتب و
"خدمتگزاران" (!!) یکی دو
تا رسیده، بسیار فر اوان و
سکسی است و دردی و آدمکشی
گرفته تا بر رسیده سازی و وطن -
فروشی را شامل میشود و
تصدیق میفرما شد که با این
همه متاع شریف (!) و مفید
سحال اجتماع (!) از یک سو،
و کارکنی لیبرالیا و مسا -
نقیی و کفا را ز سوی دیگر،
کمتر مدتی برای تهیه،
مقاله و انتشار روزنامه
بی مانده.

باب بودجه

ورق پاره، مسج آزادگان
بتا ریح ۱۹/۲/۶۰، سر مقاله ای
در باب لاسحه، بودجه سال
۱۳۶۰ داشت، بوسنده استدا
از جنبه های بسیار "مش..."
بودجه و اینکه در آن توجه
سراوایی بدکتا روزی شده



است (!!) (؟!) و در عین حال
سوددها را خورم زانست آدم
با دشمنان آرزو کارهنگام
سخدمت لاسحه، بودجه ۱۳۵۷ -
ایستاد (و سرمدتی را رسیده و

سین بدجل با لیبرالیا
می بردارد و ایرادات آنان
را سه لایحه، فعلی "رد" کرده و
آنرا توطئه ای برای تضعیف
دولت مکتبی میخوانند! (جالب
توجه حرب رسیده که علاقه، و افری
بد توطئه شماری دارد!) بخش -
هایی از این سر مقاله بشرح
زیر است:

"۱۰۰۰ - امروزه تعدادی
که در حقیقت بانک مرکزی
را نیز در بر قدرت حسود
دارند، تبلیغ میکنند که
دولت با بد حتما در عوض
افراش صدور نفت اقدام
به قرض گرفتن نماید (!)
در آن صورت و استغنی ها
به بانک مرکزی که در حال
حاضر نیز کاملا در اختیار
دولت قرار ندارد، زبان -
هایی را سار میا و رد کند
کوته فکران و کج اندیشان
از زمان روی کار آمدن
دولت در انتظارش بودند،
۲ - ترض گرفتن از بانک
مرکزی و وابسته شدن حدود
۸۰٪ از بودجه دولت به
این بانک باعث بیسی -
اعتنا ر شدن دولت در جهان
و بی ارزش شدن رسال در
بازارهای جهانی می
میکردد.....

۳... آیا آنچائی که با
حیره سری های خود ۵۶
میلیون دلار از دست المال
این ملت ستمدیده راجعت
خریدا سلحه به یک تیمار
میدهند تا برایشان سلاح
بخرد، مفسد ریش آمدن
حسن وضعی (افزایش
تخریبها) و افزایش بودجه
نظایبی نیستند؟..... در
مورد سده در نظر مکتب ۵۶
میلیون دلار اهدا شئی
سغه در صفحه ۱۱

اندوخت

آقایان لیبرال بیه دلالان لبنانی... (این بلیغ) در بودجه سال ۱۳۶۰ منظور نمیگردید و در آن صورت احتیاجی جز نیز بها افزایش مدور نداشت تا ۲۱۵ میلیون بشکده در روز شنبه ۱۳۶۰

والله ما نجا که ما بحث ها را دنبال کرده ایم، هیچ کس وحشی لیبرالها هم تبلیغ نکرده اند که بجای افزایش مدور نداشت، باید از بانک مرکزی قرض گرفت و ۸۵٪ بودجه را تامین کرد! فقط آقای بنی صدر (که مقصود نویسنده از آن "تعدادی" است که بانک مرکزی را در قدرت خود دارند) اشاره کرده اند که تا بین هزینه های جاری دولت از طریق افزایش مدور نداشت، همانقدر تورم را است که قرض گرفتن از بانک مرکزی و جای اکناس سی میتواند. که البته این هم بحث صحیح و در عین حال بسیار بیش با انتقاد و واضحی است.

اگر هم کسی مدعی شده که در شرایط فعلی برای تامین هزینه های جاری دولت باید از بانک قرض گرفت و ۸۵٪ بودجه دولت را بد با بانک مرکزی وابسته کرد، مسلم است سدا سید که یا مغز خورده است و یا بیما روانی می باشد و نظعا در سیمارسان چپرازی ستوری است!! خدا جاب سمرقانه نویسی با بد از عقل و

چون وتوه استدلال خارق - العاده ای برخوردار باشند که با استناد به پیشنها دآنچنانی یک بیما روانی (الطرح "بدیم" وابستگی به بانک مرکزی ایران" (۱)) را رد کنند و در مقابل طرح "غیر بدیم" و کینه شده وابستگی به کارشل های نشی و جهان امبرالستسی را از چننه، پاره پاره، خوبس برآورد، ما متقا بلا میتوا - نیم به نویسنده محترم اطمینان خاطر بدیم که این بودجه نوع محمدرضا شاهی، نه تنها باعث "بی اعتبار شدن دولت در جهان" نمیشود که هیچ، بلکه طعنا مایه سرفرازی و ارچ

سؤال هفته

چرا دانشگاهها باز نمی شوند؟!

باسخ درست را از میان جوابهای ذیل علامت بزنید:

- ۱ - انقلاب فرهنگی هنوز تمام نشده است
- ۲ - انقلاب فرهنگی هنوز شروع نشده است
- ۳ - فدا انقلاب نمی گذارد.
- ۴ - "متخصی" کم داریم.
- ۵ - سایر فعا لیتیا ی "مکتسی" می خوابد.

خوب فکر کنید و بعد از فکر کردن و انتخاب پاسخ درست به صفحه ۲۶ رجوع نمائید تا جواب صحیح را دریافت دارید.

ترب و هر چه بیشتر تدوین کنند. کان آن نزد سران ممالک سرمایه داری و صاحبان شرکت های نفتی و غیر نفتی بوده و نیز مویحات نویسی و نقدیر هر چه بیشتر از جانب



۳۶۵ روز، روزی ۲/۵ میلیون بشکده نفت از ذخا شرایین مردم بیچاره را به حلقوم نفت خواران جهانی بریزند! کافی است بدانیم که اگر تا مین ۵۶ میلیون دلار از زمره نظر باشد، کافی است فقط یک بار، ۱/۸ میلیون بشکده نفت بقیمت بشکده ای ۳۴ دلار فروخته شود، سه ۳۶۵ بار و هر بار ۲/۵ میلیون !!

خود ما نیم، گذشته از دروغبردا زوجانی و شکنجه گرو وطن فروش بودن، دست اندر کاران صبح آزادگان را از عقل و شعور و تعادل روانی و قدرت ضرب و تقسیم ساده ه

در باب قطع وابستگی

آقای معاون فرماندار آبادان فرموده اند که بمباران پالایشگاه آبادان روند نا بودی نظام وابستگی حاکم بر صنعت نفت را تسریع کرد.

(کیهان ۶۰/۲/۲۳)

- برای قطع وابستگی فرهنگی، دانشجویان را بشکند و دانشگاه ها را تعطیل نمائید - برای قطع وابستگی صنعتی، صنایع را بمباران کنید.

- برای قطع وابستگی کتا ورزی، مزارع را بسوزانید و دهقانان را سر ببرد.

- برای قطع وابستگی کارگران، در کارخانه ها را نخته کنید و کارگران را پسه کلوله بیندید.

- برای ریشه کن کردن "فاد"، همه مردم را از بین ببرید تا دیگر فاد نکنند!

این است منطق حزب ارتجاعی حاکم و مردورانش! اما به اعتقاد ما، باید

ریشه حزب ملعون جمهوری اسلامی و ریشه تمامی مزدوران شرق و غرب را از این مملکت کند، تا املا مملکتی باقی بماند، که بتوان راجع به جنگی قطع وابستگی و حفظ و حراست آزادی در آن بسه جاره اندیشی نشست.

آنان را نیز فراهم خواهد کرد! از این نکته کد بگذریم، سمرقانه نویسی، جدا "تردستان" تفسیه سوخت شدن ۶۰ میلیون دلار را به "لیبرالها" نسبت داده (همان ۶۰ میلیون که علیحضرت بپشتی فرمود "مسئله ای نیست" و "تردستان - نه" (۱)) ملاخور شدن بیش از ۱۰ میلیارد دلار از دارایی های این ملت محروم را که مسده ای خیره سر تر به همراه آسروی سک ملت دربار کا هفت تیر کشی هالیوودی، یعنی ریگان، تریبانی کرده اند، "لاپوشا سی" میکنند و بد فراموشی می سپرد، چرا که ریش گردان شدگان همس صبح آزادگان و سازمان "مجاهدس" انقلاب اسلامی تیر این ننگ تاریخ ایران است. و تازه اس همه، تارلاتسان

بیرون راندن ...

بقیه از صفحه اول —
گذشته از اینکه باعث شهادت هزاران نفر از هم میهنان عزیز گشته است و بسیاری از شهرها و روستاهای ما را در جنوب و غرب کشور ویران کرده است، حدود هشت ماه است که بیش از دو میلیون نفر از هموطنان خوزستانی و شماری از هموطنان سایر بلاد را در غرب کشور از روستاها و شهرهای خود آواره کرده است، علت آوارگی هم روشن است زمانی که فرمانهای خائنانه دهها کیلومتر عقب نشینی بی مورد و سوسله، بعضی از فرماندهان خائن ارتش در روزهای اول جنگ باعث گردید که دشمن بتواند به شهرهای ما نزدیک گردد و مستقر شود، در حالیکه جنایتکاران رژیم بعث در چنان یا نشان دست فاشیستهای هیتلری را از پشت بسته اند و شب و روز شهرهای ما را در جنوب بتوب و خمپاره میبندند و در نیمه شب با موشکی ۹ متری مدتها خانه را بر سر هم میپانان ویران میکنند، ناچاراً ضرورت پیدا میکند که پیر مردان و پسر زنان و خردسالان و بیماران برای آنکه در زیر آوارها نمانند شهرهای خود را ترک کنند و اما بسیاری از هموطنان جنگ زده ما که امروزه شهرهای خود را ترک کرده اند در موروثیکه متشکل و مسلح در جبهه ها از آنها استفاده میشود و به آنها اجازه رفتن به جبهه های نبرد را میدادند و آنها احساس نمیکردند که وجودشان بدون استفاده در معرض خطر قرار گرفته است شتتیا شهر

شان را ترک نمیکردند بلکه در آنجا قیام نمینمایند، چنانکه بعد از گذشت یکماه از جنگ ما سیکه خونین شهرها به آتشی به تسخیر مزدوران بعثی درآمد، جوانان پرشوری را می دیدیم که با گلولی بعضی گرفتند آبادان را ترک میکردند و وقتی علت ترک شهر را از آنها سؤال میکردیم، میگفتند وقتی که ما با جان و دل برای دفاع در زیر توب و خمپاره دشمن ایستاده ایم ولی ما را مسلح نمیکند و اجازه رفتن به جبهه ها را نمیدهند و دشمن در جلو چشممان به قتل و عام و ویرانی و تسخیر شهرها میمان مشغول است و خود ما چه سودی دارد؟ و یا اگر استحکامات و خانه بناهایی که بتواند ۲۰٪ تضمین سلامتی جان این هم وطنان را در مقابل توب و خمپاره و بمبارانهای دشمن میکرد، بدون شک تمامی خطرات را تحمل نمیکردند و در شهر خود باقی میماندند، ولی این نارهربان نه تنها هیچ یک از این کارها را نکردند بلکه بعدها رهبران خیانت پیشه حزب جمهوری اسلامی بسیاری از جوانانی را که با تمام خطرات ذکر شده همچنان به مقاومت و پایداری مشغول بودند و با جان و دل آماده جان بازی در راه میهن و انقلابشان بودند، بجرم هواداری از گروه های سیاسی در حد توانایشان از شهرها خارج نمودند تا بعد های وهی راه اندازند که اینها (گروه های انقلابی) در جبهه جنگ نیستند. موقعی که هم وطنان ما با آغوش گرم هم میهنان آواره شده خود را استقبال می کردند و حجج اسلام و آیات "عظام" از قبیل خامنه ای و فرسنگانی و دستخیز و بهشتی از سرگردگان حزب جمهوری که خود را خوانده های شان در میان قرار دادند، با توهم و دروغ که خلعت ذاتیشان است سعی در شریک مردم بر علیه آوارگان

داشتند و فقط آنها بی گناه در جبهه ها و شهرهای جنگی هستند خوبی سدانند که تبلیغات شوم آنها بطور قلب رزمندگان را که خوانواده هایشان آواره شده و خود را لوری میکردند و همچنین کارگرانی که خانواده شان آواره شده و خود در زیر بمباران دشمن بکار مشغول بودند را می آزد و چنانچه تخریبی در روجیه آنها با میگذاشت، ولی زما شیکه مردم دلیر ایران به تحریک و هیاهوی آنها که آوای شوم همیشگی شان میباشد اهمیت نمی دادند و چنانچه نیز بعد از مدتی نغمه های به اصطلاح پشیمانی و " غلط کردیم " و " منظورمان این نبوده " سر دادند. در حال حاضر بسیاری از هموطنان آواره شده، صادر شرایط مشقت با زندگی قرار دارند که گزارشات و توضیحات آن را بعداً به اطلاع میرسانیم. و اما اساسی ترین چاره از بین بردن مشکلات آوارگان حل آوارگی آنها با بیرون راندن مزدوران بعثی از سر زمین عزیزمان میباشد و البته این به هیچوجه به معنای آن نیست که تا زمانیکه این کار صورت نگیرد، مشکلات و معضلات آوارگان همچنان باقی بمانند و نسبت به آنها بی توجه باشند آنچنان که خیانتهای حزب توده و گروه اکثریت با دولت " انقلابیانشان " دولت آقای رجایی اظهار میفرمایند! بلکه ملت ایران برای حل مشکلات آنها فداکارها کرده اند که بعداً بدانها خواهد رسید، لکن هموطنان آواره شده، ماسرکوبی و بیرون راندن متجاوزان بعثی و آنها بی که در کار جنگ اخلال و کارشکنی میکنند در اساسی ترین راه حل مشکلات خود میداندند و تلاش و مبارزه برای بدست آمدن پیر وزیرانی ترین وظایف آنهاست و در تلاش برای این امر مقدس کوچکترین دریغ جایز نیست، آنها با بد وضعیت جنگ

را موزدا رزیابی قرار دهند و با پیدایش شدد عوانی باعث گردیده که ارتش پوشالی بعث با کمال ناشو انیش ۸ ماه هم چنان قسمتها بی از خاک میهن را در تصرف داشته باشند و از آنجا هر چه بیشتر شهرهای ما را بتوب و خمپاره ببندند و هر روز باعث شهادت دهها نفر از هموطنان ما در جبهه ها و شهرهای جنگی گردند، آنها با پیدایش شدد کسانیا از آغا جنگ جز تخریب در کار جنگ و امر بدست آوردن پیروزی کار دیگری انجام نداده اند و هموطنان آواره ما باید برای از بین بردن این عوامل که همچون سدی مانع پیروزی ما میگرددند به راهی تمامی مردم ایران تلاش روزند. بیشک میهن ما و مردم ما اولین میهن و اولین مردمی نیستند که مورد تجاوز مستقیم امپریالیستهای واقع شده اند، و تا جوی امپریالیست ها آخرین مردم هم نخواهیم بود، زمانیکه شوروی سوسیالیستی (شوروی زمان لنین و استالین) مورد هجوم فاشیستهای هیتلری وهم پیمانانش واقع شد، مردم شوروی نه تنها در سرزمین خود شکست تاریخی به آنها وارد آوردند بلکه فاشیستهای هیتلری را تا آلمان دنبال و سرگسوب نمودند و پاره انجام این پیروزی بهیچوجه برتری تانک و توب نبود زیرا از ادخانه های آلمانها وهم پیمانانش صدها برابر بیشتر از میزان اسلحه مردم شوروی بود. بلکه آنچه که باعث پیروزی آنها گشت بسیج تمامی مردم، زنان، مردان، بیرو جوان و خردسالانی بود که با ایحادژهای مستحکم دیواری بولادین در مقابل دشمن بنا نهادند و دشمن را در گورستان تاریخ بگورسپردند. رهبری این عظمت تاریخی با حزب کمونیست و رهبرانش چون استالین کبیر بودند، مردم چین آنگاه که مورد تجاوز امپریالیست

بیرون راندن...

پتیه از صفحه ۱۲۱...
بیابیم ز این قرار گرفتند...
تغییرات تجار و کاران را...
را تا روم برگرداندند...

که سرارشی دارند که...
زور و احار است...
سازی با آوردن...
مهد و با آوردن...
سایب بکنه گاه رهبران...

واخلال در امور حرکت...
و در سببین علت برای...
وزی در جنگ و خنثی کردن...
طنه های امیر اسلیم...
استکد از روی لاشه...

در خوابگاه جنگ زدگان

کارگران ایران و حیان راستی دفاع کردند، و تجاوزگران روسی و آمریکا و هم پیمانانشان را ساخر خلفهای تحت استعمار جهان محکوم کردند. پس جشنشان مبارک باد و پیمانهایشان استوار تر باد.

مراسم اول ماه مه در خوابگاه الکترونیک

در این خوابگاه همدت یک هفته بود که وسیله نوازی منتخبان و جوانان آنجا برای برگزاری روزگار تبلیغ میشد و برنامه‌هایی جهت آرزوتدارک داده میشد، از طرف " ستاد حزبی " مستقر در آنجا با رها شهید شدند تا مراسم انجام نگیرد ولی آنها همچنان مصمم در زمان موعود مراسم را با سرودهای انقلابی آغاز نمودند و با نماش یک نمایشا مه کوتا که ساخته خود جوانان جنگ زدگان بود در آن حضایت صدام و پشیمانسی ربران و بیژن و ویران اروپا ایشان نشان داده میشد و مقام دسترانه مردم ایران راستایش میکرد و همچنین نماش املاسی از حقیقه‌های جنگ را نشان دادند، و در پایان قطعنامه‌ای بشرح زیر صادر نمودند، بر اثر هوشیاری جوانان هیچگونه درگیری بوجود نیامد ما بیان مستقر در ستاد حزبی در حین اجرای مراسم آنها درست در همان ساعت به نماش فیلمی پرداخت که جز تعداد بسیار اندک از کودکان کی به دیدن فیلم نرفت.

سلطت کمیودجا از آوردن قطعنامه محذوریم، " حقیقت "

مراسم روز جهانی کارگردر خوابگاه دانشگاه ادبیات بوسیله آوارگان جنگ

در فرارسیدن روز جهانی کارگر، کارگران تهران و مبارز خوزستانی نشان دادند که در هیچ شرایطی حتی آوارگی و پراکندگی اول ماه مه یعنی روز تجدید میثاق با تمام کارگران جهان بر علیه نظام استعماری و سرمایه داری و سرمایه ایسم را فراموش نمی کنند. این دلاوران که مراسم اول ماه مه سال گذشته را با آن شکوه و عظمت در خیابانهای داغ آبادان برگزار کردند و پشت سرمایه داران و مستبدین نازد دوران ریخته و ابر قدرت را با طرز درآوردند، امسال به همراه با برهمنشیر پیمان جنگ زدگان و راسخا نامه کارگران از سرگزاری این روز فرخنده غافل نگردیدند.

کارگران ساکن خوابگاه ادسا - سرابیمرا - میچنگ - زدگان ساکن در این خوابگاه اقدام به برگزاری جشنی پنج سبت اول ماه مه نمودند. از آنجا که مرتجعین ها ر حزب جمهوری با بسبب کلبه مکاناتان در دستگای هیای اداری و بصورت " قا - نوی " و همحس علم کردن دستجات اوپ ش چنا قدر کسر به چر همردن هم مراسم وحشی نموده سرند، اسر دلاوران نتوانستند دعوت خود را بگوش سا ر هموطنان شرازی بویژن کارگران شیرازی برسانند و آنها را در جشن خود شرکت دهند. لذا با وجود تمام این نسیانات مرتجعانه و با وجود تندیها بتیبه در منتهای ۱۵ مت حسب - اتحادیه دانشجوییهای ایران آورده شده است.

هموطنان خوزستانی ما که سالهای قبل روزگار گرفتار پهنیا کارگران شرکت نفت و با عظمت ایمن انقلابی کارگران شرکت نفت کارگزارانی که ختم انقلابیشان و اسنوازی خستگی ناپذیرشان با قطع شریاسیای نفت گلوگاه اسندا دمحمدرضا شاهی را خننه کردند، حسن می گرفتند اما سال در شرایطی روزگار گرفتار سرکسزار نمودند که بسیاری از کارگران شرکت در شهرهای جنگی و در حقیقه ها در زیر توب و حمیاره دشمن در حال سیر و دمدا کار شدند. در خوابگاههای آوارگان جنگی در شیراز نیز عده‌ای از هموطنان خوزستانی ما که خانواده‌های کارگران شرکت نفت نیز در بین آنها بودند مراسم روزگار گرفتار علیرغم تمام تهدیدهای عوامل حزبی برگزار نمودند. آنها بگردشورا های منتخبان مراسم روز جهانی کار گرفتار برگزار نمودند، آنها آرزو داشتند که روزگار گرفتار گرفتار شرکت انبوهی از مردم شیراز برگزار نمایند، مادران خانواده های کارگری خوزستانی آرزو داشتند آرزو بیامی از محنت گرم خوزستانی ها باشند برای مردم قهرمان شیراز، کارگران شرکت نفت آرزو داشتند آرزو بیامی از ایمان بیولادیشان باشند برای مردم شیراز، ولی از آنجا که عوامل استمداد حزب کمپسوری آن روز را نیز به روز خفان و جمافداری حزبی تبدیل نمودند و از برگزاری مراسم آزادگی بگیری بعمل آوردند و آرزو را در واقع رهبران و ایادی حزب با توهین و محس و بدوسیرا به آرمسبان کارگران برگزار نمودند، نفرین کردند و در مراسم جشن فداکارگریشان شرکت نکردند، زیرا آنها میخواستند آرزو بجای حمله به رژیم صدام، حمله به انقلابیون ایران نمایند. به مراسم گروه چریکیای اکثریت طرفدار بیعتی نیز که آرزو به لطف خوش خدمتی به بیعتی اجازه مراسم آزادیا فته بودند نیز رفتند، با آنها نرفتند چون شرط رفتن با آنها دفاع از با بنده مستبد و خیانتکار حزب جمهوری بود، با آنها نرفتند زیرا نخواستند شریک بگویند به روسها برای حنا با نشان در افغانستان و بلکه آنها میخواستند قریبا دیر آورند و محکوم کنند قتل و عام مردم افغانستان را بدست تزارهای نوبین در روسیه، با آنها نرفتند زیرا میخواستند شعرا مرگ بر آمریکا بشان شعاریک استقلال طلب با تدبیر علیه استعمارگران، نه استکه سخوار شعاریک استعمارگر بنامند بر علیه استعمارگر دیگر، آنچنان که گروه اکثریت نتخواور مرگ بر آمریکا نشان روسی است، چپ نمایان هم که املا احتیاجی به آوارگان جنگی برای شرکت در مراسمشان ندارند زیرا آنها املا احتیاجی به مردم ندارند برای " بر نامه هایشان " و نازدها کارگران جنگ راهتان را کج می رفتند و به آنها میرسیدند میسبت بگویند که " در زندگان حقیقه ها ول کنند و بیاید و حانه ها و شهرهای ما را در اختیار مزدوران سستی بگذارند " و آنها هیچوقت اینچنین نخواهند گفت. آنها سرت مین برستی دارند، آنها روشده از خوزستانیند. پس با تمام کم و کاستش ما خند و ولی تجا و ز گرفتار محکوم و با ردیگر اعلام کردند که تا بای سرکوش آماده اند، دشمنان آزادی را تهدید به نابودی کردند، آمریکا جای حسانتکارا محکوم کرده و بیسان ستنز او را به خاطر مین نشان بستند، و از حقوق متالاب این صحه را نرسید " متا و مت حسب - سترده " ستاده و

و چاق کشی ها ، جنگزدگان ، ساکن در خوابگاه ادبیات مراسم خود را سرگزا رکودند و توانستند عده ای از خوابگاه های دیگر را هم با خود همراه سازند .

مراسم سرشار از روح زندگی و همبستگی کا رگری بود . برنامه های هنری .. سیاسی از قبیل دکلمه شعر ، سرود ، اسلاید نما یشتا مه و سخنرانی که همگی به استقامت علیه تاجا و زبمشی ما و مقاومت در مقابل استبداد جدید که در کسوت حزب جمهوری اسلامی تبارز یافته است ، دلالت داشت . درخاتمه مراسم که نزدیک به ۴۰۰ نفر در آن شرکت جست بود و بعدت ۲ ساعت بطول انجام مید قطعنا مه ز برقراعت شد که مورد تا شهیده هم شرکت کنندگان واقع شد . و بالاخره مراسم با تکرار مکرر شعار " مرگ بر آمریکا ، مرگ بر صدام ، مرگ بر جما قدر " خاتمه یافت .

بسمه تعالی

قطعنا مه مشترک کارگران و جنگزدگان ساکن دانشگاه ادبیات شیراز به مناسبت اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۰) اول ماه مه راه رهایی برگزآرمیکنیم که انقلابات سراسر جهان را فرا گرفته است و تقریباً در همه کشورهای جهان مردمی که نمیمخواهند زیر بار ظلم و استعمار زندگی کنند برخاسته اند تا بساط استعمار تران را درهم بکوبند و در مقابل این موج عظیم انقلابات ، نیروهای امپریالیستی در جهان - بویژه آمریکا و شوروی - با کمک و همدمستی عوامل و حکومت های ارتجاعی و دست نشانده و اقمراشان به صف بندی و تدارک جدید و وسیعی برای سرکوب مبارزات کارگران و کلیه ملل ستمدیده جهان پرداخته اند . در یک طرف نیروهای انقلابی و مترقی جهان و در طرف دیگر نیروهای ارتجاعی و ضد انقلابی جهان در یک طرف کارگران و کلیه مردم محروم و ستمدیده و انقلابی و در طرف دیگر سرمایه داران امپریالیست و کلیه حکومت های دست نشانده و ارتجاعی .

در آمریکا دوزیر بیخ گوش کاخ نشینان سفید و اشگستن ، صدها هزار کارگر و زحمتکش آمریکائی دست با عتاب و اعتراض زده اند .

در اروپای غربی و اروپای شرقی موج اعتصابات کارگران و زحمتکشان بخاطر رسیدن به حقوق و آزادیهای صنفی و سیاسی به مبارزه برخاسته اند .

در آسیا و آفریقا و آمریکا لاتین ، ملیونها کارگر و دهقان در چین ، فلسطین ، هند ، افغانستان ، عمان و السالوادور و عراق و فلسطین اشغالی و غیره بیاخته اند .

مردم سراسر جهان یکپارچه اعلام میکنند که نمیمخواهند بنیشت از این زیر بار رستم امپریالیستها و نوکرا نشان بروند . در چنین شرایطی ، رژیم مزدور بعث عراق با نقشه امپریالیسم آمریکا و حمایت شوروی و چین و کلیه امپریالیستها و مرتجعین منطقه به بکشور ما حمله نموده است تا همه دستاوردهای انقلابی مردم ما را از بین ببرد و کشور را تجزیه کند تا آمریکا حیبا نخواه این دشمن اصلی ما به اتفاق همه امپریالیستها بتوانند همه منافع از دست رفتگان را در ایران دوباره بدست آورند و مردم ما را با فتار جنگ به زانو در آورند . ولی چه خیال باطلی .

از طرف دیگر عده ای انحراف طلب که مدتها مرحسی

امپریالیستی و ضد آمریکائی دارند با اعمال سیاستهای ضد مردمی در قبال آزادی و استقلال مردم و مسن ما و همچنین با عدم رسیدن به زندگی . مشقت با رورقت انگیز بیش از یک میلیون جنگ زده که ابتدایی ترین نیازهای آنان نیز تا مین نیست ، در همین دوران جنگ مرتباً جما قدران و وابش و اراذل خود را به جان مردم حتی خانواده های جنگزدگان میانه اندازند ، روزنامه و مطبوعات را سانسور میکنند و به میل خود میبندند و اگر کسی خواستند که یک کلمه انتقاد یا اعتراض کنند توسط جما قدران و جاقو کشتها و ژ - ۳ بدستان حساب آنها را میسرند و با آنها را به زندان میانه اندازند .

اینها میخواستند بهین مردم تفرقه بیندازند و خودشان با زور اسلحه ابجاد اختناق و استبداد و بگیر و ببند با کمیت خود را بسر مردم اعمال کنند و مردم را از صحنه خارج ساخته و از ادامه انقلاب و بنور کلی از انقلاب کردن دل سرد نمایند . آنوقت با غیبت راحت با صدام و اربابان امپریالیستی او بیای میز مذاکره بنشینند و شرف و حیثیت ملی ما را بفروشند و ما را بنظر که در مسورد گروگانها که درنده امپریالیستها و نوکرا نشان در منطقه از جمله به صدام تکررتی این عامل مزدور رژیم بعث عراق و سرکوبگر مردم انقلابی عراق خدمت کنند و به کلیه مردم تحت ستم منطقه و جهان و از جمله مردم عراق خیانت کنند و از پشت خنجر بزنند .

مردم ما برای آنکه بتوانند بر امپریالیستها و نوکرا نشان پیروز بشوند و استقلال و آزادی خود را از دست ندهند باید متحد شده و خود را برای مقابله طولانی آماده کنند چون امپریالیستها و یادی و اعمارشان حاضر نیستند از منافع خود دست بکشند و برای اینکه متحد شویم لازم است تا کار تفرقه افکنان و انحصار طلبان را بکسر کنیم و نگذاریم در حالیکه جوانان و پیران ما برای دفاع از آزادی و استقلال این مرز و بوم جانفشانی میکنند و کارگران و جنگزدگان با وضعیت نا هنجاری روبرو هستند و گران و تورم بیداد میکنند ، عده ای انحراف طلب و قدرت طلب با دسائس و توطئه های مختلف بساط زورگویی و استبداد خود را پهن کنند و آزادی و استقلال ایران را پایمال کنند .

در این عید کارگران جهان موقع را منسجم نموده و ضمن قدر دانی از کمک های بیدریغ هم میهنان بویژه مردم انقلابی و آزاده شیراز و نیروهای انقلابی که رسالت کمک رسان را بعنوان یک وظیفه انقلابی انجام داده اند ، قدر دانی و سپاس نموده و خواسته های خود را بشرح زیر اعلام میداریم :

۱ - ما جنگ کنونی را یک جنگ تحمیلی دانسته و آنرا جزئی از نقشه امپریالیستها برای به اسارت کشیدن مبین و مردم خویش دانستد و صلحی را عا دلانه میدانیم که متضمن خروج بی قید و شرط نیروهای مزدور بعثی از خاک ایران باشد و هرگونه مذاکره را پیش از خروج این متخا و زین شدیداً محکوم میکنیم .

۲ - ما هرگونه تفتیش عقاید ، دستگیری ، شکنجه ، اخراج و زندانی کردن کارگران و سایر نیروهای انقلابی را محکوم نموده و خواهان آزادی اجناعات و تشکلات مردمی و انقلابی هستیم

۳ - ما خواهان آزادی نمایندگان کارگران و همچنین زندانیشان سیاسی که اهداف مردمی دارند هستیم و نفرت و انزجار خود را از اربابان جما قدران و حایمان اصلی آنها اعلام نموده و خواستار شناسائی ، معرفی و مجازات عاملین و مسن اصلی آن هستیم .

۴ - ما خواهان لغو سانسور مطبوعات ، رادیو تلویزیون و رسانه ها ، گروهی بوده و حق

گزارشی از وضع آوارگان در منطقه

آغا جاری

آغا جاری سا اینک شهر کوچکی است ولی سواطین نزدیک آن به آبادان و خرمشهر، جمعیت زیادی از آوارگان را در خود جای داده است. آوارگان در این منطقه اکثر از کارگران شرکت نفت میباشند که بسیاری از آنها در مواقع فزونی در بین آبادان و آغا جاری در رفت و آمد هستند و بعضی از آنها ۲۰ روز در زیر شویب و خمباره، دشمن مشغول کار هستند و ۲۰ روز پیش خانواده ها ایشان میباشند. شرکت نفت نسبتاً در آنجا بعضی امکانات مانند محل زندگی در اختیار آنها قرار داده است که تقریباً وضعیتان بهتر از بسیاری از اقشار زحمتکشان شهری و روستائی آواره شده که هیچ سرپناهی ندارند میباشند.

گذشته از آوارگانی که در منطقه آغا جاری در زندانها خود سکنی گزیده اند و با احتمالاً منازلی اجاره کرده اند، کمال آوارگان در سه نقطه سکونت کرده اند. ۱ - در شهرک مطهری (فلور سابق) واقع در ۳۵ کیلومتری شرکت نفت که در ۳۵ کیلومتری امیدیه، ۲ - در منازل تمام شرکت نفت.

۱ - در شهرک مطهری (فلور سابق) واقع در ۳۵ کیلومتری امیدیه حدود ۳۰ خانواده در آن قرار داده شده اند. دارای ۲۵۲ کاروان میباشند که روانیهای آن دولتخانه، ساتاقه، چهار اتاقه و عمومی میباشند، اکثر ساکنان آن از خانواده های کارگران شرکت نفت میباشند، و ۹۰٪ از اهالی این شهرک آبادانی میباشند و بقیه اهوازی و خرمشهری، از نظر محل سکونت کاروانیهای عمومی که چندین خانواده در آن زندگی میکنند وضعیت خوبی ندارند و بعضی از کاروانیهای دولتخانه نیز به علت کثرت جمعیت خانواده در مضیقه میباشند نسبت به وضع کلی جنگ زدگان در دیگر مناطق میتوان گفت وضعیتان مناسب است. از آنجا که کارگران و کارمندان شرکت نفت میباشند حقوق ماهیانه خود را دریافت میکنند و هیچ کمک دیگری به آنها نمی شود. بعلاوه دوری از شهر و نبود فروشگاهها و شرکتیهای تعاونی تهیه رزاق ایجاد مشکلاتی مینماید، و نبود بیخال در گرمای سوزان اینجا مشکلات نبود و فاسد شدن ارزاقشان را باعث میگردد، مشکلاتی که مورد انتخاب خود آنها با شدند و رسیدن از همان روزهای اول جهت حل مشکلاتشان و هماهنگی در آموزشان انجمنی انتخابی در بین خود تشکیل دادند که مورد مخالفت مسئولین شرکت نفت و مسئولین ستاد حزبی جنگ زدگان قرار گرفت و آنرا منحل اعلام کردند و بعد از آنجمله اسلامی که بعضی افراد آنرا از شهران آورده اند وجود آوردند که مورد مخالفت و بدبینی کلیه آوارگان جنگی میباشند.

۲ - منازل شرکتی واقع در ۵ کیلومتری امیدیه: در این جا نیز بعضی از کارگران شرکت نفت وعده دیگر از اقشار مختلف آوارگان ساکن میباشند، نزدیک به ۳۰۰ خانواده در آنجا نیز زندگی میکنند که تقریباً وضعی شبیه آوارگان واقع در شهرک مطهری (فلور سابق) را دارند.

۳ - منازل بلوکی نیمه تمام در امیدیه: در سراسر راه ورودیه امده، نرسیده به داخل شهر حدود ۵۰۰ دستگا خانه تمام نشده که قرار بود جهت استفاده کارگران شرکت نفت آماده شود و قرار گرفته است، این خانه ها در میان خشک و گلی واقع شده اند و فقط دیوارهای آنها بالا رفته است و

استفاده از این رسانه ها را برای کلیه تشکلات مردمی و انقلابی و کوتاه کردن دست انحصار طلبان از آنها را خواهیم.

۵ - ما خواهان لغو کلیه قوانین ضد کارگری و تدوین قانون کار جدید با شرکت نمایندگان واقعی تشکلات کارگری هستیم.

۶ - ما خواهان حق اعتصاب، حق تحمیل و پرداخت سود ویژه و افزایش حداقل دستمزد هستیم.

۷ - ما خواهان ایجاد کار برای بیکاران و جلوگیری از اخراج ناغله و پرداخت حقوق بیکاری در ایام بیکاری متناسب با هزینه زندگی و همچنین استفاده از خدمات داروئی و درمانی برای کلیه جنگ زدگان و بیکاران سراسر کشور هستیم.

۸ - ما خواهان اسکان جنگ زدگان در مناطق قابل سکونت شهر با داشتن حداقل وسایل رفاهی و بهداشتی و همچنین پرداخت مستمری به کلیه جنگ زدگان متناسب با حداقل هزینه زندگی و سپردن امور کلیه کارهای خوابگاه بدست شوراهای واقعی منتخب جنگ زدگان هستیم.

۹ - ما پشتیبانی کامل خود را از مبارزات بحق دهقانان برای معادله و تقسیم زمین و منابع آب بزرگ مالکان و فئودالها اعلام و خواهان تامین خدمات و کمکهای مادی دولت به دهقانان زیر نظر شوراهای اتحادیه های واقعی دهقانی هستیم و انهدام و سرکوب کامل دارو دسته های خوانین و فئودالها را در سراسر کشور خواهیم.

۱۰ - ما حمایت کامل خود را از تشکلات واقعی دانش آموزی - معلمی و دانشگاهی اعلام نموده و خواهان بازگشائی دانشگاهها این سنگرمبارزات ضد امپریالیستی و آزادخواهان را بر اساس نظریات استادان و دانشجویان بوده و هرگونه سرکوب و اخراج دانش آموزان، معلمین، دانشجویان و استادان را به علت داشتن عقاید مترقی محکوم میکنیم.

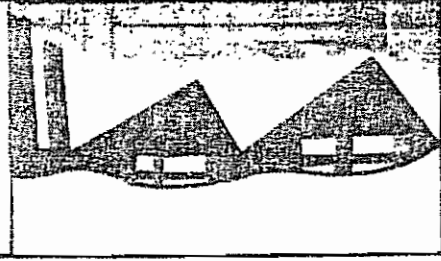
۱۱ - ما حمایت کامل خود را از مبارزات بحق کارگران لیبستان و همچنین جنبش های آزادی بخش و انقلابات فلسطین، البالد و روافغانستان اعلام مینمائیم.

مستحکم با داد اتحادیه های جهانی و کارگران و زحمتکشان جهان بر علیه امپریالیستهای جهانی و نوکراسان، بیروزبساد اتحادیه های جهانی کارگران و زحمتکشان ایران بر علیه امپریالیستهای بیروزبساد امپریالیست آمریکا.

زنده و جاوید باد راه شهیدان آزادی و استقلال ایران

حقیقت

از گان
 اتحادیه کمونیستهای ایران
 را خواهند



کارگران اخراجی ساپیر باید بکار خود بازگردند!

خود را فدای جاه و مال و سنال نمیکنیم. در همین موقع آقای صیریان یک جند قانون کار "ظا غوتی" را آورده و گفتند: ماده ۲۳ صفحه ۲ فلان را بخوانید. فریاد برآوردیم اگر شما آنرا روی ورق یا ره ها میخوانید ما با پوست و گوشت و استخوان عواقب آنرا لمس کرده ایم و خواهان جایگزینی آن با قانون کسار انقلابی هستیم. در آن خرگفتند: ما یک نامه میدهم ولی اجراش را سه مقامات مسئول منطقه واگذار میکنیم. در پایان نامه ای بدین صورت دادند:

اداره کار و امور اجتماعی سردار ما خمینی

به پیوست تین نامه مورخ ۶۰/۲/۷ کارگران اخراجی شرکت ساپیر که طی آن درخواست بازگشت بکار دارند، مفاد نامه مذکور را مورد بررسی قرار داده و حتی الامکان از طریق مذاکره با مدیریت شرکت ترتیبی داده شود. در صورت نیاز از وجود کارگران فوق الذکر استفاده بشود /

مدیرکل روابط کار صنعتی

بصیریان

به همسفرم گفتیم: بنگران نباش این عبارت "در صورت" را دو.

آنجا خود ما با یی در دست کنیم. ما میدانیم که اینها مثل زنجیر (با حلقه های ست) به هم وصلند. ما این زنجیر را خودمان باید بدریم زیرا دریا افتنه ایم:

نی خدا و نی شونی با رلمان بهر ما داد درس نیست

حرفدار کار و کوشش حامی زنجیر هیچ کس نیست.

خلاصه ما را گرفتیم. یکی از کارکنان به طعن گفت: موفق

باشید! برگردیم و گفتیم: موفق هم خواهد شد. و وزارت کار بیرون آمدیم.

عین نامه مورخ ۶۰/۲/۷ کارگران اخراجی شرکت ساپیر در

زیر به نظر خوانندگان می رسد:

سنا مخدا

۱۳۶۰/۲/۷

وزارت کار و امور اجتماعی

مخترما بعضی میرسد ما تعدادی از کارگران اخراجی شرکت

ساپیر واقع در بندر امام خمینی در تاریخ ۵۹/۵/۱ بنا به دلایل

ناکارانه زیر اخراج شدید: ۱- بنا به اظهار نامه شماره کار

بندر امام خمینی اخراج کارگران از طرف کارفرما به دلیل کسه

با عدم منطقی و جزو حقوق کارفرمایان می باشد. ۲- به نظر کارفرما

مای شرکت کار شرکت رویه تمام است و از دیاد کارگران ما نسخ

بیشرفت کار میشود. ۳- به نظر شورای کارکنان (که خود قبلا یکی

از طرف اخراجی ما کارگران بود) اخراج کارگران بیسندون

مشورت آنان بوده ۴۰۰۰۰ - از نظر فرما ندر ما هسهر دلایل کار

فرما منطقی بوده است.

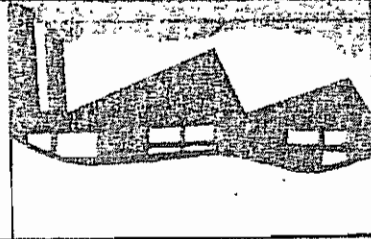
اما شرح کار بدینقرار است که در تاریخ ۵۹/۵/۱ ما می ۴۰۰

(بقیه در صفحه ۲۰)

بنظر از کارگران به عنوان اخراجی

در تاریخ ۶۰/۲/۶ برای جریان اخراجی که در تاریخ ۵۹/۵/۱ پیشتر آمده بود بدینترتیب است جمهوری در بنیستان مراجع کردیم که آنجا چون جبری دستگرمان ننندیده وزارت کار رسم. در وزارت کار ما را نزد آقای معتمد رضائی معاونت وزیر کار فرستادند. شرح ما جزا را دادیم. آقای رضائی گفتند کارگران که تشریح ما ب کرده اند از لحاظ قانونی هیچ راهی برای رجعت به کار ندارند. حیوانکی مسئله اخراجی را شرح دادیم. گفتند ما در جیا رجوع تان کار میکنیم. اگر شما را فراتر از کلمه خود بدینارسم "مذا نقلاب" محسوب خواهیم شد. گفتیم: در آن منطقه که ما کار میکنیم اداره کار، فرما ندارد، استاندار و کارفرما هم بر ضد ما کارگران کار کردند که به نظر ما اگر محووا هم اسلای کارکنیم با سد ربرای این تصمیم ناحق بایستیم و الا خود را ه خدا نقلاب را آگاهان ما زنگذانتها ایم. مگر ای بوزغاری نمی گوید:

عنت لمن لاسجد فوف فی سبت لایخرج علی الناس ما هراسن ((من سجد میکنم زکسانی که توتی در خانه پیدا میکنند چگونه با تمسیر گداخته بر مردم نمی تازند)) . ما از سلیمان انقلابی انتظار پیدا نده ندن محتوای این شعرا را داریم. ما آکس را انقلابی میدانیم که این قوانین ضد کارگری و ارتجای ساپیر از رژیم منحوس بی نظوی را بدور بیا نندازد. گفت: شما نماینده در مجلس دارید و در این مورد قانون تصویب خواهند کرد. گفتیم: اولاً ما کارگران نماینده ای در این مجلس نداریم و هیچ چشمداشتی هم از این مجلس نسبتاً نیستیم داشته باشیم. خلاصه بعد از بحث های طولانی به این نتیجه رسیدیم که ایسان همانند کربله که هر طریق پریش کنیم بر انجام چهار دست و پا زمین می افتند (هر چند کربله حیوان تقصیری ندارد!) ایسان هم بطور تشریف دارند. در آن خرگفت: سردار سواد شما مثل اینکه بیشتر است بهتر است با وزیر کار در ایس مورد صحبت کنید. ما را نزد آقای بصیریان (مدیرکل امور صنعتی کار کار) را هم می کردند. در آنجا هم همانطور که انتظار میرفت حرف از چهار رجوع نظم و... به میان کشیده شد. گفت چرا دیر آمده اید؟ گفتیم حنا بعلی روی میل لم داده اید خبر ندارید در خوزستان چقدر است. هیچ توقعی بیش از این نداشتیم. این حرف بد رنگ بیترتان (ببخشید به رنگ بی غیرتی شان) برخورد و گفت: برادر! او را ندرند امروز برویم همسان من باشید تا اوضاع زندگی ما بسند. گفتیم: والا میمانی من موقعی اسکان بدی است که حال ما کارکنان ساپیر با شما باشد! در حالی اگر تو خانه وزندگی دارید، ما غالباً خانه هم نداریم. چرا که شما خبر ندارید و یا ما احساس سسوس لیتری نمیکنیم. آوارگی، بیگاری و غیره رواج دارد. با شما ما اینها را استقلال و آزادی ایران را فدای هیچ چیز دیگری نمیکنیم و استقلال شما و مستبدین را میگویم. بزرگوار میگویم کارکنان دفتر اوضاع را "منتخب" دسند، کبک ربانی تنسار ف کردند که به خیال خودشان ما را بیواش ند. شرح گفتند. آنها گوردلسون و سیداسند که ما کارگران شرف و حیثیت و صداقت



با اتحاد و تشکل خود جلو بستان کارخانه ماشین سازی پارس اراک را بگیریم

سردم مبارز شهر اراک :

کارخانه ماشین سازی پارس اراک در سال ۱۳۵۵ قرار دادی مبلغ ۲۰۰ میلیون تومان با کارخانه واکن سازی پارس اراک منعقد نمود و در سال ۱۳۵۶ با تعداد ۲۰۸ نفر (۲۰۱ نفر کارگر و ۷ نفر کارمند) شروع بکار نمود، کار این کارخانه بیشتر پیاده کردن و ساختن اسکلت های فلزی کارگاهها و کارخانجات بزرگست. تاکنون کارخانه منتهی به توسط کارگران بیش از ۱۴۵ میلیون تومان مسابا شده و نزدیک به ۴۰٪ از کارپروژه واکن سازی پارس که طبق قرارداد با این کارخانه مبادا شده و زیادهای مانده یعنی حدود ۵۵ میلیون تومان کارهنوز درواکن سازی مبادا ریم که انجام دهیم. ولی نه تنها مسئولین بفرگسترش کار کارخانه نبودند بلکه قرارداد بسته شده توسط شورای کارخانه و مدیریت کارخانه اراک با کارخانه نورد آلومینیوم اراک سازس ۱۲ میلیون تومان توسط مدیرعامل کارخانه درتهران لغو شد و زمین توطئه شوم خود را یعنی بستن کارخانه و بیکارکردن کارگران و در نتیجه زندگی ۲۰۸ نفر کارگر و کارمندان خانواده های خود بیش از هزار نفر هستند را با خطرگرستی و آوارگی روبرو کرده است. ما کارگران که پیش از هر فشر وظیفه ای در کارخانه رسنگین انقلاب را بدون سیکتیم و مبارزه با مهمترین عامل برای تراز شاه خائن و ویرانی سیستم سلطنتی و وابسته به آمریکا بود و نیز در حنگ اقتصادی بر علیه وابستگی در سنگر کارخانه ها می جنگیم و تاکنون شهادت و معلولین زیادی در راه دفاع از انقلاب و میهن انقلابی در جنگ بر علیه مزدوران بعثی که با نفشه آمریکا جنایتکار و اسلحه های روس تاج و زگروبا تا شیدجینی های ضد انقلاب و در ارتعرقه افکنی و حیانت های حزب خائن جمهوری اسلامی و دولت ترسکیش جرئت کرده اند که به انقلاب و میهن انقلابی ما حمله کرده، شرکت نموده ایم و تا نوزده این تجاوز کاران بعثی را بیخاک نمالیم و آنها را تا مرزهای اولیه بعثت نرانیم از پای نمی نشینیم.

همزمان با این همه توطئه از جانب امپریالیستها و ایادی ریز و درشتش مانند سران کشورهای مصر و اردن و عربستان سعودی و کویت و جبهه مشترک آنها با بعثت نجا و زگر، ایجاد حنگ بین برادران نبعه و سنی در بلوچستان و براه انداختن بلوادر حوزه های غلبه، قدرت دادن به حزب دمکرات وابسته و مرتجع و جناح های حنگ افروز رژیم جمهوری اسلامی و سرکوب خلق کرد و جنبش دهکده ای کردستان توسط طرفین، با سراه انداختن بلو و آشوب از طرف سران عشایر فارس، سبب گذاریمای بی دردی در ماسر عمومی و کشتار مردم میدماع و پاسای همه اینها ایجاد ترس و خوف و خفتان و دستهای چماق دار توسط حزب جمهوری اسلامی دست به سرکوب هنرهای آزادی خواهی زده است و تاکنون بارها امتصا سات و اعتراضات ما کارگران زحمتکش را بیخاک و چون کشیده و سنا توانسته توسط ایادی مردود و جفا قدر خود و غنکار ی حزب توده و اکثریت تشکل و مبارزه ما کارگران برای کوفتن حقیق از دست رفته ما ضرب زده اند و توطئه چیده اند. جالب است که قسلسار مرکز "بابی ساندز" مدارز و فیرمان ملی ایرلندی (که سادش

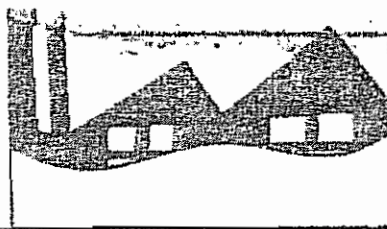
گرامی باد) در زندان امپریالیستهای انگلیسی آنها در صدای سیای "حزب" (رادیو و تلویزیون) گوش ملت را با تبلیغهای مدا امپریالیستی گرمیکردند و در بخت برده دولتستان در آغوشن امپریالیستهای صاحب کارخانه بیگان انگلیسی ضار داد ۲۲ ملیارد (۲۲۰۰۰ میلیون) تومانی انشاء میکردند، ما باید نقاب بر چهره گریه اسن وطن فروشان سردیم و وانصت بست آنها را به همه شان دهیم.

هم اکنون نیز عوامل این حزب و مسئولین دولتی وابسته آنها توطئه شوم بستن کارخانه ما را در سر پیروانند. اما این تازه سدوران رسیده های مرتجع با یدیدانند زمانه همیالکی های رساخیزی شان چنین کارهای نظیر سیکار کردن کارگران و سچاک و خون کشیدن آنها و سرکوب اشتما سات و اعتراضات آنها را انجام میدادند و حالا اینها میراث خوار توم بر ستا خیزبان بیخستند و همان سرخوشت احداث شان در انتظارشان مساست.

ما کارگران با اتحاد و تشکل خود با بستن جلوی بستن کارخانه که یک عمل فدکارگری و ضد ملی و در جهت بحر ان انصادی و وابستگی به امپریالیستها میباشد را هر چه زود تر بگیریم و در صورت ادامه این وضع و کارگشنگی های مسئولین فدکارگر حمایت بدریغ مردم انقلابی مان را خراستاریم و با اجتماع خود مقابل استاندارداری و دعوت از کلیه سیکاران اراک این مسئولین ضد انقلابی و مرتجع را در مقابل مردم افشاء میکنیم و پورده از خیانتهای آنها سرخواهیم داشت.

ما کارگران تار سیدن به حقوق از دست رفته مان با سسد این نکات را رعایت کنیم :

- ۱ - حفظ وحدت و تشکل خود بی طور روز مرده و جلوگیری از تفرقه بین خودمان .
- ۲ - شناسائی و طرد افراد نفرت افکن و خود بدروخته و عوامل حزب خائن جمهوری اسلامی و حامیان توده ای و اکثریتی آنها .
- ۳ - درخواست حمایت از کارگران کارخانجات دیگر اراک و نیز سیکاران و مردم اراک و مختلف سراسر سستما ای از مبارزه کارگران برای بازگشائی کارخانه ماشین سازی پارس اراک .
- ۴ - افشای هر چه بیشتر این عمل فدکارگری و ضد ملی و در حیت وابستگی یعنی بستن کارخانه سس مردم سوزنده کارگران و زحمتکشان .
- ۵ - استخادم کلیه کارگران و کارمندان کارخانه در ماسر کارخانجات اراک که تحت بیوشی سازمان گسترش هستند مخصوصا کارخانه های سازی پارس (این کارخانه ها کارگران ماشین سازی پارس اراک برای انجام ۴۰٪ از کارها قیما شده اند احتیاج داره سراسر تکمیل کردن پروژه واکن سازی پارس) تا تعیین تکلیف کارخانه .
- ۶ - اموال و مابیل کارخانه با یشی در زیر نظر و حفاظت کارگران قرار داشته باشد و تصمیم گیری در باره آنها بعهده



گزارشی از اول ماه مه در اصفهان

چرا که کارگران مجاز بودند در روز اول ماه مه در راهپیمایی هما آرادانه شرکت کنند ولی شرط اینکه در یکی از صفوف حضرات حزب جمهوری اسلامی، حزب توده و چریکهای (اکثریت) شرکت نمایند. آری، کارگران مجاز بودند آزادانه در یکی از صفوف وابستگان به سگان شرکت نمایند، ولی شرکت در صفوف نیروهای انقلابی و مستقل غیر مجاز و مجرم محسوب میشود!

در اصفهان، نیز شرایط غیر از این نبود. یک راهپیمایی توسط حزب فراگیر جمهوری اسلامی و نهادهای "انقلابی" برقرار گردید. در بعضی کارخانهها و شرکتها و از جمله پالایشگاه نفت، حزب جمهوری اسلامی همراه با نشان جدیدش چریکهای (اکثریت) مراسمهای مشترکی داشتند و سفیران آن چند مراسم دیگری بود. از جمله بزرگداشت این روز توسط نیروهای "چپ" و بود که صف خیلی شسته و رفته مستقل از طبقه کارگران را چند ده نفر در معرض چند دقیقه تشکیل و تمام کردند! و اما مراسم دیگری سیر بود که در فولادشهر اصفهان برگزار شد.

فولادشهر (حدود ۲۵ کیلومتری اصفهان) منطقه مسکونی کارکنان ذوب آهن می باشد که اخیراً جمعیت وسیعی از جنسیت زدگان جنوب کشور نیز در اینجا اسکان داده شده اند. در این ناحیه دهها هزار نفر کارگر و کارمندان و جنگ زدگان جنوب سکنا دارند. مراسم فولادشهر به توسط عده ای از کارگران ایمن شهر همراه با علاقمندان به این روز برگزار گردید.

مراسم با شعارهایی مانند: "مرگ بر کلیه امپریالیزمها بویژه امپریالیسم آمریکا!"، "آمریکان نقشه میریزد شوروی مسلح میکند، چین تا شدم میکند، مدام تجاوز میکند، حزب جمهوری اسلامی تفرقه میاندازد و خیانت میکند"، "پیروز باد مبارزات آزادیبخش خلقهای برادر، فلسطین، اریتره، افغانستان و عمان!" تزیین شده بود. ابتدا سرود انقلابی "زحمتکشان به پیش!" بخش و توسط جمعیت تکرار میشد و سپس یک کارگر انقلابی خطاب به شرکت کنندگان در مراسم سخنان خود را این چنین آغاز کرد: "امروز، روز تجدید عهد و همبستگی کارگران سراسر جهان است. امروز روز جهانی کارگران است و ما در اینجا گروهی آمده ایم تا به کوری چشم مرتجعین و دشمنان طبقاتیمان این روز را گرامی داریم." کارگر سخنران در ادامه سخنانش از تحولات جدید و توطئه های ابرقدرتها بر علیه انقلاب ماسخ را بداند. او گفت امروز حزب جمهوری اسلامی بمثابه نیروی سرکوبگر اصلی آزادبها در جامعه و همچنین دشمن استقلال مهن ما می باشد. او مثالهای فراوانی از آزادی کشیهای این حزب مشغول حاشیایش در قبایل استقلال وطن آورد. او همچنین ضمن اینای مبنی "چپ" روانه سخنی از نیروهای سیاسی کسه عامل دوری حبیبی مردم ما از نیروهای انقلابی میشوند، سخنان آنها و جاسوسیهای حزب توده و اکثریت بعنوان بخش دیگری از نیروهای توطئه گر بر علیه طبقه کارگر برداخت و...

ناتگفته نماند که این مراسم نیز از فشارها و تهدیدات حزب حاکم السعیه با جاسوسی و استتگان به شوروی یعنی توده اییسا و اکثریت مجرم می باشد.

اول ماه مه، عید جهانی کارگران به رغم کلیه تبلیغات مروجانه و رسا کارانه، سردمداران مرتجع و ضد کارگری حزب جمهوری اسلامی در بسیاری از شهرهای ایران به فراخور امکانات موجود برگزار شد. روز کارگر، امسال در شرایطی برگزار شد که کلیه نیروهای ضد انقلابی و مرتجع از هفته های پیش سینه چاک این روز شده بودند و خود را مستحضران دیگری حامی این روزستان میدادند. رادیو و تلویزیون و کلیه وسایل ارتباطی انسان از هفته های پیش آبی کارگر، وای کارگر میکردند و همزمان با آن رهبران همین کارگران را ترور میکردند. از یک طرف می گفتند: "کارگر، سرگرم سلام حامی نوست" و از طرف دیگر نمایندگان شرکتیهای خضال استیل، واحد، رامباد، کاشی سیدی و... را به ستم میکنند و با مقنود لایم میکنند.

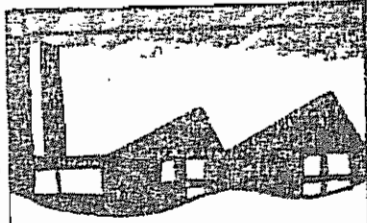
روز کارگر، اس روزی است که کارگران سراسر جهان همواره گرامی میدارند و در وطنه کارگران بزرگداشت عمومی آنرا با برنامه های متنوعی، یکی از دست آوردهای بزرگ خود میدانند. سپس رودی مورد چشم و غصب این مرتجعین قرار گرفت.

اگر در سال اول بعد از تمام صف چند صد هزار نفره کارگران در این روز مورد هجوم گروهبانهای چماق قرار گرفت و اگر در سال دوم صف کارگران مورد بیرون و هجوم و حشانه تر این جماعت حزب اللهی میانی شد، امسال در همین اصطلاح بهر آزادی، بزرگداشت این چنین روزی حرم و خیانت به منافع مردم محسوب شد. گروهبانهای حزب اللهی و چماقداران مسلح همراه با تبلیغات زهر آکن اینان خود را برای درهم کوبیدن مبارزات طبقه کارگر در این روز آماده کرده بودند، و این خود نشان دهنده رندریج جریانات ارتجاعی در جامعه، ما بعد از قیام می باشد.

اول ماه مه امسال در شرایطی بسیار تعیین کننده و سرسود شد و ساز بزرگزار گردید. در شرایطی که امپریالیستهای غرب و شرق در طرحها و توطئه های گذشته خود شکست خورده و دست به طرح های جدید برای به زانو آوردن انقلاب مازده اند. در شرایطی که همه نیروهای مرتجع و امپریالیستی فعالانه از داخل و خارج مرزهای کشور به توطئه مشغولند. در شرایطی که آمریکا جنایتکاران و تروریستهای اشغالگر همراه با کلیه نیروهای محلی آنان از عراق و اردن و عربستان و ترکیه و... از بیرون و کلیه مرتجعین و ضد انقلابیون داخلی چون سلطنت طلبان ناهی، حزب جمهوری اسلامی، حزب توده و چریکهای فدایی خلق (اکثریت) از داخل شرایط را برای به تسلیم درآوردن انقلاب ما فرا هم بسازند.

پس سپیده نیست که تشکیل صف مستقل و آزادانه کارگران انقلابی ایران که در خود طلسم آزادی و استقلال و آزادی را بیخبراد دارد، مجرم محسوب میشود. بیخبرده سبب که صف های کارگران در اس روز با بسنی در منطقه خفه شود. چرا که تشکیل دهندگان اس صفوف کارگری برجداران آزادی و استقلال واقعی نیستند محسوب میشوند و این سادگی مرتجعین تسلیم طلب و موکرف است تا خوشایند است. البته نه با سنی ما به روی حق که نیست!

بشمه در صفحه ۲۰



گزارش اصفهان

بقیه از صفحه ۱۹

ارجند هفته قبل از اجرای برنامه ، تودهایها وا کثرت به شنا - سائی شیروهای انقلابی درکارخانه ها پرداختند و هرگونه تخلفات و دعوت از کارگران برای شرکت در مراسم اول ماه مه به یالا تر- هایشان گزارش میشد . از این جا سوسیال کده سگزاریم ، تبلیغات و "زهرچشم" گرفتن ایشان برای روز موعود بود .

ابتدا گفتند و بنا بعد ساختند که در این روز (اول ماه مه) قرار است دو شبم کارخانه حزب جبهه پوری اسلامی در همان محل برگزاری مراسم ، نمايش دهند ، سپس گفتند جناب علی کبر پرورش قرار است برای مردم در همین روز و همین محل سخنرانی کند و بعد گفتند برای اهلین با قرار است ندا زجمله برگزاری نشود و سپس خبر دعوت از چند گروه : ، سیا ه پاسداران برای حفظ " امنیت " محیط را بخش کردند و بعد

اما برگزاری کنندگان این ، وزیر افتخار مصمم تراز آن بودند که با حارت و بیورتنیای آقایان ما ، نند! توگویی قرار بود همه هزار کارگر در این مراسم شرکت کنند . . . قیام مسلحانه شما سئد که اینان را این همه دست پا چکی و ترس فرا گرفته بود! قبل از شروع برنامه بلندگوهای مسجد که در همان حوالی بود شروع بدنا لیدن کرد و سپس سروکله حضرات سیا ه پاسدار و جمعی از مردمی که گویا از دهات برای شما زجمله آورده بودند پیدا شد . آنان با دادن شعار از اطراف زمین برنامه دور شدند . مثل اینکه تعداد ده ۸ - ۷ نفره شان برای برهم زدن برنامه کافی نبود ، برنامة تقریباً روبه انتها رسیده بود که سروکله چندا ثوبوس پراز جمیت (حدوده ۵۵ نفر) همراه " پاسداران " برای برهم زدن برنامه پیدا شد . این مسئله اتفاقاً به جنبه تبلیغاتی برنامه افزود ، چرا که با تعداد کثیری که اینان بسیج کرده بودند ، بیشتر جلب نظر خانه های سکونی اطراف را کرد . سخنران را احاطه کردند ولی با حمایت بی دریغ و دلسوزانه شرکت کنندگان و مردم اطراف آنجا از دست آنان رها شد و مراسم با موفقیت به پایان رسید .

امروز که طبقه کارگر برنامه ضعیفای گوناگون سازمانهای سیاسی نتوانسته بسیج و متشکل شود ، تجملات کوچک اش این چنین مورد هجوم قرار میگیرد ، وای به حال این مرتجعین در زمانیکه کارگران ایران در سازمان انقلابی و حزب پرافتخار طبقه اش بسیج و متشکل گردد ، به امید امروز .

مسجد سلیمان در حین کار بوسیله انفجار رگا زکشته گردید . چرا تعدادی زیادی از افراد شورای کارکنان جزوا خراجیها بودند ولی نه تنها اخراج نشدند بلکه پشت بالتری راهم گرفتند . حتی کارگران با قیام نده بدین امر واقفند و خواستار انحلال آن شده اند . بعد از اخراج ما سئادف ما کودتای نا فرجام آمریکا شسی سپس هکت تحمیلی رژیم دست تراق به! سرارایش آمریکا شروع شد با صلاح را در آن دیدیم که نعل استقلال ایران و دنساع از انقلاب و کشور عزیزمان واجب تراز مسائل فرشی دیگر است دما بطوریکه تعدادی از کارگران شرکت در جنبه ها به رزمندگان پیوستند . اما شرکت مجددا شروع سگار نمود (کرده) و ما خواستار مراجعت ، کار راه تیم جشی اگر کار ما در جنبه ها باشد . از آن وزارت خانه مسئول خواهش نمودیم در این مورد رسیدگی و نتیجه را امرت! بلاغ فرمایند /

با تشکر فراوان

۴۵۵ نفر از کارگران شرکت ما بی...

نامه يك رفیق کارگر از هفت تپه

سلام و درود بر مابزمین راه زحمتکشان

من کارگری فنی از طرح نیشکر هفت تپه ، هوادار سازمان شما هستم . میخواهم نامهای درباره این کارخانه برای شما بفرستم .

مدیرعامل کارخانه ما آقای : خنری است . این شخص گویا توده ای است . باید که رابطه نزدیکی هم با انجمن اسلامی (ساواک) کارخانه دارد . همین شخص مدیرعامل تعدادی از کارگران و ساواکیهای رژیم گذشته را به کمک انجمن اسلامی متشکل کرده که کارشان فقط توطئه چینی بر علیه کارگران و حقوق آنهاست و اگر کارگری هم ادعای حقش را بکنند به او تهمت ضد انقلابی بودن میزنند . من از اینجا میگویم ببینیم بنا خودشان چه کسانی هستند که اطراف مدیرعامل کارخانه جمع شده اند و به ما کارگران تهمت میزنند : ۱ - حسین عوفی (رئیس حزب رستا خیرتعه شماره ۱۲ در هفت تپه) ۲ - رحیم رحمانی ۳ - جفا نگر ریاری ۴ - عباس مردوسی ۵ - شمس کور که اینها هم همه در روزیم گذشته در حزب رستا خیز کار می کردند و حالا هم در انجمن اسلامی مشغول توطئه چینی هستند . در ضمن باید بگویم که از تعداد جنگی تا حالا کار ما ۱۲ ساعتی است . مثلاً اگر قبلاً ۸ ساعت کار می کردیم حالا ۱۲ ساعت کار می کنیم ولی پول همان ۸ ساعت را به ما میدهند و ۴ ساعت دیگرش را خودشان همراه انجمن اسلامی شان شوش جان میکنند .

باید که ما کارگران با مبارزات پیگیر خود حقوقمان را از چنگ این سرمایه داران ضد انقلابی و عوامل ارتجاع بیسرو و بیایوریم .

توضیح - چون اولین نامهای است که برای شما میفرستم اگر نامها شکالی دارد در حقیقت توضیح دهید .

رفیق کارگر شما پیروز با دا انقلاب دمکراتیک ایران به رهبری طبقه کارگر

کارگران سدابیر بقیه از صفحه ۱۷

اعلام میشود . ما کارگران اخراجی خواهان آن هستیم که آن چند قانون و حکمی است که بدکار فرمایان حق اخراج کارگران را به هر دلیل که باشد داده است . کارفرمایی که میگوید که تمام شده است ولی کار را به بیمه نکارد و دیگر کمترتات میدهد ، کارفرمایی که بعد از دو سال به علت عدم تیرت درست کار رچندان بیشترتی ندانسته است که به اعتقاد ما کارگران کمکاری ناشی از از دستاد کارگران نیست بلکه ناشی از بی ایمانی و بی مسئولیتی این قبیل کارفرمایان است که جز بدایمان راحت طلبانه حود و همفطرا نشان به چیزی نمی اندیشند . برای آن ها استقلال ایران و پیشرفت اقتصادی ایران نفیومی ندارد . کارفرمایی که هر زحمتکش و با ایمانی را خا رچشم خود میداند به عنوان مثال سنجهر جلالیان که در شرکت ما دقا به کار کرد و نقدریا بیسرو و بیایوریش درست کردند تا استعفا داد (نا میرده در چها دما زینسندگی

نصفه از صفحه ۲

سر مقاله ...

خارج از حیطه ما بکار بر سرده میبود و سخی هم ذخیره میگردید. همیشه هسند که با عده ای از بدنا متربس فرما بدها ن ارتش نظیر صا دشیرازی، تکوری و هم تمان ها تا ن برای کشتن ارتش بریریا ل خویش تعالبت کرده و در رویای خام سرکوب مردم و عملی ساختن سکی کودتای درباری در این شرایط حکمی و فلاکت عمومی نقشه میسرند. همیشه هستند که از طرف جاسوسان سوپال - امیریا لیم روس، خاشاک شپکا ر حزب توده، لقب "دموکرات انقلابی" میگیرند. آیا جریوی سرکین پیوسیده استنداد منشی ترون وسطا شی حزب جمهوری است که چنین منام این روس پرستان بپرسم را تیر کرده است؟ آیا جز چشم ا سدا زو شن فروشی و خیانت ملی در آینه شده حرکت امروز حزب جمهوری است که چنین خاشکین حزب توده را به وجد آورده است؟ بالاخره همیشه هستند که با لکدمال کردن خون شهیدای راه آزادی و استقلال کشور در بحبوحه جنگ با دست آموران آمریکا و انگلیس، با آمریکا و انگلیس فراداد میبندند و سبیل بانگداران آمریکائی و سرما بیداران انگلیسی را چرب میکنند. تنها فراداد صد ملی بر سر "آزادی گروگانها" با ما نگداران آمریکا و قرار داد منونتا ز ما تا لیبسوت انگلیسی نیست! تعداد قابل توجهی از این نوع قرار دادها و معامله ها در حیطه است

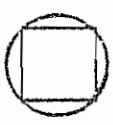
حصار دزدما سلاح مکتسی و اسلام بساه موجود است و یا در حال ابقاء مساند. آمریکا خصوصا در این اواخر حوب آدم های خسود را شناخته است و میدانند در این دولت و حرب و رحا ل مکتب و در واقع سلاح با جده کمنا سی طرف است. برای همین است که فرسنا دگان کنصرا نسس آمریکا فی طائف اینبار کسه ستهرا ن آمدند کراست به سراغ آقای رجائی یعنی حرب و دولت و استبداد آن رفتند و با ایسان وارد مذاکره و بحث راجع به پیشنهاد های گذاشی

از رود این هبت دیکسمر در حطیه های شنا ز جمیع هاش از فتح کر بلا و نجف دم نمیزند و در باره "زندگی برادرانه" و در کنا رهم "ملت های مسلمان" منطقه "در سابه تمسک به قرآن" دم میزند و نریاد "ما جنگ طلب نیستیم" سر میدهد. کسی روی جلد ایس "قرآن" خراش دهید تا فوراً ما ننند قضیه "آزادی گروگانها" متوجه شوید که این تمسک به قرآن و این جور چیزها نیست بلکه تمسک به عهدنا مده ما زش با همایگان مسلمان در سابه ابر قدرت ها است.

مسئله بسیار روشن است. داستان "آزادی گروگانها" و همچنین عملکرد واقعی حزب حاکم و دولت رجائی در دوره "جنگ در زمینه های سیاست داخلی و خارجی به آمریکا و نوکرانش در منطقه فهما نده است که گردنهای آویخته برای بسته شدن قلاده های نوکری استعمار در کدام طویله صف کشیده اند و بوی کباب از کدام مطبخ بیشتر بمشام میرسد.....

خود ندند! و ایسکار حنی بدون اطلاع و مشورت با اعضای دیگر ثورا بعالی دفاع و فرماندهی ظاهرا قاونی جنگ صورت گرفت. مسئله بسیار روشن است. داستان "آزادی گروگانها" و همچنین عملکرد واقعی حزب حاکم و دولت رجائی در دوره "جنگ در زمینه های سیاست داخلی و خارجی به آمریکا و نوکرانش در منطقه فهما نده است که گردنهای آویخته برای بسته شدن قلاده های نوکری استعمار در کدام طویله صف کشیده اند و بوی کباب از کدام مطبخ بیشتر به منام سرمد. چه جای نفعی که اسنا را آقای خامنه ای بس

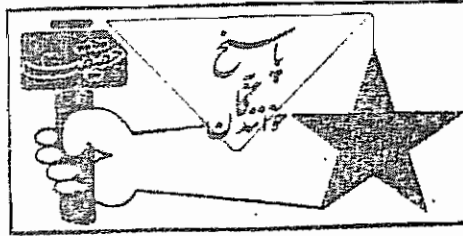
نتیجه آنکه مصالح جنگ و انقلاب در کشور ما دقیقا در اینست که مقاومت سازش... با سدر در مرزهای کشور در برابر امیریا لیم و مزدوران مهاجم آن با بدبا سردبی مان علیه جریان ارتحائی و خیانت یبیشه حاکم در داخل مرزها پیوند داشته اند و وجود چنین پیوندی هم در حرکت توده ها از هم اکنون کاملا محسوس است. پیروی انقلاب در کشور ما سسئزم پیروزی در هر دو طرفه است.



نصفه از صفحه ۱۳
بیرون راندن ...
 همین ما را نداشته باشند، برای اینکه خودکامان و زورگویان حاکمیت استبدادیشان را سر قرار نکنند و برای اینکه خود برا مورس و نوشت خویش حاکم باشیدا بدمتکل شوید و برای مسلح کردن خود و رفتن بسه جبهه های نبرد تلاش ورزید و اخلالگران و فتنه انگیزان را از جلو خود ببردارید. شورا های منتخب شما در سازماندهی و بسیج شایر ای این امر مقدس و وظیفه سنگینی بعهده دارند. # به نقل از نشریه "مقاومت جنوب اخبار جنگ و جنگزدگان" شماره ۱۶ ۱۳۶۰/۲/۲۰ - نشریه ستاد مقاومت جنگ جنوب اتحادیه کمونیستهای ایران

نصفه از صفحه ۱۸
با اتحاد ...
 کارگران میباشند. تا بود با دتوطئه های نوم امیریا لیستها و مرتجعین داخلی و خارجی علیه انقلاب و مردم انقلابی ایران - پیروز با دادا تحادکاران روز حمتکشان علیه سرمایه داران - تنها سا وحدت و تشکل میتوانیم به پیروزی برسیم - کارگران در مبارزه، خودی به ما هیست و اتعی نیروهای سیاسی میسرند. (گروهی از کارگران ما شین سازی پارس - اراک) ۱۳۶۰/۲/۲۰

منتشر شد
مقاومت
جنوب
 نشریه
ستاد مقاومت جنگ جنوب
اتحادیه کمونیستهای ایران



درباره تضادهای درونی باوک بیدریهای

امیرالیهستی

رفیق مریح از اندیمک در ارتباط با مقاله آموزه کارش، در مورد جنونگی امکان اختلاف بین دو کشور از یک بلسوک بندی سرما به مالی جهان و بطور مشخصی در مورد اختلاف بین سوماتی و کنیا سئوالی نموده اند.

پاسخ : رژیم های وابسته به امپریالیسم با تمام تبعیت شان از سیاست و برنامهای امپریالیسم، چون هر پدید آمده اجتماعی دیگر از تضادهای متعددی برخیزد و در امپریالیسم، نمونه عینی جنبش تضادهای را میتوان در اختلاف بین عربستان سعودی و رژیم شاه در مورد تقسیم متوفق دادن به رژیم شاه در امرای اندامی منطقه مشاهده نمود. وجود چنین اختلافی به جوجه از درجه وابستگی رژیم سابق ایران و عربستان به امپریالیسم آمریکا میباید. مثال دیگر همین مقوله را میتوان در عدم توافق سگ زنجیری آمریکا اسرائیل در فروش اسلحه به سگ زنجیری دیگر آمریکا عربستان یا مصر مشاهده نمود. با چنین اختلافاتی را میتوان در اختلافات تاریخی و نیز رقابت بر سر سرپرستی ایمن رژیمها از زبانی نمود. اگر چه در مورد کنیا و سوماتی همین مقوله از اختلافات عسرتی و بقایای تفکرات فیسلیهای نشأت گرفته است. نمونه های دیگر همین مسئله را میتوان در اختلافات قومسی و عسرتی در میان قبایل امارات عربسی مشاهده نمود و با ن ترکیب و اختلافات ترکیه و یونان اشاره کرد.

درباره حزب دمکرات و سیاستهای

امیرالیهستی

ظنی نامه بدون اضافاتی پرسیده شده است :

"سؤال ۱ - در اکثر مقالات حزب دمکرات بعنوان یک جریان وابسته به شرق - غرب و همکار عراقی معرفی شده است. با ارزیابی فوق مسئله مذاکرات غیر مستقیم صدراتی این جریان و موافقتی جدید این حزب در مورد جنگ را چگونه باید توضیح داد.

"آیا بهترین نسبت نامواردی نظیر

فوق بیشتر ما هیت استگوند جریانها تا کیدگذاشته بود و در پیروی آن از با زجه دست ابرقدرت یا شدن چنین جریانی سخن گفته شود؟

"آیا این موافقتی جدید حربه دمکرات در مورد جنگ در اصطلاحی با موضع گیری برخی از جریانها با بورژوازی مغلوب نیست. اگر چنین است مسئله بر حورده سیدر با این مقوله را چگونه باید توجیه نمود؟

پاسخ سؤال ۱ - حزب دمکرات کردستان جریانی وابسته به شرق و غرب و همکار عراقی یعنی بعضی های تحاوزگر، و مواضع در انطیاق با مواضع دارو دستهای فراری خاشن نظیر سختیاری میباشند و ارتباط با مذاکره افرادی چون سنی صدراتی آن ویا جریانی مانند "ماهدین خلق" با آن (که احتمالاً این نکته هم ممکن است سئوالی برای شما طرح کرده باشد) هیچ تخییری در ما هیت فیه نمیدهد. امسولا معلوم نیست که شعار روی چه اساسی تصور می کند که مذاکره این افراد و جریانها با سنی دارو دسته مرتجع و بیگانه نیرسی چسبون سران حزب دمکرات با پیدار زبانی ما را از این دارو دسته تخییر دهد. البته ممکن است در شرایط جنگ کنونی مذاکره و تمایز با اینگونه دارو دسته ها، که از لحاظ سیاسی نگاه داخلی خود منگی بد ارتجاع مخلص هستند، بمنظور حشی کردن آنها، کاهش تشنج در عرصه های غربی و همچنین مقابله با سیاست جنگ افروزان و ارتجاعی جریان ارتجاعی و خیانت پهنه، حاکم که مردم کرد را میکوبد، صحیح باشد. با زهم تا کید میکنم که اگر واقعاً چنین هدفی را دنبال کنید، ممکن است چنین مذاکره ای صحیح سیاسی مفید باشد. لیک اینها داخلی ما هیت قضیه دارو و همچنین سیاست توجیه و مسدود و شنا در راه این دارو دسته را موجه نمسی - گردانند.

"سؤال ۲ - حکیای مری سینی کشور های تحت سلطه و توارگر بندریک بلوک بندی سرما به مالی جهانی از جد ما هیتی برخوردار میباشند و علیاً بسکوند در گیریها چه دستاوندانند (مانند جنگ سس سرکه - یونان) .

پاسخ سؤال ۲ - این موضوع حکیای

طبعاً دارای ماهیتی ارتجاعی بوده و به زبان مردم کشورهای درگیر در جنگ مساند. این جنگ ها نتیجه تدرقه و رقابت و تضاد درون اردوی ارتجاع است که بر خلاف اردوی نیروهای واقعا انقلابی ضامن دارا بودن منافع مشترک در برابر انقلابها بها دانما با هم همجنسی دارند و چه بسیار مواقع که علیه یکدیگر توطئه میکنند و جنگ و دعوا راه میاندازند. همچنین استگوند جنگها و سله، مناسبی برای انحراف اذهان عمومی یک کشور (مانند مورد ترکیه و یونان) ارتداد دشمن مشترک اصلی خود یعنی امپریالیسم بوده و از اینرو امپریالیستها از با بن تشدید میکنند و عداوت ملی میان خلقهای زیرستم بین کشورها نفع بسیار میدهد. امپریالیستها با داس زدن به این جنگها سلطه خود را بر این کشور محکم کرده و تغییراتی را که در شرایط صلح برای این دشوار بوده با راحتی بیشتر عملی میسازند. گذشته از اینها این جنگها با زامناسبی برای سلاطین جنگ افزار بوجود میآورد.

"سؤال ۳ - آیا مداخله یک کشور عضوناً تو ما بند ترکیه، هم بیمانان این کشور را موظف نمیشد تا بطور رسمی بیاری اوشتا بند؟ اگر چنین است آیا بلوک بندی نظامی ما تودر این مقطع تاریخی در شرایطی فراردار بند که ترکیه را مجبور به مداخله در امور کشور ما بنما بند؟

پاسخ سؤال ۳ - از لحاظ حقوقی یعنی طبق قانون قرارداد خودشان مداخله یک کشور عضوناً تو ما بند ترکیه هم بیمانان این کشور را موظف نمیکند که سساری او بنما بند؛ لیکن هم بیمانان مزبور که همانند دول امپریالیستی و مرتجع تشکیل شده اند هیچگاه طبق قانون و قرارداد و کذا حرکت نمیکند، بلکه طبق منافع عینی واقعی و اجبارات خودشان حرکت میکنند و اگر مصلحتشان باشد ممکن است بست هم بیمانان خود را هم را کنند. ضمناً اینکه آیا اروپا حاضر است تا تمام توانت ترکیه را در صورت مداخله احتمالی این کشور در کنورما بگردیا نگیرد، لزوماً ارتطاطی به این ندارد که آیا ترکیه را برای ایمن مداخله تحریک خواهد کرد یا نخواهد کرد. سسارت دیگر اروپا (و همچنین آمریکا) بیار حنی میتواند سرکه در این منحن شرایطی علیه ایران هل دهد و از این استخدام آن بطور غیر مستقیم حمایت کند و عسره؛ ولی در صص حودتی وارد کار را مستقیم خود سسی مداخله دارد اما سورا سسل هم حرا بکند.

طبعاً دارای ماهیتی ارتجاعی بوده و به زبان مردم کشورهای درگیر در جنگ مساند. این جنگ ها نتیجه تدرقه و رقابت و تضاد درون اردوی ارتجاع است که بر خلاف اردوی نیروهای واقعا انقلابی ضامن دارا بودن منافع مشترک در برابر انقلابها بها دانما با هم همجنسی دارند و چه بسیار مواقع که علیه یکدیگر توطئه میکنند و جنگ و دعوا راه میاندازند. همچنین استگوند جنگها و سله، مناسبی برای انحراف اذهان عمومی یک کشور (مانند مورد ترکیه و یونان) ارتداد دشمن مشترک اصلی خود یعنی امپریالیسم بوده و از اینرو امپریالیستها از با بن تشدید میکنند و عداوت ملی میان خلقهای زیرستم بین کشورها نفع بسیار میدهد. امپریالیستها با داس زدن به این جنگها سلطه خود را بر این کشور محکم کرده و تغییراتی را که در شرایط صلح برای این دشوار بوده با راحتی بیشتر عملی میسازند. گذشته از اینها این جنگها با زامناسبی برای سلاطین جنگ افزار بوجود میآورد.

"سؤال ۳ - آیا مداخله یک کشور عضوناً تو ما بند ترکیه، هم بیمانان این کشور را موظف نمیشد تا بطور رسمی بیاری اوشتا بند؟ اگر چنین است آیا بلوک بندی نظامی ما تودر این مقطع تاریخی در شرایطی فراردار بند که ترکیه را مجبور به مداخله در امور کشور ما بنما بند؟

پاسخ سؤال ۳ - از لحاظ حقوقی یعنی طبق قانون قرارداد خودشان مداخله یک کشور عضوناً تو ما بند ترکیه هم بیمانان این کشور را موظف نمیکند که سساری او بنما بند؛ لیکن هم بیمانان مزبور که همانند دول امپریالیستی و مرتجع تشکیل شده اند هیچگاه طبق قانون و قرارداد و کذا حرکت نمیکند، بلکه طبق منافع عینی واقعی و اجبارات خودشان حرکت میکنند و اگر مصلحتشان باشد ممکن است بست هم بیمانان خود را هم را کنند. ضمناً اینکه آیا اروپا حاضر است تا تمام توانت ترکیه را در صورت مداخله احتمالی این کشور در کنورما بگردیا نگیرد، لزوماً ارتطاطی به این ندارد که آیا ترکیه را برای ایمن مداخله تحریک خواهد کرد یا نخواهد کرد. سسارت دیگر اروپا (و همچنین آمریکا) بیار حنی میتواند سرکه در این منحن شرایطی علیه ایران هل دهد و از این استخدام آن بطور غیر مستقیم حمایت کند و عسره؛ ولی در صص حودتی وارد کار را مستقیم خود سسی مداخله دارد اما سورا سسل هم حرا بکند.

"سؤال ۳ - آیا مداخله یک کشور عضوناً تو ما بند ترکیه، هم بیمانان این کشور را موظف نمیشد تا بطور رسمی بیاری اوشتا بند؟ اگر چنین است آیا بلوک بندی نظامی ما تودر این مقطع تاریخی در شرایطی فراردار بند که ترکیه را مجبور به مداخله در امور کشور ما بنما بند؟

پاسخ سؤال ۳ - از لحاظ حقوقی یعنی یعنی طبق قانون قرارداد خودشان مداخله یک کشور عضوناً تو ما بند ترکیه هم بیمانان این کشور را موظف نمیکند که سساری او بنما بند؛ لیکن هم بیمانان مزبور که همانند دول امپریالیستی و مرتجع تشکیل شده اند هیچگاه طبق قانون و قرارداد و کذا حرکت نمیکند، بلکه طبق منافع عینی واقعی و اجبارات خودشان حرکت میکنند و اگر مصلحتشان باشد ممکن است بست هم بیمانان خود را هم را کنند. ضمناً اینکه آیا اروپا حاضر است تا تمام توانت ترکیه را در صورت مداخله احتمالی این کشور در کنورما بگردیا نگیرد، لزوماً ارتطاطی به این ندارد که آیا ترکیه را برای ایمن مداخله تحریک خواهد کرد یا نخواهد کرد. سسارت دیگر اروپا (و همچنین آمریکا) بیار حنی میتواند سرکه در این منحن شرایطی علیه ایران هل دهد و از این استخدام آن بطور غیر مستقیم حمایت کند و عسره؛ ولی در صص حودتی وارد کار را مستقیم خود سسی مداخله دارد اما سورا سسل هم حرا بکند.

"سؤال ۳ - آیا مداخله یک کشور عضوناً تو ما بند ترکیه، هم بیمانان این کشور را موظف نمیشد تا بطور رسمی بیاری اوشتا بند؟ اگر چنین است آیا بلوک بندی نظامی ما تودر این مقطع تاریخی در شرایطی فراردار بند که ترکیه را مجبور به مداخله در امور کشور ما بنما بند؟

اقتصاد ایران

با سرمایه‌های اسپانیایی بود و می‌توانستند در آن حدود ۱۰۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری کنند. اما دولت ایران در آن زمان به خاطر محدودیت بودجه و مشکلات اقتصادی نتوانست این سرمایه‌ها را جذب کند. در واقع، اقتصاد ایران در آن زمان در یک وضعیت بحرانی قرار داشت و نیاز به سرمایه‌های خارجی برای توسعه داشت. دولت ایران در آن زمان به دنبال راه‌هایی برای جذب سرمایه‌های خارجی بود و در نهایت به سرمایه‌گذاری اسپانیایی‌ها در بخش نفت و گاز دست زد. این سرمایه‌گذاری‌ها در واقع به توسعه اقتصاد ایران کمک کرد و به دولت ایران کمک کرد تا به اهداف اقتصادی خود دست یابد.

پروژه بودجه سال ۶۰
 از نظر میزان افزایش بودجه در سال ۶۰، دولت ایران به دنبال افزایش بودجه بود تا بتواند به اهداف اقتصادی خود دست یابد. این بودجه‌ریزی در واقع به دولت ایران کمک کرد تا به اهداف خود دست یابد و به توسعه اقتصاد ایران کمک کند.

با سرمایه‌های اسپانیایی بود و می‌توانستند در آن حدود ۱۰۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری کنند. اما دولت ایران در آن زمان به خاطر محدودیت بودجه و مشکلات اقتصادی نتوانست این سرمایه‌ها را جذب کند. در واقع، اقتصاد ایران در آن زمان در یک وضعیت بحرانی قرار داشت و نیاز به سرمایه‌های خارجی برای توسعه داشت. دولت ایران در آن زمان به دنبال راه‌هایی برای جذب سرمایه‌های خارجی بود و در نهایت به سرمایه‌گذاری اسپانیایی‌ها در بخش نفت و گاز دست زد. این سرمایه‌گذاری‌ها در واقع به توسعه اقتصاد ایران کمک کرد و به دولت ایران کمک کرد تا به اهداف اقتصادی خود دست یابد.

با سرمایه‌های اسپانیایی بود و می‌توانستند در آن حدود ۱۰۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری کنند. اما دولت ایران در آن زمان به خاطر محدودیت بودجه و مشکلات اقتصادی نتوانست این سرمایه‌ها را جذب کند. در واقع، اقتصاد ایران در آن زمان در یک وضعیت بحرانی قرار داشت و نیاز به سرمایه‌های خارجی برای توسعه داشت. دولت ایران در آن زمان به دنبال راه‌هایی برای جذب سرمایه‌های خارجی بود و در نهایت به سرمایه‌گذاری اسپانیایی‌ها در بخش نفت و گاز دست زد. این سرمایه‌گذاری‌ها در واقع به توسعه اقتصاد ایران کمک کرد و به دولت ایران کمک کرد تا به اهداف اقتصادی خود دست یابد.

اقتصاد ایران از بحران به گجاهی رود...

درباره بودجه ۱۳۴۰

دیگر مدای همه در آمده بود
 است . بودجه ۱۳۳۵ دولت
 از جایی ، غیر غم انواع و اقسام
 توجیهات کویدکانه ای که
 استندین و بلندکوهای تبلیغی -
 تیشان بیکارگیرندگان روشن
 و با ررروندی است کدارتجاع
 جدید ایران بدرعامت باشد
 بهشتی و شرکاء سوی واسته
 کردانیدن هر چه بیشتر اقتصاد
 ایران به ایرلدرتیا و بخصوص
 امپریالیستیای غرب آغاز
 کرده اند . بیانیته الجزایر
 برای آزادی گروگانهای آمر -
 لیکایی که ما آنرا قرارداد سازش
 بزرگ با نیطن بزرگ نام
 نهادیم ، برای آنها که دیده سر
 واقعیات حرکت انحصار طلبان
 حاکم دوخته بودند عواقب این
 چنینی را پستی بینی سکردو
 امروز هم از این باغ سری میر -
 شد . قرارداد دبا شرکت تالیوت
 انگلیسی به مبلغ بیش از ۲۰
 ملیار تومان چند هفته پیش
 آشکار شد . اسناد خرید اسلحه از
 دول غربی و نقیبه تکیه بر قدرت -
 های استعماری در این زمینه
 ماهیات که بر ملا شده است ،
 بالا رفتن واردات در هتسه
 زمینه ها امروز واقعیت در دنیا -
 کی است که قلب همه را سردرد
 می آورد و اینک در بودجه جدید
 تکیه بیش از پیش به فروش نفت
 و با لطح افزودن واردات نشان
 دهنده آن است که ما با چه سرعت
 و شدتی بنوسط انحصار طلبان و
 خودکامگان حزب جمهوری و
 یاران نشان در قوای مختلف
 مملکتی بکام زدهای امپیر -
 یالیسم حیانی فرو می شویم
 واقعیت روندهای اقتصادی
 و سیاسی ماهیای اخیر محست
 این ارزیابی که جریان ارتح -
 عی رهبری کنند حزب جمهوری
 ایلامی و دولت کنونی امروز

به خواسته های اقتصادی
 - اجتماعی زحمتکشان
 جامعه شیوه واقعا
 دمکراتیک و انقلابی
 پاسخ دهد ، قادر به حل
 این بحران و التیام
 زخمهای گهنه جامعه ما
 نخواهد بود ، برای خا -
 تنه دادن به بحران
 اقتصادی جامعه میا -
 یست ابتدا رژیم شاه را
 سرنگون نمود ، دست
 امپریالیستیای غارتگر
 را از ایران کوتاه کرد
 و یک جمهوری دمکراتیک
 خلق بر اساس آزادی کا -
 دل گروهها و تشکلات
 سیاسی ، مذهبی ، مذهب
 برای کلیه اقشار
 و طبقات خلقی مبتنی
 بر آزادی بیان ، اجتما -
 عات ، مطبوعات و ...
 دایز نمود ، میا یست
 برابری کامل حقوق
 اجتماعی ، سیاسی و
 اقتصادی زنان سا
 مردان ... را تضمین
 نمود ، میا یست در
 زمینه اقتصادی دست
 به دگرگونی کلیه منا -
 سیات چپا و لگراهه وضد
 دمکراتیک موجود زده ،
 انقلاب ارضی را در دستور
 کار روستا قرار داده دست
 کلیه نوسسات غارتگر
 امپریالیستی ، سرور و
 کرات - کمپرادوری را
 از روستا و نام تشکون
 حیات اقتصادی میهن
 ما کوتاه نمود . میا -
 یست جنگلها و مراتع
 را ملی نمود و در روستا
 پستردا مرا اطلاعات رضی
 را بدست انحصان های
 منتخب توسط دهقانان

سپرد ، میا یست صنایع
 کلیدی و حیاتی جامعه را
 بنفع زحمتکشان و عموم
 خلق ملی نمود ، قانون
 کار دمکراتیک و عادلانه
 وضع نمود ، آزادی
 اعتصاب را تضمین نمود
 و نظارت بر امور کارخان
 نه ها را بدست کمیته های
 نظارت کارگری منتخب
 توسط کارگران سپرد ،
 میا یست با نکیه سا ،
 سیمه ها و سایر موسسات
 بزرگ مالی و زمینهای
 ملاکان بزرگ را ملی
 نمود ، ثروتهای ملی و
 بویژه نفت را بنفع
 زحمتکشان از جنگال
 غارتگران خارج نمود
 بطور کلی ثروتهای
 چپاول شده توسط امپیر -
 یالیستیای ، طبقات
 حاکمه و بویژه در بشار
 شاه خائن و اطرافیان
 آنها را بنفع مسردم
 مصادره نمود . و خلاصه
 کلام میا یست انقلاب
 دمکراتیک نوین را در
 کلیه شئون اجتماع ،
 سیاسی ، اقتصادی و
 فرهنگی بد پیش برود
 ساختن جامعه ای نوین
 را آغاز نمود .
 ("حقیقت" شماره ۲۴
 آذر ماه ۱۳۵۷)
 دوماه بعد یعنی در بیمن
 ۵۷ میل خروشان تاریخ در
 خروش خشمگین ملت بروجوباری
 سلطنت محمدرضا شاه را در هم
 کوبید ، اما ساختار بنکه حکومت
 واقعی زحمتکشان و اکثریت
 خلق در جامعه برقرار نشد ، شد
 تنها در بسیاری زمینه ها هنج
 گونه دگرگونی اساسی صورت
 یافته در صفحه ۲۴

اقتصاد ایوان ۰۰۰

بقیه از صفحه ۲۴

ناریدیکر بظرفی که ملت ما هدایت شده است قرار است که بازار ایران با کالاهای صادره، شرکتیای امیربالیستی انبار شود و بار دیگر بنام ایران (اگر موقعیت جنگی اجازه دهد) اطراف گاه کشتیها بی خواهد شد که محمولات سرمایه داران غرب را برای تخییر بازار ایران سرازیر میکنند. این نه تنها بنیانگرد ورنمایی است که بودجه، تاریخ ساز (۱) آقای مکتبی به ما وعده میدهد بلکه در عین حال از آنجا که با بلاهت محض در ارتباط است تنگناهای موجود در اقتصاد ایران و ظرفیت بنا در در شرایط کنونی تنظیم شده است هرگز نخواهد توانست به هدف های پیش بینی شده خود نیز دست یابد. بنا بر این در نتیجه این وضعیت بخش قابل توجهی حداقل ۱۰۰ میلیون تومان از ثروت های ملی ما بصورت سپرده ارزی در بانکهای امیربالیستی اسیر خواهد شد. و در اینجا است که دروغ بزرگی که تحت عنوان اولین بودجه نیکی تاریخ ایران تحویل داده اند بر ملا میشود. چرا که در همین رابطه ما شاهد یک حداقل ۱۰۰ میلیارد تومانی کسر بودجه هستیم.

اما در رابطه با درآمد های دیگر دولت، تکیه مستقیم آقای رجایی واریان و در رهبری حزب جمهوری اسلامی بر روی مالیاتهای غیر مستقیم یعنی مالیاتی است که دولت بر کالاهای مصرفی میکند. این مسئله

برویشی نشان میدهد که ما در سال آینده فشار بیشتری را در زمینه گرانی و تورم باید تحمل کنیم. بطور کلی تکیه بر سرمایه های غیر مستقیم همواره از خصوصیات دولت های وابسته به سرمایه داران و تجار بزرگ بوده است. مالیات های مستقیم و تنها عیدی که سرمایه داران بزرگ و مالداران مفتخوار را در جامعه به خطر می اندازد اما با در برنامه رجا بی جایی ندارد. جنبی سیاست اتکاء به فروش اوراق قرضه که از راه های سنتی بود رزوازی ملی ایران برای حل مشکلات در شرایط بحرانی بوده است، برای دارودسته حاکم در حزب و دولت مکتبی مقرون بمرغه نبوده است، چرا که ایمن سیاست محتاج دریافت مالیاتی از سرمایه داران بخش خصوصی میشده است که امروزه سازمان اقتصاد اسلامی و انوای مشابه آن در جامعه که بقول تنبلی در سال گذشته ۱۲۰ میلیون تومان سود برده اند از خود زسیام داران آن هستند، میشده است.

از این خطوط کلی در زمینه درآمد ها میتوان بسادگی ماهیت بزنا مه های اقتصادی دولت کنونی را در یافت. دارودسته بهشتی و حوزب و دولت دست نشانده آنها بر خلاف تصور شایع در باره ایما فل بهیچوجه نماینده خسرده بورژوازی و طبقات متوسط جامعه ما که نقش فعالی در انقلاب آزادیخواهان و استقلال طلبانه ایران داشته اند نیستند. آنها اگر چه از پاره ای کژ اندیشی های ریشخوار در اقتصاد رستی خرده بورژوازی ایران برای توجیه سیاست های خود دست و پا کردند متحمل توده ای سود میجویند اما در واقع بیانگریک ارتجاع بورژوا فکودالی - بوروکراتیک جدید در جامعه هستند که از زبان پاره ای از ملاکین و تجار شکل گرفته، سر قدرت دولتی و سرمایه ها و خزان دولتی مسلط

شده و اینک سرعت راه پیمایی بهاریان امیربالیستی را می بینیم.

پروسی بودجه سال ۶۰ از لحاظ هزینه ها

نگاهی به هزینه های بودجه ۱۳۶۰ نیز همین حقیقت را بار دیگر نشان میدهد. کارگران ایران بخاطر دارنده چگونه در سال گذشته سود ویژه و عیدی و پاداش آنها به پیمانده شرايط جنگی از جانب دولت مورد حمله قرار گرفت. بسیاری از زحمتکشان این جامعه در ارتباط با همین مرفه جویی های کذایی در مرفه های مختلف اجتماعی از کار بیکار شدند. ولی هزینه های دولت در سال آینده به ۳۳۰۰ میلیارد ریال یعنی بیش از ۱۰۰ میلیارد تومان بیشتر از مقدار هزینه سال ۵۹ بالغ میشود. مردم ما حق دارند بپرسند و باید بپرسند که این هزینه های نجومی برای چیست؟ آیا این نیست که کسه اینان میخواهند بخرج ملت دستگا و جیروت فاشیستی خود را مستحکم کنند. سخن بزرگان و توجیه گران دولت چنین می گویند که ما این هزینه ها مقصد ایجاد اشتغال، بالا بردن تولید و ایجاد رفاه برای زحمت کشان جامعه است. آنها مدعی است که دو نمونه بزنا مه بنسب "ج" در اصلاحات ارضی و سیاست ملی کردن بزرگانی خارجی را گواه بر این میگیرند که قصد برقراری "قسط" یعنی مساوات در جامعه و ضدیت با "استکبار" یعنی زور مندان و قلد رمنشان را دارند. اما آنها دروغ میگویند! دروغ می گویند چرا که دیدیم چگونه خود قلد رمنش ترین و "مستکبر تر" بین زمینداران و سرمایه داران را در کشف حمایت خود گرفته و به نماینده آنها تبدیل شده اند. نام اشال محمد یزدی و یوسف مانعی که یکی بنا بنسب

حزب حیدری در سمت سازمان دیگری از نمایندگان همین مشروعه جهان در شورای نگهبان قانون اساسی است در زیر پیمانهای که در آن احسرای اصلاحات ارضی و همین سند "رامنا فی اصول دین خودشان شمرده اند، بچشم میخورد (رجوع کنید به بیانیه علمای حوزه علمیه قم در رابطه با برنامه اصلاحات ارضی)، سیاست ملی کردن بزرگانی خارجی نیز برای اینان بجز انحصاری کردن واردات در دست خودشان معنای دیگری ندارد و آنها بهیچ روقصد ندارند که واردات را محدود کنند و درهای اقتصاد ایران را در مقابل هجوم کالاهای امیربالیستی ببندند. نمونه سازمان اقتصاد اسلامی که در هفته های گذشته نقش آن را بر ملا کرده ایم و نمونه همین بودجه کذابی که در باره مسئله واردات و نقش آن در اقتصاد بزنا مه ریزی شده در این بودجه سخن گفتم گواه این مدعی است.

این دولت نه میخواهد و نه میتواند که برای سردم و کارگران ایران اشتغال ایجاد کند و تولید را بالا ببرد و برای زحمتکشان رفاه و موقعیت اقتصادی مستحکم ایجاد نماید. نمونه سیاست های آقایان که امروز در دالانهای تاریک وزارتخانه های مکتبی تدوین میشود در رابطه با اشتغال جمعیت میلیونی بیکاران ایران پرده از ماهیت این آقایان برمیدارد. از یک طرف آقای فواد کرمی نماینده مجلس امریه تعطیل صنایع فولاد اهواز و بسیاری کارخانه دیگر میدهد. از طرف دیگر معاون فرماندار آبادان از صدام تشکر میکند که با بمباران صنعت نفت آبادان او را ندمرتح مستبد بین رادر بر انداختن نظام وابسته حاکم بر صنعت نفت بیاری داده اند. و ناگهان از طرف سوم قرار دادهایی که با

اقتصاد ایران

سابقه از صفحه ۲۵

شرکت انگلیسی تالیوت و ژنرال موتورز بسته میشود از حقیقت ماجرا برده بر میآورد. آری این اشتغالی است که آقا بیگان بدنیال آن هستند، اشتغال در صنایع مونتاژ و وابسته و این تازه یک گوشه ماجراست. خبر دیگری حاکی از آن است که قمارسال کارگران ایرانی به کشورهای دیگر از جمله لیبی (ولی نه محدود به لیبی) طرح دیگر سران مکتبی دولت برای حل مسئله بیکاری است. در رابطه با هر یک از این برنامه‌های خاشاکانه حق این است که مقالات مفصلی نوشته شود و لیبی نکته اینجاست که سفره‌ای که آقا بیگان دولتمردان باز کرده اند در حقیقت برای غارت همه شروتهای ملی ایران بتوسط بیگانگان گشوده شده است. و باز هم از مسئله بودجه کذایی و جایگاه آن در ایجاد اشتغال سخن میگویند! تجربه نشان داده و خواهد داد که چگونه برچمن ایجاد اشتغال برای کارگران کدایشان امروز برای توجیه این بودجه برافراشته اند در واقع تنها به ایجاد امنیت کذایی و سرکوب بیکارانی که برای کار به مبارزه بر میخیزند تبدیل میشود.

در بودجه کذایی صحبت از برنامه‌های رفاهی هم هست. چنین بنظر میرسد که منظور از این برنامه‌ها همانا ایجاد آن شرکت‌های خدمات روستایی و ستادهای مربوطه است که این روزها تبلیغ آن را رایج کرده-

اند. باید دانست که جدا قایان بخوانند و چه نخواهند مسئله اصلی روستای ایران مسئله زمین و آنهم نه تنها زمینهای با بهره‌یکه خصوصاً زمینهای دایر ملاکان بزرگ است. دهقان ایرانی برای زمین مبارزه میکنند و این مبارزه را کسب می‌خواهد و دومه نیروها را بسته موضوعی در ارتباط با حرکتی وادار خواهد کرد. کسانیکه این بودجه کذایی را سرانجام کار خود اعلام کرده اند با مدقعاتی سمد تومان به روستا نشان بالائی ضمت سال (۱) و افزودن سهمیه قند و شکر نخواهند توانست ضدیث بنیادی خود را با حیل مسئله ارضی - دهقانی در ایران مخفی کنند.

دولت رجا بی درزبینه هزینه‌های سال جاری اساساً استحقاق بخشیدن به مواضع دارودسته حزب جمهوری در عرصه‌های مختلف جامعه خواهد پرداخت و آنچه که در زمینه هزینه‌ها برای اختصاص دادن به مردم وسائل واقعی آنها در نظر گرفته شده جز همان زمینیه‌های انحرافی پیش گفته نبوده و آنهم هر روز محدودتر میشود.

چگونگی بکار گرفته شدن درآمدها و هزینه‌ها گواه مقاصد استبدادگرا نه اورتجاصیون است!

در ابتدای مقاله گفتیم که مدای همه درآمدها است. قضیه این است که بودجه کذایی با موابطی که در شمردها مطرح کرده است، در واقع میخواهد تا دست احصاء طلبان را در استفاده از اعتبارات به هر طریق که تشخیص میدهند باز بگذارد. مسئله نظارت و برنامه ریزی سازمان برآمده که کویا هنوز کاملاً در دست یانده بهیچنی و رکا، قرار بر کسسه

حکم‌های مالی دریافت شده

شمار	مبلغ	کد	نظام
اصفهان	۲۰۰۰	۵	صدیقه - ق
"	۱۰۰۰	۵	خ
"	۲۰۰۰	۱۰	م
"	۵۰۰	۲۰	ر
"	۵۰۰	۳۰	الف
"	۱۰۰۰	۱۵	ک - ی
"	۱۰۰۰	۱۰۰	ب
"	۱۰۰۰۰		رفیق و و همسر
"	۱۴۰۰		فریده
"	۲۰۰۰		رفیق دانش آموز
"	۵۰۰		مادر
"	۳۰۰۰		ب - ی
"	۱۰۰۰		ک - ف
"	۱۵۰۰		قریبتر - ن
"	۵۰۰		ب - ی
"	۲۰۰۰	۹۹	ب
"	۱۶۲۵۰		سپوش - ج
"	۱۰۰۰۰		مهری - ق ، مطم
"	۲۰۰۰		۴ نفر از رفقای کارگر
"	۲۰۰	۲۹۹	ب - ی
"	۱۴۰	۵۰۰	ا - د
"	۱۰۰۰		دانش آموزان دبیرستان

پاسخ سؤال هفته

متأسفانه زودتر از شما خواننده نیز هوش آقای دکتر با هنرپای سخ این سؤال را داده است و برنده شدند.

" مشکل عمده ما آنست که نیروی عظیمی اردان جنوبان متعهد (بخوان حزبی) ما در شیادها و انقلابی (بخوان حزبی) مشغول فعالیت (بخوان جماداری) میباشند. بازگشتی دانشگاه با بیدار کردن این نهادها آسبیبی وارد نشود." (جمهوری اسلامی - ۶۰/۲/۲۱)

بسیار متذکر دیگر حزبون بدانند از کافیه کار متعهد! ندارند و نمیتوانند در میان و شهر و روستا جمادار داشته باشند و هم در دانشگاه. انشا الله با استخدام جماداران جدید ساخت شوروی، سوریه و... برخی هم با مارک MADE IN U.S.A این مشکل عظیم نیز حل خواهد شد.

است بر چگونگی اجرای برنامه ها ندیده گرفته میشود و حتی قوه مقننه که اکثریت آن در شرایط کنونی آلت دست و ساجیره خوار حزب جمهوری است نیز بیاطرا نکه میکنند بدلیل وجود نیروهای مخالف در مجلس باعث گرفتاری شوند بدلیل همین ضوابط شمردها از رسیدگی محروم می شود. قضه روتن اسب و همگان ما بدان را درک کنند. سال ۱۳۶۰ سال تبعیض تکلیف است، جبهه مستبدین خاست بنده به سردمداری حزب جمهوری اسلامی در این بودجه کذایی در واقع میخواهد که زمینه را برای تحسین تکلیف ما همه اقتضار ملت فراهم یارد. اس بودجه تنها به وسیله یک دولت مستبد

و منمتر که هر مدای آزادخواه ها نه و استقلال طلبان به ای رادر نطفه خفه کنند امکان اجرا شدن خواهد داشت و در صورت هم حتی با مشکلات بسیار مواجه خواهند بود. بنا بر این اسبیدان جوان ناچار به تبعیض تکلیف میشوند. اما مردم هم با بد خود را برای تبعیض تکلیف آماده کنند. دارودسته استبدادگر خیانست سینه ما بد در صحنه است ایران با مبارزات بوده ها در هم کوبیده سودا را در برای ادا بد انقلاب ایران با نکرده. بودجه کذایی سال ۱۳۶۰ یک مدرک جرم دیگر است و ما سوی دادگاه میبایست دادگاه عدالت خلق به پیش میرویم.

نامه یک پاسدار به نشریه حقیقت

پاسداران، سربازان و رزمندگان مسلح کشور را انجام هم بردشمنان میاجم وهم بسر خیانتکاران داخلی ناشق خواهند آمد.

اردیبهشت ماه ۱۳۶۰، در محل یادگان نصر

من پاسداران انقلاب بودم و از اول انقلاب در کمیته فعالیت داشتم. پس از دو سال پاسداری بعدنا مه ای آمد که برای مصالحه و متحمان اشدلوزی (ایدئولوژی) سه کمیته مرکز را جمع کنیسد در تاریخ فروردین، بعد من رفتم کمیته مرکز و در راه باده با سئوالهایی که میکردند سعی میکردند که تفتیش عقاید کنند در صورتی که خود آنها گفته بودند که در اسلام تفتیش عقاید نداریم در صورتی که سئوالهایی که از من میکردند مثال که نظر شما راجع به بنی صدر چه؟ و نظر راجع به آخوندها چه؟ در زمان شاه چه طرز فکری راجع به آخوندها داشتی آنها را بصورت یک روزه خان (روژه خوان) نگاه میکردی یا نه؟ گفتم که آخوندها را بصورت یک روزه - خان نگاه میکردم... بعد قبول شدم. من را برای اشدلوزی و نظامی به یادگان نصر فرستادند و در کلاس بحث آزاد راجع جنگ سئوال کردند که گفتم اگر اسلحه در اختیار توده مردم قرار دهند هیچ کشوری یا دولتی نمی تواند بر آن حکومت کند که بعد گفت حالا بنشین سمد راجع آن صحبت میکنیم.

راستی در این یادگان در حدود ۲۰۰ نفر تعهد (تحت تعلیم) قرار داشتند در حدود هفتاد نفر بنی صدر را قبول داشتند و در حدود ۸۰۰ علاه (الی) ۹ نفر اصلا با این حکومت مخالف بودند که یکی از آنها خود من بودم و در حدود ۱۲۰ علاه ۱۴۰ نفر

نامه زیر را اخیرا یکی از پاسداران انقلاب اسلامی که سرتاسر است انحصار طلبانه و تحملات فاشستی روحانیون مشروعه چی و حزب ارتجاعی حاکم در کمیته ها از شناسل پاسداری استعفاء داده، به اتحادیه کمونیستهای ایران نوشته است. نامه این برادر انقلابی پاسدار مدرك زنده ای است که نشان میدهد که چگونه حزب جمهوری اسلامی و عوامل خیانتکار آنها در کمیته ها میکوشند جوانان پاسدار را بعنوان نیروئی علیه مردم و انقلابشان سا زمان داده و به آلت دست انحصار طلبی خود تبدیل کنند. ما ضمن آنکه به این برادر پاسدار را مطمئن میدهم که اتحادیه کمونیست های ایران همچنان و علیرغم اخلاک گراییها و کار شکنی های ملایان مشروعه چی و حزبی های خائن در جبهه های جنگ به وظایف ملی و میهنی خود در کنار رزمندگان دلیر جبهه ها در حراست از آزادی و استقلال و تمامیت ارضی وطن عمل خواهد کرد و با بیعت تجا و زگرو اربا باش خواه جنگید، از او و از همه عناصر انقلابی، میهن پرست و پاک سرشت در سپاه پاسداران میخواهیم که صرفا به کناره گیری و مخالفت منفعل با این دشمنان نورسیده، انقلاب بسنده نکرده بلکه مشکل شوند، همچنان سلاحهای خود را که سلاح های مردم است نگهدارند و در اتحاد با توده های ملت و انقلابیون واقعی کشور خویش در برابر بسط حاکمیت جهانی این دارودسته خائن و تبهکار فعالاندا ایستادگی نشان دهند. مردم ایران با همراهی شما

حزبی بودند، برای این آمدم بیرون چون آنها میخواهند کمیته ها را بصورت یک یادگان در بیا و برند و آنها را سا زمانند. هی کشندا در موقع تظا هرات ویا راه پیمائی به خیابان ها سرزند و مردم را بکشند و من نمی توانستم در یک محیط آنچنانی با هم بیرون آمدم.

من پاسداری بودم معتقدیه مردم و به ملت بسودم و میخواستم بیروم جنگ با عراق که بوسیله آمریکا با درمیان گذاشته است و فقط برای حفظ آب و خاک عزیزان و آنها

افرادى را میخواهند که عین خودشان باشد فقط معتقدیه آخوندوسی در آن کنند که فقط آنها را بر سر پا نگاه دارند و به همین دلیل نپذیرفتند که به جنگ بروم.

من از شما و از سا زمان شما انتظار دارم که برای حفظ خاک وطن با این رژیم صدام سرسپرده آمریکا مبارزه کنید و در آن جنگ تحمیلی بصورت فعال شرکت کنید تا یک درسی به صدام و به ازبا نشان داده شود و دیگر جرئت به خود ندهد تا به هیچ کشوری حمله ببرد.

آوارگان ...

ستبه از صفحه ۱۶

سقف و پنجره های آن پوشیده نشده و کف آنها نیز هنوز صاف نگردیده است، ساکنان آن اکثرا از زحمتکشان عرب روستا های اطراف خرمشهر و آبادان و همچنین زحمتکشان عرب شهرهای آبادان و خرمشهر میباشند و در وضعیت بسیار بدی قرار دارند، حقوق بگیر نبوده و در شرایط فعلی هیچگونه درآمد و منبع مالی ندارند، از آنجا که روستا های آنها زودتر از همه جا مورد تجاوز قرار گرفته اکثرا کوچکترین وسایلی از زندگی خود را به همراه نیاورده اند و در حال حاضر وسایل اولیه زندگی یک خانه فقیر روستایی را نیز ندارند. دولت به اصطلاح " قاطع " و مکتبی آقای رجایی با این همه هدا یا و کمکهای مردم ایران به آوارگان تنها امکاناتی که در اختیار این آوارگان زحمتکش قرار میدهد و امروزه شب و روز به اصطلاح خوراک تبلیغاتیشان شده است در هر ماه بهر نفر آذوقه زیر را " هدیه " میدهد.

- ۱ - یک کیلو خرما، ۲ - هر نفر ۴۰۰ گرم حبوبات،
 - ۲ - ۲ کیلو برنج، ۴ - ۳ کیلو آرد و ۲ کیلو بویا زوسیب زمینی اگر " لطف " کنند و هر چند ماه یکبار پنیرویا تخم مرغی از مرکز ارسال " فرمایند " ۴۰۰ گرم به هر نفر میدهند.
- یعنی در واقع کل خرج دولت برای یک نفر جنگزده که به اصطلاح تحت پوشش " دولت " قرار دارند با نرخ بازار ۶ تومان در ماه میباشد که این مبلغ برای خود دولت بیش از ۲۰ تومان خرج نخواهد داشت. حال آنکه کسی که هیچ کار و درآمدی ندارد با این مبلغ و میزان چگونه زندگی باید بکند و چه وضعیتی خواهد داشت؟ درک درست این وضعیت با آنها بی خواهد بود که با دیداری از وضع هموطنان آواره بنما بیند و تصور نیسوه ای از زندگی روستایان کشور ما باشد.

اینجا دیگر مسئله اینست که چه دوست داریم بخوریم و کدام خوب است نیست، مسئله این است که چگونه شکمان گرسنه نمائند؛ در گرهای سوزان و طاقت فرسای اینجا از کولروپنکه که

دستمزد...

بقیه از صفحه ۲۰

کا زرما یا ن بعنوان مبلغی که در ازا پیروی کار کارگران با بدبیردا زندمیشما رند؟ پس چگونه بعد برای ودلخواه وقتا تون و مصوبه من در آوردی بخشی از این دستمزد را بالا میکشند و اعتراض بد این عمل متقلبا نه را ضا انقلابی میخواهند؟

از دیادساغات کا روا زدیاد شدت کا رنوع دیگری از تقلب و کلاه برداری سرما یه داران میباشند، کا زرما بان چون نیروی کار کارگران را در مقابل دستمزد میخرند، سعی میکنند با بهره برداری هر چه بیشتر از نیروی کار در طی روز، حرص و طمع بی پایا نشان را با استثمای هر چه بیشتر بر آورده کنند. اضا فککاری اجباری با شمار مردم فریب نجات میهن از نا بودی اقتصادی، بدون پرداخت یکنواهی اجرت یکی از این نمونه هاست. اگر

کا روتلاش کارگران که همیشه یک چنین زندگی افتخار آمیزی داشته اندا شرونتیجه ای هم بر زندگی رقت با را ایجاد داشت و با لاقیل آینه ده روشن وامید بخشی را نویدمیداد، کارگران بی سروبر گردیا جان ودل در این راه گام برمیداشتند ولی اگر قرار با شده دیگران میلیاردها تومان بالا بکشند و سهم کارگران لغو بخشی از دستمزدشان بنا مودویژه باشد، با یستی در خبا شت و متقلب بودن دست اندر کاران حکومت مطمئن بود، از دیاد شدت کا رهم با افزایش دورما شین آلات، رقابت ممنوعی انداختن بین بخشهای متعدد تولید، و پرداخت اجرت در ازا تحویل تعداد مشخص از تولید، در اغلب کارخانجات ادا مه دار و کارگران از روی ساده دلی بدام این تله هائی که عفریت مرگ و فرمای جان و روان در آن نهفته است میافتند.

ایجاد تورم و گرانی وسیله دیگریست در دست سرما یه داران برای استثمای کردن و چاپیدن هر چه بیشتر کارگران. وقتی میگوئیم تورم موجود آمده یعنی اجناس نسبت بگذشته در بسیار گرانتتر شده است. یعنی ارزش پول وقدرت خرید پائین آمده است. اگر دیروز با ۱۰ تومان یک کیلو پرتقال میشد خرید امروز با همان پول نیم کیلو هم نمیشود تهیه کرد. کا زرما بان در مقابل فروش نیروی کار کارگران جنس و ما یحتاج زندگی پرداخت نمیکنند. آنها کا غزی بدست زحمتکش میدهند که فامش پول است. این پول مثل حواله سیماند، با دادن این حواله بدست فروشندهگان نیا زمیندییای زندگی با یستی تا مین شود، ولی فروشنده اجناس را از کجا آورده؟ مسلمانیک عمده فروش و یا تا جرا زهمان کا زرما های کا رخانجات اجناس را خریده و تحویل فروشندهگان داده است. اگر کا زرما ها اجناس تولید شده را اگران بفروشند و بعد تاجا رواسطه ها، وعمده فروشیها چندین مقابل روی قیمت اجناس بکشند چه میشود؟ معلوم است جنس گران میشود. یعنی حواله کا زرما کمتر ارزش پیدا میکند. تجار و فروشندهگان کا هی اجناس را نا بود کرده و یا پنهان میکنند تا جنس در با زا ر کم بشود و با طرنیا ز مردم و هجو میکه بخا طراحتیما ج برای خرید میآورند، قیمتها را بالا ببرند. یعنی در حقیقت سرما یه داران با این حقه بازی زیرکانه دستمزد کارگران را کم میکنند. مثلا اگر یک کارگر استان رلایت ۸۰ تومان حقوق بگیرد

وقیمت هر حقیقت: ورا ب ۸ تومان با مدیسی در دستمزد در استان رلایت در مقابل فروش نیروی کارش ۱۰ جفت جوراب روزانه تحویل گرفته است. حال اگر در اثر تورم و گرانی جوراب را فروشندهگان ۱۶ تومان بفروشند یعنی همان کارگر در ازا ۱۰ همان نیروی کار، فقط ۵ جفت جوراب تحویل گرفته است. پس بقیه جورابها چه شد؟ بقیه با مبارک کا زرما ودلال واسطه، وعمده فروش وغیره رفت. مسلمان کارگران بخاطر فشار یکدیگر بعلت گرانی و تورم به آنها تحمیل میشود روزی دست به مقاومت و اعتراض میزنند. تنها حربه کارگران هم در استدای اعتراضها و مقاومتها، بصورت اعتصاب یعنی دست کشیدن از کار است. آبات عظام و سلسلین مکتب مستضعفان کذایی این عمل به حق را که در حقیقت مقاومت برای زنده ماندن و زندگی کردن است را حرام میدانند. توده ایهای وطن فروش خاشن هم با اکثریتهای ایسن حرکت انقلابی را ضا انقلابی و همپای با آمریکا میدانند. حال شما خودتان قضاوت کنید که چه کمکی حامی دشمنان مستضعف و کارگران است و چه کسی طرفدار واقعی حقوق زحمتکشان؟ حزب توده با افتخار در صفحات کارگریش با تیترو درشت می نویسد "اعتصاب و تحمیل حربه ضا انقلاب است"

ادا مه دارد

آوارگان در آغا جاری...

املا خبری نیست هیچ، اکثرا سابه بانی هم بر سالی سرندارند، و بهدا شت ونظافت هم همانقدر است که برای هر چند خا نواده در چند متری دور از خانه شان یک شیر آب گذاشته اند که با بدلیس و نظرف و دست و رووتامی نیا زمیندییای خود را بوسیله آن رفع نمایند و زهر آبهای ناشی از مصرف آب محوطه را به با طلاقسی تبدیل نموده است که بعلت گرما و انبوه حشرات و بیوی ناشینی از آن تقریبا میشود گفت که هوا بوی ضد عفونی است. با دهای گرم و طوفانی که اینجا بعضی اوقات با آن روبرو میشویم و گرد و خاک ناشی از آن ساختن آنها را مدتها میبوشاند بلکه اگر گلیمی هم باشد که اکثرا بیست به هوا خواهد ببرد، کودکان زحمتکش عرب که امروزه اگر همه چیز کم است خوشبختانه آنها بتعداد کافی میباشند در گل ولای روز را به شب میرسانند. البته هیچ کاری که بتوانند در آمدی برای زندگی آنها تا مین کنند موجود نیست ولی به " لطف " دولت آقای رجایی وستا دحزبی جنگ تمامه ای اوقات روز را در این هوای گرم با بد در صفهای طولیل که امروزه بقول یکی از همین آوارگان بهترین حرفه وصنعت مردم ایران گذشته است برای گرفتن همین مقدار نا چیز کم کذایی دولتت بگذرانند و اینجا لهایی که این صفها براه میاندا زندوا عصاب کشی ناشی از آن " تفریح " روزانه و زورگوئیها و " خوش زبانی " به اصطلاح مسئولین را میتوان از بر نامه های " تقویت " روحیه این هموطنان عزیز دانست.

آنها آوارها اندا ز روستا و شهر و کا شانه، خویش ولی متعهدند درقبال تمامی میبوی عزیزان، آنها سیر کردن شکم بچه هایشان برایشان مسئله گشته است ولی هنوز با محبت پذیرای مهمان هستند. ای هموطن و این را از سر زندگی پاک و صادقشان آموخته اند و آموزشگاهشان مزارع رنجشان بوده است، ظا هر بین میباشی ای هسولایتی که جا مه های کهنه و پارها شان و سروروی بهراز گردوغا کشان نمیتواند در با یی از عا ظفه و محبت و انما نیست قلبهای بزرگشان را بپوشاند. آنها در زیر سخت ترین فشار زندگی هستند ولی تصمیم قاطع دارند آخرین وجب سرزمینشان را با زستانند، آنها در زیر فشار روحی هستند ولی ایمانی قوی

بدنبال توقیف ۱۰ ماشین دیزل حامل خواروبار و آذوقه در نزد یک روستای ایران‌شاه (بین دیواندره و سنز) توسط پاس-داران که به مقصد سنز در حرکت بود، با زاریان سقز ضمن بستن دکان و با زاری و آزار و اذیت اجناس توقیف شده و همچنین با زدن راه سقز - میانندوآب (راهی که آذوقه و ما یحتاج عمومی مردم سقز از آن سربسته و رزانترا می میگردد) میگردد. دلیل پاسداران برای متوقف کردن اجناس مزبور گویا حمل آنها به بیگان و برای پیشبرگان بوده است. در تاریخ ۶۰/۲/۱۵ با زاریان پس از دوروز مقاومت برای رسیدن به خواسته ها بیشان مورد حمله جا شها و پاسداران قرار میگیرند. طی این تهاجم پاس-داران و جا شها قفل ۱۰ سفار را شکسته و حدود ۹ نفر از زاریان را دستگیر مینمایند. در پی اوگیری اعتراضات مردم در همین روزها ماشین های حامل آذوقه و خواروبار بطرف سقز حرکت میکنند.

۶۰/۲/۱۵

بعد از ظهر این روز یک کاسکا روستایی (اهل یکی از روستاهای اطراف سنز) در حال بیکه پای پیاده بطرف بوکان در حرکت بود و مقداری جنس جهت فروش در بوکان با خود حمل میکرد. در همین راه مورد تیراندازی افراد دمکرات قرار میگیرد. روستایی می ایستد و به تفنگچی های دمکرات اعتراض میکند، تفنگچی های مزبور با قیافه ای حق بجانب از روستایی مزبور میپرسند: "چرا به صدای ایست توجه نمیکنی؟" روستایی در جواب میگوید که صدای ایشان را نشنیده است، اما آنان با بنای بی توجهی، روستایی را ۴۵۰ تومان جریمه میکنند و بدو میگویند این فقط پول فشنگها نیست که بخاطر شما هدر رفته است.

توضیح: دمکرات و نیروهای دولتی از عبور ماشین در جاده سنز - بوکان جلوگیری میکنند و وسایل نقلیه ناگرمیرا ز جاده های خاکی و دور دراز این مسافت را طی میکنند و در نتیجه ۴۰ تومان کرایه میگیرند. افرادی نظیر روستایی مزبور که معمولا آه در بساط ندارند و مجبورند پای پیاده و از جاده اصلی اجناس خود را به بوکان حمل کنند.

۶۰/۲/۲۳

از ساعت ۹ بعد از ظهر شهر سقز مورد حمله میگهای متجاوز عراقی قرار میگیرد. پدافند هوایی بکار میآید اما نمیتواند این حمله را دفع کند. در طی این تهاجم که حدوداً پانزده دقیقه بطول انجامید یکی از بیگانه های نظامی بمباران میگردد که از سیران تلفات آن اطلاعی در دست نیست.

۶۰/۲/۲۵

در این تاریخ فردی بنام ضریفچور که نما بنده سیاه دین است در آن آموزش و پرورش سقز میآید، به جرم همکاری با ساواک متحمله دستگیر میگردد.

۶۰/۲/۲۵

آموزش و پرورش سقز طی اطلاعیه ای خطا به کارمندان و معلمین مدارس خطا میکند که در صورت برپا شده تظاهرات در مدارس آن، "آماده به خدمت" خواهند شد.

یک درگیری محدود بین کومه له و دمکرات، در حالیکه کومه له مشغول نقل و انتقال برده، رخ میدهد. دمکرات پس از اطلاع از نقل و انتقال کومه له به کمین اش نشسته و بسویش آتش میگذارد. طی این درگیری کومه له کدیک تانک معادری همراه داشته، آثار منجر کرده و بدرد میآید. در نتیجه این درگیری یک پیشمرگ کومه له و یک تفنگچی حزب زحمتی میموند.

۶۰/۲/۱۷

دو میگ و جها رهلی کویتر منحا و ز عرافی به زندان حسرت دمکرات "دولت تو" واقع در اطراف سردشت و مرز ایران و عراق حمله میکنند. در جریان این حمله نا جوان مردانه بیش از صد نفر از زندانیان بی دفاع (ارتش، پاسدار، جهادی و...) کشته و متجاوزان دو بیست نفر زخمی میگردند. دمکرات ادعا میکند که چند تن از تفنگچی های بی (که اساسی آنان را نیز اعلام کرده است) کشته شده اند. سازمانهای سیاسی منطقه، دفتر عزالدین حسینی و خود دمکرات این حمله را محکوم نموده اند.

قروه (سنندج) - ۶۰/۲/۱۷

روستای شاه نه و هره که سه تقریباً در ۲۰ کیلومتری قروه است یکی از معلمین سازنده نشرای مقدماتی سنندج که اهل قروه است به اسم هوشنگ حنیفی در اما بت دو گلوله بشهادت میرسد (یکی به مغزش و دیگری به شکم وی صابت میکند). قضیه بدین قرار است که روزی شب هوشنگ که میخواست با موتور سیکلتش به قروه برگردد در نزدیکی روستای شاه نه و هره موتورش در گل گیر میکند و در این میان آهوی پاسداران سربسته و ایشان را هم می شناختند. بحای کمک به وی، او را کشته و جنازه وی را از سر جاده به ۱۵۰ متر آن طرف تر میبرند که کسی جنازه شهید را نمیند. هوشنگ را از زبان کسانی که او را می شناختند، فرد مبارزی بوده و همیشه زحمتکشان روستا ها کمک کرده و او را بعنوان راهنمای خودشان قبول دارند. وی از رفقای هوشنگ میگفت که او را در قروه با زداشت کرده بودند ولی چون مدرکی نبوده بود آزاد کرده بودند. تا این چنین روزی بیش میآید و تا حالا شبکه رفقا بش میگویند هوداها! را زمان چریکهای اقلیت بوده است.

سنندج - ۶۰/۲/۲۳

دانش آموزان دبیرستان دخترانه مستوره اردلان به منظور سازگردانیدن پنج نفر از دانش آموزان اخراجی این دبیرستان کلاسها را تعطیل و به خواندن سرود و دادن شعار میپردازند. تعداد آنها حدوداً بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ نفر بود. پس از یک ساعت معاون سرپرست آموزش و پرورش (فروتن) به مدرسه میآید. دانش آموزان خواهستهای خود را مطرح میکنند، پس از دو ساعت بحث و جدل فروتن پیشنهاد میکند که هر کلاس یک نما بنده بفرستد تا با آنان بحث شود که از طرف دانش آموزان با این پیشنهاد موافقت میشود. اما بحث ها به نتیجه ای نرسید و حرف آخر آنان این بود که "دانش آموزان اخراجی به مدرسه باز نخواهند گشت."

آوارگان...

و همچون گویا ستواردا رند، مطمئن باش خدایشان سطنخیا نسسی سیدل خواهد شد که غاملان تها و زرا سرکوب: ناگهان مستبد را جا روپ بنمایند. در باره وضعیت آنها سعدها بیشتر خواهد نوشت.

به بدنتل از نشریه "مقاومت جنوب" را خبار جنگ و جنگزدگستان شماره ۱۰، ۶۰/۲/۲۵ - نشریه "مقاومت جنگ جنوب" اتحادیه کمونیستهای ایران

بنیاد ز صفحه آخر

اگر چنین است پس بولهای هنگفتی را که سرمایه داران، تجار و اردکننده، واسطه ها، عمده فروشها، ودالینها به حساب زده اند و میرند از کجا میآید؟ زحمتکشان این واقعات را میبینند و می شنوند، زحمتکشان این گراسی و تورم را می بینند و هر چه بیشتر فقیر شدن و ناتوان شدنشان در خرید استدایی ترسشان ما بحتاج زندگی را با پوست و گوشتشان حس میکنند، زحمتکشان هم روزی می بینند که کارورنج و فقر سهم میلیونها انسان شرافت مند میشود و شروت و مقام و حکومت و قدرت بصیب یک مشت جنایت - کار دغلیان.

رینه دغلیکاری و فریب، در انگیزه شوم سرمایه داران برای هر چه بیشتر استثمار کردن و چابیدن زحمتکشان و سیاست دولت - مردان حامی آنها نهفته است. در جوامع سرمایه داری و سادار جوامعیکه سرمایه داران در آن رشد و زوال فزون کرده ولی هنوز بقایای سیستم های بهره کشی فئودالی در آن باقی است، کارگران و زحمتکشان با یک ناله هراسناک زیر کانه شدید استعمار میشوند. یک انسان شرافتمند که نیوه مفت خوری و استثمار در قلموش نیست، برای تامین ما بحتاج اساسی زندگیش مجبور است کار کند. قرنیه است، مفهوم کار و برآورد کردن نیا زندگی های زندگی شکل اجتماعی بخود گرفته است. هر کس در روشندای بخصوص شخصی و تجربه یافته و در همان زمینه تجربه و تخصص مشخص به امر تولید مشغول است، کارگران کفش بلا برای حاشه کفش تهیه میکنند، کارگران ماشین سازی اراک و تبریز، ماشین آلات صنعتی میسازند، کارگران استارلابت ساخته دستشان جوراب است. یکی ساور و جاق کجا زوبخاری میسازد و دیگران با کار خود بخش دیگری از احتیاجات جامعه را تامین میکنند. خلاصه کلام، کار و تولید و برآورد کردن احتیاجات انسانها برای زندگی، شکل اجتماعی و مرتبط بهم گرفته است. برای کار کردن ابزار تولید لازم است. یک چکش و یک بیل، ابزارهای کار ساده هستند. امروز با پیشرفت جوامع و سه همت تلاش و کوشش کارگران و متفکرین و صنعتگران، ابزار تولید صورت بیشتری پیدا کرده است. دستگاها بیجیده اتوماتیک، کارخانهجات عظیم تولیدی، زمینها، معادن و هزاران ابزار کار ساده و بیعرج همه ابزار تولید هستند. این ابزار در اختیار مالکیت همد نیست. این ابزار در اختیار مالکیت عده محدودی از افراد جامعه میباشد. البته بخشی از این کارخانهجات و معادن و زمینها مثلا دولتی و بانلی است. ولی سیاستهای خاصی برای بکار انداختن، گرداندن، و بهره برداری کردن در آنها اعمال میشود که در نتیجه، و باطن امر، مرفق چندانی ساختن خصوصیت پیدا نمیکند. پس میلیونها انسان برای ادامه زندگی مجبورند کار کنند و دولتی اسرار کار و تولیدند از زیر این اسرار در مالکیت و اختیار عده محدودیست. سرمایه داران و با صاحبان ابزار تولید محتاج کارگرانند. زیرا بدون کارگر هیچ چرخ و ماشین قادی کار نیست. کارگران هم برای کار محتاج ابزار تولید هستند که متاسفانه این ابزار از روزگاری دار سرمایه مالک و صاحب، دارای یک کارگر فقط قدرت بدنی و ذهنی

اوست. ذهن او با بسند، ساز و سحر و سحر، و بدن او هنگام کار دستگاها و ماشینها با بهره گیری از ذهن یکمک ابزار از مواد خام انواع و اقسام تولیدات را سازد. این قدرت بدنی و ذهنی کارگران که تنها دارایی اوست، نیروی کار نامیده میشود. میلیونها کارگر و زحمتکش برای ادامه حیات و سدیل احتیاجشان سرمایه را تولید میجویند و سرمایه داران رهنه و سرمایه را آنها کار میکنند. سرمایه داران، سیاست، قانون، و هدیه شوم خود را دنبال میکنند. سرمایه داران وارد یک معامله با برسان میلیونها انسان مجبور و محتاج میشوند. سرمایه داران نیروی کار کارگران را در مقابل مبلغی تعیین میکنند. این مبلغ دستزد نامدارد. هدیه سرمایه داران است و با بیدن و سرمایه اندوختنی است ولی بخاطر احتیاجش به نیروی کار کارگر مجبور است کارگران و مسل آینده آنها را در حداقل وضعیت زنده نگاهدارد. دستزد هم، هر قدر مبلغ عدیدیت کم و زیاد باشد فقط همین حداقل زندگی را برای کارگران و خانواده اش تامین میکند و نه بیشتر. دستزد در گذشته بیست و چند تومان بود ولی امروز ۶۳/۵ تومان است ولی وضع زندگی رقت بار کارگران چندان تغییر نیکرده. حداقل زندگی هم با گذشت زمان و بیشتر فساد اجتماعیات مثلما تغییر میکنند. امروز دیگر در غار نمیشود زندگی کرد. برای زندگی در شهر سربانی لازم است. آن حداقلی که سرمایه داران برای کارگران در نظر گرفته اند حفره ها نیست بناهای زورآبادها و جلسی آبادها که در گوشه و کنار شهرها به وفور یافت میشود. تازه اگر این شیوه زندگی فلاکت بار هم با قانونشان جور در نیاید، آنرا هم مثل شمیران نو و گرم دره بر سر کفشان خراب میکنند. امروز حداقل زندگی، بهداشت میخواهد، وسیله ایاب و ذهاب میخواهد، مدرسه و درمانگاه میخواهد، لباس و پوشاک مناسب میخواهد، غذا و خوراک شخص میخواهد، و خانه و کاشانه ای با مشخصات بسببی میطلبد که البته همه در حد ضرورت و خیلی محدود و بنا بر احتیاج زحمتکشان میباشد.

پس کارگران در یک معامله با سرمایه داران و با شرایط و فوایدی که سرخرهای ابزار تولید متخص میکنند مسلنی که حداقل زندگی را تامین میکنند بعنوان دستزد دریافت میکنند. دار و ندار یک کارگری از یک روزگار همین دستزد است. سرمایه دار سیر طریق که دلش سخاوت ز نیروی کارگر در عرض بسک روز استفاده میکند. البته کارگران جیان در اثر مسازات چند صد ساله نتوانسته اند تا حدی به لحاظ مگسختگی و قوانین و قوا عدفد اساسی کارفرمایان افسار بزنند. از آن جمله قانون ۸ ساعت کار در روز است. امروزه در ایران دستزد کارگران را یک خانمی بردازند. کارفرماها با حیل و گری دستمزدها را تکه تکه کرده و هر تکه را نام گذاری کرده اند. یک تکه نامش سود ویژه است، یک تکه حق ممکن است، یک تکه حق اولاد است، یک تکه حق خوار و سار است و یک تکه هم با دای و عیدی نامیده میشود. سیاست سرمایه داران از این تکه تکه کردن دوجیز است. اولاً - بدکاران منت میگذارند که مثلا آنها بفکر عبودیت و وزن وجه کارگران هم هستند و با آنها کارفرما نسوده بلکه تریک کارگران میانشند و در حد توانانی در اجاره خانه و خورد و خوراک به کارگران کمک میکنند و ثانیاً - با یک چنین حیل و گری بخشی از دستزد را که سسای نامیهای مختلف با سنت سیرت دارند، هر وقت متقاضیان کنند بعنوان حری سیرت دستزد نمی بردازند. مگر این چنین نیست که وقتی کارگری میخواهد استخدام شود همدان اجزاء دستزد را

شماره آخر
 میستران ...

انترناسیونالیزم کنش - دوم
 می مانند اجزای که اکنون
 ساد احزاب سوسیالست
 مختلفند. این احزاب
 اردوران طولانی پیش - یعنی
 ما تحول سرمایه داری به
 امپریالیسم و منحصراً آغاز
 جنگ جهانی اول - آلمان
 سوسیالیسم و طبقه کارگر و
 خلفای محروم جهان را رهبر
 کردند و به اردوگاه امپریالیسم
 پیوستند. به احزاب بورژوا -
 امپریالیستی بدل شدند.
 با حفظ استرنا سیونال دوم
 و احزاب منسکله آن با است
 بروزیکی از بزرگترین
 استعابات در درون جنبش
 سوسیالیستی کارگری گردید.
 بخش انقلابی آن بدره سری
 السین بر راه انقلاب سوسیالیسم
 و کمونیسم وفا دار ماندند و
 بخش ارتعاشی آن در تکان
 خود به احزاب بکدمت بورژوا -
 امپریالیست بدل شدند.
 فرانسوا میتران رهبری از
 همین احزاب بورژوا امپریا -
 لیستی، با نقاب سوسیالیسم
 است. دیگر احزاب متا به حزب
 سوسیالیست فرانسه در ما بزرگ
 کمورها با راه به قدرت
 رسیده اند: حزب سوسیال
 دموکرات آلمان بدره سری
 و ملی سرانت و هلموت اشمیت،
 حزب کارگران انگلستان که بسیار
 زودتر از همه! این احزاب به
 اردوگاه بورژوازی انگلستان
 پیوست. حزب سوسیالیست
 اطریش بدره سری و رونو
 گرایکی، حزب کارگران اتریش
 بدره سری کله ما بروتمون

بروز... بنا بر این فرانسوا
 میتران یک جنبش "نوی العاد"
 است، فقط پس از پیش از صد
 دهه یک حزب بورژوازی
 جانشین یک حزب بورژوازی
 دیگر در فرانسه گردید. از این
 "سوسیالیست"ها در همه
 کشورهای با است می شوند. در
 ایران هم بودند و هستند با حد
 بنی احمدیکی! رهنمون
 "سوسیالیست"ها "سود، حرب
 نوده هم - السنه بارنسک و
 روشی دیگر - از همین "سیر -
 سالیست"ها و "کمونیست"ها
 است. مارکسیست های واقعی
 و خلقیای جهان را رویه کاری
 ها ترسب نمیدهند.

مواقع فرانسوا میتران
 در مورد مسائلها دکتونسی در
 سطح سوسیالیستی ما هیست
 واقعی وی را بر ملامی سازد.
 وی نیز مانند سزار دران
 "سوسیالیست" در سایه
 کشورها از سر سخت ترین
 مدافعان رژیم امپریالیستی
 اسرائیل است. وی در این
 مورد حتی کوی سخست را از
 والری ژسکار دستن نیز
 بریده است. بطوریکه مناسخ
 بکین از انتخاب وی اظهار
 خوشحالی و رضایت نموده است.
 تنها همین نکته کافی است تا
 بی به ما هست وی برده شود.
 فرانسه چنین "سوسیالیستی" را
 در ۷ سال آسده در راه امور
 خواهد داشت!

**علت اصلی انتخاب
 میستران چه بود؟**
 علت پیشی گرفتن
 فرانسوا میتران بر والری
 ژسکار دستن در انتخابیات
 فرانسه را اساساً با بد در ایران
 اقتصادی که جهان امپریا -
 لیستی را فرا گرفته است،
 جستجو کرد. اس بحران
 اقتصادی فقط محتس به
 فرانسه نبوده و به بدای سیر
 سوسیالیستی است. این بحران
 اقتصادی در کابل خود، سا

سوی ساسی خود، بنا بر اساس
 بحران های سیاسی راستو -
 لوزیک و نظامی نیز منجر
 خواهد شد و در برخی ارتکورها
 سده است.
 نشان از ایدالوگست
 اقتصادی بر اکثریت محروم
 جوامع امپریالیستی (و اساساً
 رویروسستی) آسارا و ادار
 به حرکت برای تغییر میکنند.
 این گرایش به تغییر در او ان
 خود، بخاطر نفوذی حد و حصر
 اندولوزی بورژوازی، در
 چهار رچوب نظام پارلسانسا -
 رستی، در چهار رچوب نظام
 موجود، محصور می ماند. و بنا بر
 این فقط در تغییر "تجافه"ها،
 در با شمن کشیدن یک حسیرب
 بورژوازی و با لافش یک حزب
 بورژوازی دیگر حلامه می شود.
 در آمریکا "دیگرات ها" می -
 روند و "جیموریخواهان" می -
 آسند، به اساسا بنام "رند
 گرایش فاشیستی مسردم
 آمریکا!!" بلکه بخاطر واقع
 بحران اقتصادی آمریکا!
 دو سال پیش در انگلستان
 بخاطر همین بحران اقتصادی،
 حزب کارگر سقوط کرد و حزب
 محافظه کار بر رهبری مارگارت
 تا جریبه قدرت رسید. ولی
 سیاست اقتصادی "محکم کردن
 کمربندها" از جانب مارگارت
 تا چربانگمت کابل روبرو
 نده است و امروز - طبق آخرین
 هم پرسی - ۷۰ درصد مردم
 انگلستان خواستار سقوط
 دولت تاجر هستند. و در سده در
 همین دوران مشاهده میکنیم
 که حزب کارگر قلمه "جیا" به
 خود گرفتند است!! در آلمان
 غربی سیر، که با مطلق یکی از
 "سالم"ترین اقتصادات را
 در کشورهای امپریالیستی
 دار است - بحران نفع می -
 تیرد و ما ردمضق آفرین
 همه سری ۶۰ درصد مردم آلمان
 ار هلمون اشمیت اطریش
 نارما بی کرده اند در توری
 که کمماریکسال از انتخابات
 محدودی سعی گذرد).

همین بحران اقتصادی
 در فرانسه - ۱/۵ میلیونها
 بیگاری، روح سوری معادل
 ۱۲ درصد، رگوید اقتصادی...
 سروی اساسی "تیمبر" بوده
 است. ولی فعلاً سوسیالیست
 چهار رچوب همان نظام محصور
 است و به سیر ساسده ها تمام
 سده است. فرانسوا میتران
 بر اینست این جنبش سراسلی
 سوزوری ژسکار دستن سیرور
 کشت. ولی کارزبادی از پیش
 نخواهد شد.
 در همین جا با بد سیک
 نکته مهم نا ره کنیم: آن اینکه
 سوزوازی امپریالیست در
 مواقع بحرانی برای حفظ
 سؤقت خود، برای استحکام
 دکتونسی طبقاتی اش، و
 برای سخرند ساختن نارضا -
 بی سوسی در برخی مواقع
 جیره های حد "سوسیالیست"
 "کمونیست"، "لیبرال"، ...
 را رومیکند و حتی با لاجار سده
 برخی اسبازات نیز ستن
 سده اند. این تا کتیک گفته شده
 سوزوازی فقط برای تقویت
 سؤقت متزلزل و آماده شدن
 برای حمله میاند. این
 تا کتیک فقط نموده های نا آکاد
 و سوزوازی های خام خیال
 را تریب می دهد.
 خلاصه کنیم. انتخاب فرانسوا
 میتران بر است جمهوری فرانسه، نه
 انتخاب یک فرد مترقی، یک حزب
 مترقی، بلکه انتخاب یک حزب
 بورژوا امپریالیست میاند. علت
 آن را باید اساساً در ناراضی عمومی
 مردم! را واقع بحراسی عمق یافته
 اقتصادی جستجو کرد. سنا بر این
 سبج رونمایی مبدی به حرکت
 سرتیجی افانسه از جانب حکومت
 فرانسه داشت، بلکه بانگس ما بد
 سده اشای آن برداخت و نا میاید
 مسئله مرکزی، به بحراسی که هر
 روز عمق میاید توجه داشت و در
 آینده در اسطار حرکتیای و سبجتر
 سسقل سنا رچوب مردم در سساری
 ارتکورها و حسی در میاید ما -
 سده ای، سس سوسیالیست

درباره پیروزی میتران

فرانسوا میتران، دبیر کل حزب سوسیالیست فرانسه در انتخابات ریاست جمهوری فرانسه بر قریب خویش، والرئ ژیسکا رستن پیروز گشت و در ۷ سال آینده در این مقام برای امپریالیسم فرانسه خدمت خواهد کرد. سوزواری امپریالیست بین المللی، و هم چنین خوشب و ران بورژوا - ملی در کشورهای تحت سلطه (چون کشورهای عربی و ایران) این تغییر و جا به جایی را سه مشابه یک "تغییر اساسی" جلوه گر ساختند. اولی ها از

روی فریبکاری و دومی ها از روی بلاهت طبقاتی! عوامل یاد دهنده به این فریبکاری و آن خوشب و رانی ابلهان ساپل بیش با افتاده ای هستند: یکم آنکه فرانسوا میتران لقب پرطمطراق "سوسیالیست" را بدک می کشد، و دوم اینکه والرئ ژیسکا رستن در مدت زمان مدتی ریش آشکارا یک سیاست امپریالیستی و تجا و زگرانیه (بخصوص در آفریقا) را پیش برده بود. ولی خلقهای جهان و بخصوص ما رکسیست های واقعی به هیچ رو نیایستی در

مقابل این تغییر و جا به جایی خلق شوند و نخواهند شد. آنها واقعات را میدانند و سخوی هم نا در به توضیح علل این جا به جایی هستند. برای روشن تر شدن اذهان مختصرا بد بررسی چند نکته میپردازیم:

میتران کیست؟

همانطور که گفتیم فرانسوا میتران لقب "سوسیالیست" را بدک می کشد. همین امر موجب نفووش شدن اذهان بسیاری از مردم

میگردد، امری که امپریالیستها از آن برای فریب مردم سود میبرند، چرا که خلق های حیان در سوسیالیسم و سوسیالیستهای واقعی، راه نجات و رهبران واقعی خود را میجویند، ولی "سوسیالیست های" تقلبی و "سوسیالیست های امپریالیست هم موجود هستند و حزب فرانسوا میتران یکی از همین تقلبی ها است! احزاب "سوسیالیست" (بسیا سوسیال دمکرات) از نقطه نظر تاریخی همان احزاب (بقیه در صفحه ۳۱)

حداقل دستمزد، تورم و گرانی

گرانی پیدا میکند، امروز دیگر دستمزد کارگران حتی کفاف یک زندگی فقیرانه را هم نمیدهد. زیر بار سنگین فشار زندگی، کمزور حمتگشان خم شده است و قیمت اجناس در بازار مرتب بطور سرسام آوری هر روز بالاتر میرود. تنها منبع درآمد زحمت گشان چند بخش خصوصی و چند بخش دولتی، عبارتست از دستمزد ثابتی که بطور روزانه و یا ماهانه دریافت میکنند، این دستمزد ثابت، که حداقلش را دولت مکتبی و انقلابی با منت ۶۳/۵ تومان تعیین کرده، در مقابل سالانه رفتن قیمت ما به محتاج زندگی، ارزش و قدرت خریدش به کمترین نصف خود تقلیل یافته است. تا خیر این وضعیت اقتصادی پر زندگی، میلیونها انسان زحمتکش، یعنی هر چه بیشتر به فقر و فلاکت کشانند زحمتگشان، یعنی هزاران انسان محروم تا چارند در شب با دسناهی خالی تریه سر بنا ههای فقیرانه خود در قفسه و در قفسه تقریبا خالی بازن و فرزندان خود شریک شوند. بهال گذشته اگر یک کارگر با زحمت میتوانست با یک چنین دستمزدها یعنی از پیرداختن اجاره یک خانه دو اتاقه، کمی گوشت و برنج و دیگر ما محتاج ابتدائی را تهیه کند، امروز با بدیه حرت غذا و امکانات فقیرانه با رسال خون دل بخورد، این رنج ناشی توان فرسا، این فشا ر فقر تحمل نا پذیر، این رویا رونی همه روزها اهل و عیال عربان و گرسنه بین نیست، دولت مکتبی ارتجاعی و همدمستان شده ای و اکثریتش در شعارها و بیابهای روزانه خود عکس العمل به حق کارگران، برای کسب حقوق معلوم تا مین یک زندگی ابتدائی بلکه بصورت اعتصاب و اعترا بن برور میکند، عملی ضد انقلابی و توطئه گرانه قلمداد میکنند، حامی متغلب مستضعفین، و همبیمانان فدکا رگوش، از برای کارگران سنگری ساخته اند بنام کارخانه و در ایسین

سنگر که بیشتر به اردوگاه عظیم و شکنجه شیه است تا سنگر، و بظنسه کار بیشتر و تولید بیشتر را تعیین نموده اند. ولی هر وقت صحبت از این مقوله میشود که نتیجه کار را چه کسی به جیب فراخش میریزد و تولیدیکه ارزشش مشخص است چرا در بازار فروش گرا شتر عرضه میشود، همه خناق میگیرند. وقتی بحث بگردان مشکل اساسی دور میزند که با یک چنین دستمزدهای حقیرانه چگونه با بد زحمت گشان زندگی کنند؟ و چرا در مقابل این گرانی سرسام آور و فرسواد دستور داده اند که دستمزدها با بیستی ثابت بمانند، دلیل این گرانی و تورم چیست؟ و چرا بخش خصوصی طبق آمار خود نشان در عرض دو سال بعد از قیام بیشترین سودها را برده است که سربس ۱۲۰ میلیار تومان میزند؟ یکی در حالیکه خود دزدان است بدنیال دزد میگرد و دیگری شمار تو خالی ملی کردن بازرگانی خارجی را میدهد. ای رویا هان شبا خود را به کوچه علی جیب تزئینید! بحث بر سر دستمزد حقیرانه ثابت است و تورم و گرانی سرسام آور تا آنها کوچک شده اند. قیمت بنسیرا ز کیلوشی ۱۲ تومان به کیلوشی ۲۵ تومان و حتی در مواقعی تا ۳۵ تومان افزایش یافته است. جای نامرغوب داخلی از ۹ تومان به ۲۵ تومان رسیده است. با رجه یافت نمیشود و اگر پیدا شود چند برابر قیمت سابق است، قیمت مواد و فترجه و کفش و لباسها اگر قرار باشد در این حکومت ضد علم و فرهنگ مدارس با زسانند، دوسرا سرشده است. گوشت از کیلوشی ۱۳ تومان به کیلوشی ۴۰ تومان و در با زار سیاه تا ۷۵ تومان ترقی کرده است. سرخ نرخی دو برابر سال گذشته است. انواع سخن ها با ساتت نمیشود و با اگر پیدا شود چند برابر قیمت سابق است. در باره میوه که اصلا نباید صحبت کرد، وقتی گوجه سبز و ترش با کیلوشی ۴۵ تومان به با زار بیاید، از برتقال دانه ای ۱۵ تومان و گوجه فرنگی کیلوشی ۲۲ تومان با بیستی شکایتی داشت، آیا قیمت های خریداری شده از تولید کنندگان، با قیمت تمام شده محصولات و با قیمت واردات اجناس همین مبلغ است؟